



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی

بررسی منع جرم شکنجه در اسناد ملی، بین المللی و شریعت اسلامی

رساله ماستری

محصل: ترینا حمیدی

استاد رهنما: دکتور محمد یونس (ابراهیمی)

سال: 1400 هـ ش - 1442 هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی

بررسی منع شکنجه در اسناد ملی، بین المللی و شریعت اسلامی

رساله ماستری

محصل: ترینا حمیدی

استاد رهنما: دکتور محمد یونس (ابراهیمی)

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۱ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

- به تمامی دانشمندان و نویسندگانی که پیوسته تحقیقات علمی می‌نمایند.
- به تمامی نهادها و کمیسیون‌های تقنینی و به آنانی که در تفسیر، نظارت و تنفیذ قوانین ذیصلاح اند.
- به پدر بزرگوار و مادر مهربانم که در راه تعلیم و تحصیلم اخلاص مندانانه تلاش‌های بی دریغ ورزیدند و در زیر سایهٔ دعا‌های شان بود که راه دانش را در پیش گرفتم و برای رسیدن به مدارج بالای علمی دل بسته ام.
- و به تمامی کسانی که در نگارش و تأیید این رساله یاری ام رسانیدند.

از بارگاه بی کران پروردگار خالصانه آرزومندم تا این بحث کوچک

را زمینهٔ استفادهٔ مناسب دیگران گردانیده

و در میزان حسناتم بیفزاید!

سپاس گذاری

میسر شدن فرصت های تعلیمی و تحصیلی برایم از لطف پروردگار منان بوده که شایسته سپاس گذاری است؛ زیرا اگر منت او تعالی و توفیقش نمی بود نیل به درجات تحصیلی به ویژه مرحله ماستری برایم نا ممکن بود .

همچنان از وزارت محترم تحصیلات عالی دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای اینکه بسترهای تحصیلی را در مقاطع لیسان و ماستری برای نهاد های تحصیلی زمینه سازی نمود اظهار امتنان و قدر دانی میکنم.

همچنان از استاد بزرگوارم دکتر محمد یونس "ابراهیمی" اظهار سپاس و قدردانی می نمایم که در جریان تحصیلات دوره ماستری ام با تقدیم درس های اخلاص مندانه شان به اندوخته های علمی ام افزوده، وقت کافی خود را در اختیارم گذاشت و با شریک سازی تجربه های نگارندگی اش در تهیه این رساله راهنمائی های سودمند نمود؛ الله متعال عمر دراز و با برکت برایش ارزانی فرموده و در راه تبلیغ علوم شرعی برایش توفیق بیشتر عطا فرماید.

در اخیر رستگاری تمامی استادانی را که شرف شاگردی شانرا بدست آوردم، کسانی را که در مناقشه این رساله سهم بودند و همه کسانی را که در رسیدنم به درجه ماستری تشویق و ترغیب نمودند از بارگاه الله متعال خواهانم. الله متعال سعادت مندی را نصیب همه مسلمانان گرداند.

خلاصه بحث

رساله ای را که تحت عنوان (ممنوعیت شکنجه در اسناد ملی، بین المللی و شریعت اسلامی) نوشته ام خلاصه آن طور ذیل است:

این رساله به چهار فصل، مقدمه و یک خاتمه تقسیم شده است، که در فصل اول آن تعریف لغوی شکنجه ذکر گردیده و جایگاه و محل بحث از شکنجه در فقه چندان روشن نبوده؛ زیرا بسیاری از فقها اصلاً چنین بحثی را مطرح نکرده اند و برخی آن را نه به عنوان مسأله و موضوعی مستقل، بلکه به عنوان امری فرعی و تبعی به شکل اجمالی در خلال مباحث مختلفی چون کتاب الحدود، کتاب السیر، کتاب الاکراه، کتاب الذبائح و... مطرح نموده اند.

اما کنفرانس کشورهای اسلامی شکنجه را چنین تعریف نموده است: "دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات، یا به گونه حقارت آمیز نگرستن به شخص ویا مخالف منافی آن عمل کردن را شکنجه گویند".

وهمین طور از واژه های مرادف شکنجه (حد، تعزیر، تأدیب و مثله ..) بحث صورت گرفته و فرق آن ها بیان شده است.

همچنان از ارکان جرم شکنجه (رکن مادی، رکن معنوی و رکن شرعی یا قانونی) بحث صورت گرفته و اهمیت رکن شرعی یا قانونی برجسته ساخته شده است.

و در فصل دوم از انواع شکنجه (شکنجه جسمی (مستقیم و غیر مستقیم) و شکنجه روحی (مستقیم و غیر مستقیم)) و سیر تاریخی شکنجه (شکنجه در عهد

باستان، دوران قرون وسطی، عصر اصلاحات، شکنجه در دوران معاصر، و تاریخ شکنجه در تاریخ و تمدن اسلامی) بحث صورت گرفته شده است.

و در فصل سوم به اهداف شکنجه (تنبیه و مجازات متهم، اخذ اعتراف و اقرار، کسب اطلاع و اخذ شهادت، عوامل روانی و اجتماعی، خصومت شخصی، نبودن وسیله اثبات جرم، منفعت مالی، عدم آگاهی مسؤلان از حقوق متهمان و مظنونین، عدم آگاهی مظنونین و متهمان از حقوق خود، عدم پیگیری قضایای شکنجه، عدم وجود یک نهاد نظارت کننده، وجود خलाهاى قانونی درمورد شکنجه، و نبود کادرهای مسلکی درارگان های کشف و تحقیق)، ابزارهای شکنجه (مشت، لگد وسیلی، اسلحه، چوپ، کیبل، برق، زنجیر و زولانه مداوم، بی خوابی و محرومیت از آب و غذا، سیخ داغ، دو و دشنام)، نهاد های که در آن شکنجه رخ می دهد (پولیس، نظارت خانه، محبس و خارنوالی) و تاثیرات (جسمی، روانی و اجتماعی) شکنجه پرداخته شده است.

و در فصل چهارم هم از ممنوعیت شکنجه در شریعت اسلام (دلایل ممنوعیت شکنجه از قرآن کریم، سنت نبوی و فقه اسلامی)، قوانین ملی (قانونی اساسی افغانستان، قانونی اجراءات جزائی، قانون اجراءات جزائی عسکری، کود جزا، و قانون منع شکنجه) و قوانین بین المللی (اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴) سخن گفته شده و در اخیر هم با ذکر مهمترین نتایج به دست آمده از این تحقیق و بعضی از پیشنهادات به نهاد ها و جهت های مسؤل این پایان نامه به پایان رسیده است.

فهرست موضوعات

1..... مقدمه

فصل اول

مفهوم جرم شکنجه و ارکان آن

11..... مبحث اول : مفهوم منع جرم شکنجه

11..... مطلب اول: مفهوم منع جرم شکنجه در لغت:

11..... فرع اول: مفهوم منع

11..... فرع دوم: مفهوم جرم

12..... فرع سوم: مفهوم شکنجه

12..... مطلب دوم: تعریف شکنجه در فقه اسلامی

15..... مطلب سوم: تعریف شکنجه از نگاه حقوقی

15..... مطلب چهارم: تعریف شکنجه از نگاه قوانین ملی

16..... مطلب پنجم: تعریف شکنجه از نگاه قوانین بین المللی

17..... مطلب ششم: واژه های مترادف شکنجه

17..... اول: فرق بین جرم شکنجه و مجازات مقرر در شریعت اسلامی

20..... دوم: تفاوت و فرق شکنجه با تعزیر

- 22.....سوم: فرق شکنجه با تأديب
- 23.....چهارم: فرق شکنجه با مثله
- 28.....مبحث دوم: ارکان شکنجه
- 29.....مطلب اول: رکن مادی
- 30.....مطلب دوم: رکن معنوی
- 32.....مطلب سوم: رکن شرعی و قانونی

فصل دوم

انواع شکنجه وسیر تاریخی آن

- 36.....مبحث اول: سیرتاریخی شکنجه
- 37.....مطلب اول: عهد باستان
- 39.....مطلب دوم: دوران قرون وسطی
- 40.....مطلب سوم: عصر اصلاحات
- 41.....مطلب چهارم: شکنجه در دوران معاصر
- 42.....مطلب پنجم: شکنجه در تاریخ تمدن اسلامی
- 46.....مبحث دوم: انواع شکنجه
- 46.....مطلب اول: شکنجه جسمی:
- 51.....مطلب دوم- شکنجه روحی:

فصل سوم

اسباب، ابزارها و تاثیرات شکنجه

- 57..... مبحث اول : اسباب شکنجه
- 58..... 1 - تنبيه ومجازات متهم :
- 60..... ۲ - عدم اعتراف واقرار:
- 61..... 3 - كسب اطلاع واخذ شهادت:
- 61..... 4 - عوامل روانی واجتماعی:
- 62..... 5 - خصومت شخصی:
- 63..... 6 - نبودن وسیله اثبات جرم:
- 63..... 7 - منفعت مالی :
- 64..... 8 - عدم آگاهی مسئولان از حقوق متهمان ومظنونین:
- 64..... 9 - عدم آگاهی مظنونین ومتهمان از حقوق خود:
- 65..... 10 - عدم پیگیری قضایای شکنجه:
- 66..... 11 - عدم وجودیک نهاد نظارت کننده:
- 66..... 12 - وجود خلاهای قانونی درمورد شکنجه:
- 67..... 13 - نبود کادرهای مسلکی درارگان های کشف وتحقیق:
- 69..... مبحث دوم- ابزارهای شکنجه:

- 1 - مشت لگد وسیلی: 69
- 2 - اسلحه: 69
- 3 - چوب: 70
- 4 - کیبل: 70
- 5 - برق: 70
- 6- زنجیر وزولانه بصورت مداوم: 71
- 7- بی خوابی ومحرومیت ازآب وغذا: 71
- 8 - سیخ داغ "استفاده از میله های آهنی ودنده پولیس": 72
- 9- دو ودشنام..... 72
- مبحث سوم : ارگانها و محل هائیکه که در آنها شکنجه یا رفتار غیر انسانی رخ می دهد : .. 73
- مطلب اول: ارگانهاییکه در آنها شکنجه رخ می دهد..... 73
- ۱ - پولیس (امنیتی، عدلی، ترافیک): 73
- ۲ - امنیت ملی: 73
- ۳ - خازنوالی: 74
- مطلب دوم: محل هائیکه در آنها شکنجه رخ می دهد..... 74
- ۱ - نظارت خانه: 74
- ۲ - محبس: 75
- مبحث چهارم- تأثیرات شکنجه: 75

76	الف: تأثیرات جسمی:
76	ب - تأثیرات روانی:
77	ج - تأثیرات اجتماعی:
77	مبحث پنجم - وجوه افتراق شکنجه و دیگر اعمال غیر انسانی:
80	الف - انجام آزمایشات الکترونیکی و غیر انسانی:
81	ب - شکنجه و مجازات اعدام:

فصل چهارم

دلایل ممنوعیت جرم شکنجه در شریعت اسلامی قوانین ملی و بین المللی 83

86	مبحث اول: ممنوعیت شکنجه در شریعت اسلامی
88	مطلب اول: ممنوعیت شکنجه در قرآن
91	مطلب دوم: ممنوعیت شکنجه در سنت
96	مطلب سوم: ممنوعیت شکنجه در فقه
98	مبحث دوم: ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی
101	مبحث سوم: ممنوعیت شکنجه در قوانین بین المللی
108	نتیجه گیری و پیشنهادات
111	فهرست آیات احادیث و اعلام
114	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين سيدنا محمد وعلى آله وصحبه الطيبين الطاهرين الغر الميامين أجمعين ثم أما بعد:

قال الله تعالى: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾¹.

ترجمه: ما آدمیزادگان را (با اعطاء عقل، اراده، اختیار، نیروی پندار و گفتار و نوشتار، قامت راست، و غیره) گرامی داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبهای گوناگون) حمل کرده‌ایم، و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده‌ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم.

مسئله حقوق انسان و آزادی‌های اساسی وی از اهمیت بسیاری برخوردار است و به ویژه با توجه به قانون ضمانت حمایت از آنها، جای توجه و مطالعه را دارد. از جمله مهمترین این حقوق عبارتند از: حق تحت شکنجه قرار نگرفتن، این عمل نقض آشکار حقوق بشر به طور کلی است، و به طور مستقیم بر حق سلامت جسمی، روحی و روانی تأثیر می‌گذارد، و بنابراین شکنجه یکی از جدی‌ترین جرایم داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود که مستلزم مسئولیت جزائی است.

با توجه به تخلفات بیشمار در سراسر جهان، به ویژه در این دوره که با جنگ‌ها، و درگیری‌های مسلحانه همراه است و از انواع مختلف شکنجه‌ها، خصوصاً در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، خالی نیست، لازم بود که به مطالعه ماهیت ممنوعیت ارتکاب این جنایت پرداخته شود و دیدگاه شریعت اسلامی و قوانین وضعی در مورد این موضوع واضح شود. بنا بر این به نوشتن این موضوع

¹ - اسراء: آیه 70.

تحت عنوان: " بررسی منع شکنجه در اسناد ملی، بین المللی و شریعت اسلامی " به خاطر تحقق هدف فوق الذکر پرداختم.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی: از ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی و بین المللی و شریعت اسلامی چگونه بحث صورت گرفته و بخاطر ممنوعیت شکنجه چه راه کارهای را پیش بینی نموده اند؟ که از این سوال اصلی چند سوال فرعی ذیل تفریع می شود:

1. به سطح بین الملل کدام قوانین است، که در مورد ممنوعیت شکنجه سخن گفته و آن را جرم پنداشته است؟

2. دستگاه قانون گذاری افغانستان بخاطر جلوگیری از موارد شکنجه کدام قوانین را تصویب نموده است؟

3. دیدگاه شریعت اسلامی در مورد شکنجه افراد چگونه بوده و آیا در بحث ممنوعیت جرم شکنجه شریعت اسلامی مقدم بوده و به طور گسترده آن را مورد بحث قرار داده و یا قوانین وضعی؟

4. در شرایط کنونی چگونه می توان مانع شکنجه افراد شد؟ این سوالاتی است که در جریان بحث به جواب آنها پرداخته می شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

اهمیت و ضرورت تحقیق در نکات ذیل معلوم می شود:

- 1- مبحث تحقیق مربوط به حوزه حقوق بشر است. محققان در همه سطوح ، به ویژه در عصر حاضر و با توجه به تغییرات جهانی ، این موضوع را بسیار مورد توجه قرار می دهند.
- 2- حق شکنجه نشدن حقی است که در بین بشر مشترک است و ماهیتی جهانی دارد. بنابراین باید با دانستن مسئولیت ارتکاب این جنایت مورد مطالعه و توجه قرار گیرد.
- 3- جدی بودن موضوع با توجه به نقض مکرر حقوق بشر ، در درگیری های مسلحانه و جنگ ها ، که منجر به ارتکاب این جنایت شد ، به ویژه در زندان ها و بازداشتگاه ها ، همانطور که در زندان ابوغریب، زندان گوانتانامو و زندان بگرام اتفاق افتاد.
- 4- توجه روزافزون جامعه بین الملل به مسئله شکنجه به عنوان نقض جدی حقوق بشر ، و تلاش های بین المللی در این چارچوب برای مهار این پدیده ، و خواستار اتخاذ اصول جزای بین المللی عدالت با پیگرد قانونی عاملان این جنایت بر اساس مسئولیت جزائی فردی و اعمال اصل عدم فرار از مجازات.
- 5- اهمیت مطالعه حفاظت از این موضوع با توجه به پیشرفت علمی و فنی فوق العاده. که می تواند با استفاده از این ابزارهای شکنجه ، به خطر انداختن حق برای تمامیت جسمی و روحی انسان تأثیر بگذارد.
- 6- تأثیرات منفی این جنایت در سطح جسمی و اخلاقی ، که روح انتقام جویی را ایجاد می کند ، تفکر افراطی را ایجاد می کند و به رشد جنایات تروریستی و برخلل وارد کردن به امنیت کشور و جامعه کمک می کند.

اسباب اختیار موضوع:

برگزیدن این موضوع برای تحقیق اسباب زیادی دارد که مهمترین آنها را ذکر می نمایم:

1- علاقه خاص من در زمینه حقوق بشر و آنچه مربوط به آزادی های آن و سازوکارهای حمایت از حقوق بشر است.

2- تمایل ذهنی برای درک عمیق تر و جامع تر از جرم شکنجه ، دانستن ماهیت مسئولیت جزائی مرتکب ، و بنابراین صحبت کردن در مورد ضمانت های گسترده تر و موثرتر برای حمایت از حق انسان و عدم تعرض بر حق وی.

3- در مورد حقوق بشر با توجه به درگیری های جهانی ، و تسلط قدرت در تعاملات بین المللی و تبدیل درگیری به یک درگیری علمی ، هسته ای ، بیولوژیکی و شیمیایی صحبت های زیادی وجود دارد. ؛ که تاثیری عمیق بر انسان و حق او در واقع نشدن در معرض شکنجه دارد.

4- بر خوردار بودن جسم انسان از حرمت مقدس در شریعت اسلامی و قوانین وضعی؛ که خواستار صحبت در مورد مهمترین تضمینهایی است که شریعت وقانون برای محافظت از انسان در برابر شکنجه تضمین کرده است.

پیشینه موضوع:

موضوع جلوگیری از شکنجه در قوانین ملی و بین المللی و شریعت اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین، این موضوعی است که به دلیل ارتباط مستقیم آن با شخص انسان، قابل مطالعه است. از جمله مطالعاتی که در این موضوع انجام شده، موارد زیر را ذکر می‌کنم:

1- رساله دکتورا از استاد عمر فاروق حسنی، تحت عنوان (تعذیب المتهم لحمله علی الاعتراف) رساله دکتورا بوده که در پوهنخی حقوق پوهنتون قاهره در سال 1985م به نشر رسیده است، اما این رساله صرف به شخص متهم پرداخته است.

2- رساله دکتورا از استاد طارق عزت رخا، زیر عنوان (تحريم التعذيب والممارسات المرتبطة به، دراسة مقارنة في القانون الدولي العام والقانون الوطني والشريعة الإسلامية) این رساله هم زیاد به منع جرم شکنجه پرداخته است، بلکه صرف بر فعل شکنجه و افعال مشابه آن تماس گرفته است.

3- رساله دکتورا از استاد بوالدیار حسنی، زیر عنوان (التعذيب والمعاملة أو العقوبة القاسية أو اللاإنسانية أو المهينة في القانون الدولي) که این رساله صرف به قانون بین الملل پرداخته و شریعت اسلامی و قوانین محلی را فرو گذاشت کرده است.

4- رساله ماستری از عادل بن محمد تویجیری، زیر عنوان (التعذيب والمعاملة المهينة بكرامة الإنسان في الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي) جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية، 1427 هـ = 2006م، که این رساله با تفصیل به موضوع جرم شکنجه و ارکان آن نپرداخته است.

همین طور بعضی از بحث های دیگر است که به این موضوع پرداخته است:

5- عماد محمود عبید، زیر عنوان: (جريمة التعذيب في القانون المقارن)، که در "مجلة العربية للعلوم الأمنية والتدريب" در جلد 23، شماره 46، در سال 2008 م، نظر شده است. که یک تحقیق کوچک بوده و به فروع این موضوع نپرداخته است.

6- عماد الفقی، زیر عنوان (المسؤولية الجنائية عن تعذيب المتهم)، کتاب نشر شده در جامعه الأزهر در سال 2007 م، که تنها به موضوع متهم پرداخته است.

بنابراین، تحقیق من اولین چیزی نیست که در این زمینه نوشته شده است، و به عنوان یک امانت علمی، من از تالیفات قبلی بسیار بهره مند شده ام، و آن نوشته ها در بسیاری از جنبه های این پایان نامه به من کمک کردند.

با این حال، آنچه تحقیق من را متمایز می کند این است که در این تحقیق جرم شکنجه در شریعت اسلامی و قانون وضعی با هر دو بخش آن؛ قوانین داخلی که در آن تقریباً محدود به قوانین جزائی افغانستان و بین الملل در شاخه های مختلف آن، مورد بررسی قرار گرفته است، و همین طور به اسباب و عواملی که باعث شکنجه می شود و نهاد های که در آن شکنجه و رفتار غیر انسانی رخ می دهد نیز در این تحقیق گنجانده شده است.

روش تحقیق:

ماهیت این موضوع که یک مطالعه تطبیقی است، مستلزم پیروی از روش استقرایی، تحلیلی و مقایسه وی است.

رویکرد استقرایی با پیروی از متون شرعی و قانونی، جمع آوری قسمتهای مواد علمی مرتبط با موضوع و سازماندهی مجدد، تنظیم و فرمول بندی آنها مطابق با الزامات این تحقیق صورت گرفته است.

در مورد رویکرد تحلیلی ، از طریق تجزیه و تحلیل عناصر مواد علمی ، از متون شرعی ، دلایل و اقوال فقهی و قانونی ، و بحث در مورد آنها و تجزیه و تحلیل معانی و اهداف آنها ، به نتایج قابل دستیابی در این موضوع رسیده ام.

سپس رویکرد مقایسه ای است، که با مقایسه متن ها با یکدیگر ، ارائه آنها متناسب با قدرت آنها ، مقایسه کردن نظر شریعت اسلامی با قانون وضعی ، دانستن نقاط شباهت و اختلاف و شناخت بهترین و موثرترین آنها صورت گرفته است.

خطه بحث

و در مورد خطه بحث این تحقیق دارای یک مقدمه و چهار فصل میباشد که در مقدمه موضوعاتی مانند: طرح مسئله، سوالات تحقیق، اهمیت موضوع، اسباب اختیار موضوع و شیوه تحقیق جا داده شده است.

فصل اول - مفهوم جرم وشکنجه و ارکان آن

دارای دو مبحث به طور ذیل میباشد:

- مبحث اول : تعریف جرم شکنجه و واژه های مترادف آن
 - مطلب اول: تعریف جرم و شکنجه در لغت
 - مطلب دوم: تعریف شکنجه در فقه اسلامی
 - مطلب سوم: تعریف شکنجه از نگاه حقوقی
 - مطلب چهارم: تعریف شکنجه از نگاه قوانین ملی
 - مطلب پنجم: تعریف شکنجه از نگاه قوانین بین المللی
 - مطلب ششم: واژه های مترادف شکنجه
- مبحث دوم : ارکان شکنجه
 - مطلب اول: رکن مادی
 - مطلب دوم: رکن معنوی

- مطلب سوم: رکن شرعی و قانونی

فصل دوم - انواع شکنجه وسیر تاریخی آن

که دارای دو مبحث و مطالب به طور ذیل میباشد:

- مبحث اول: سیرتاریخی شکنجه
 - مطلب اول: عهد باستان
 - مطلب دوم: دوران قرون وسطی
 - مطلب سوم: عصر اصلاحات
 - مطلب چهارم: شکنجه در دوران معاصر
 - مطلب پنجم: نگاهی به اعمال شکنجه توسط غربیان بالای مسلمانان در ادوار مختلف
 - مطلب ششم: تاریخ شکنجه در تمدن اسلامی
- مبحث دوم: انواع شکنجه
 - مطلب اول: شکنجه جسمی
 - مطلب دوم- شکنجه روحی

فصل سوم - اسباب، ابزارها و تاثیرات شکنجه

که دارای مباحث و مطالب ذیل میباشد:

- مبحث اول: اسباب شکنجه
- مبحث دوم- ابزارهای شکنجه
- مبحث سوم: نهاد های که در آنها شکنجه یا رفتار غیر انسانی رخ می دهد
- مبحث چهارم- تاثیرات شکنجه:
 - مطلب اول: تاثیرات جسمی
 - مطلب دوم: تاثیرات روانی
 - مطلب سوم: تاثیرات اجتماعی

- مبحث پنجم - وجوه افتراق شکنجه و دیگر اعمال غیر انسانی
- مطلب اول: انجام آزمایشات الکترونیکی و غیر انسانی
- مطلب دوم: شکنجه و مجازات اعدام
- مطلب سوم: شکنجه و نسل کشی

فصل چهارم - ممنوعیت شکنجه در شریعت اسلامی قوانین ملی و بین المللی

که دارای مباحث و مطالب ذیل میباشد:

- مبحث اول : ممنوعیت شکنجه در اسلام
 - مطلب اول: ممنوعیت شکنجه در قرآن
 - مطلب دوم: ممنوعیت شکنجه در سنت
 - مطلب سوم: ممنوعیت شکنجه در فقه
 - مبحث دوم : ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی
 - مبحث سوم : ممنوعیت شکنجه در قوانین بین المللی
- که در خاتمه نتیجه گیری و پیشنهادات ذکر گردیده است

فصل اول

مفهوم جرم شکنجه و ارکان آن

که دارای مباحث ذیل می باشد:

مبحث اول: مفهوم جرم شکنجه

مبحث دوم: ارکان جرم شکنجه

مبحث اول : مفهوم منع جرم شکنجه

مطلب اول: مفهوم منع جرم شکنجه در لغت:

در اینجا ضرور است تا مفهوم واژه های منع، جرم و شکنجه را مورد توضیح قرار دهیم:

فرع اول: مفهوم منع

در لسان العرب آمده است؛ منع اینکه بین شخص و چیزی را که می خواهد حائل واقع کنی و خلاف اعطا می باشد. «رجل منوعٌ ومانع) مرد بخیل و ممسک ودر قرآن کریم آمده است (مَنَّاعٌ لِلْخَيْرِ) «بسیار مانع کار خیر» و (وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا) «و زمانی که خوبی بدو رو می کند، سخت (از حسنات و خیرات دست باز می دارد و) دریغ می ورزد» « مَنُوعًا » : بسیار دریغ کننده . بسیار دست باز دارنده¹.

فرع دوم: مفهوم جرم

کلمه جرم در لغت به چند معنا آمده است از آن جمله؛ گناه و تجاوز، در لسان العرب آمده است: "جرم به معنای: گناه، تعدی و تجاوز که جمع آن اجرام، جروم (جَرَمٌ، يَجْرِمُ، جُرْمًا) وجرم مصدر جارم کسی که بر خود و قوم خود بدی را مرتکب می شود، و مجرم: گناه کار"² پس جرمه عبارت از ارتکاب گناه و تجاوز بر غیر میباشد.

¹ - ابن منظور - لسان العرب، المؤلف : محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري، الناشر : دار صادر - بيروت، الطبعة الأولى، عدد الأجزاء : 15، (8 / 343).

² - ابن منظور - لسان العرب (10 / 216 - 217).

فرع سوم: مفهوم شکنجه

لغویون واژه شکنجه را در معانی مختلف از جمله: عقاب، عقوبت، عذاب دادن دزد و گناهکار بکار برده همچنین شکنجه کردن را به معنای سیاست کردن و عقوبت کردن نیز ذکر کرده اند، اگر چه در معنای آزار و اذیت، رنج، تعذیب و عذاب که بر تن دهند، بیشترین استعمال را دارد¹.

معنای کلمه شکنجه در عربی (تعذیب) میباشد، طوری که راغب اصفهانی² در مفردات ذکر نموده است: - تعذیب- در اصل وادار نمودن انسانی است به این که گرسنگی بکشد و بیدار باشد. و نیز گفته شده: اصلش از- عذب- (شیرینی و گوارائی) است پس عذبتّه- گوارایی و شیرینی حیاتش را از او دور کردم که بر وزن- مرّضته و قدّیتّه: (بیمارش کردم و در چشمش خاشاک ریختم). و نیز گفته شده اصل- تعذیب- زیاد زدن با سر تازیانه است³.

مطلب دوم: تعریف شکنجه در فقه اسلامی

در مصطلحات و الفاظ فقهی از شکنجه غالباً با واژه «التعذیب» بحث میشود. از لحاظ لغوی واژه «التعذیب» مصدر عذّب یعذّب بوده و اصل عذاب در کلام عرب به معنای ضرب (زدن) میباشد و در تمامی عقوبت هایی که همراه درد و رنجاندن به کار برده میشوند. این واژه برای بیان

¹ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۷، ص ۱۰۱۲۲، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، چاپ اول.

² - معرفی راغب اصفهانی: (502 هـ = 1108 م) - حسین پسر محمد پسر مفضل، ابو القاسم اصفهانی (اصبهانی) مشهور به راغب، ادیب، حکیم و عالم از اهل (اصفهان) در بغداد اقامت گزید و در همان جا مشهور شد و هم سطح امام غزالی می باشد، تصانیف زیادی دارد که از آن جمله کتاب (المفردات فی غریب القرآن) اش زیاد مشهور است. (زرکلی - الأعلام، المؤلف: خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی الدمشقی (المتوفی: 1396 هـ)، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - آيار / مايو 2002 م)

³ - ترجمه مفردات قرآن- راغب اصفهانی ج 2، ص: 571.

امور شاقه و بسیار سخت و دشوار عاریه گرفته شده است. معجم الوسیط هم این واژه را به معنی کثرت ضرب به وسیله شلاق تعریف کرده است¹.

هر چند مفهوم و معنای تعذیب (شکنجه) از لحاظ لغوی و عرفی آشکار بوده اما واژه مزبور تا جائیکه من می دانم در کتابهای فقهاء به این مصطلح حقوقی اش وارد نشده است، وفقهاء غالباً این اصطلاح را در ضمن افعال جنایت بر مادون النفس استعمال نموده اند که مراد از آن شکنجه جسمی می باشد، زیرا که شکنجه جسمی حق انسان را در سلامت جسم وی از شکنجه مورد تهدید قرار می دهد².

وجنایت بر ما دون النفس: عبارت از " هر فعل حرامی است که بر اطراف ویا اعضا با قطع کردن، زخمی کردن و یا دور کردن منفعت آن واقع شود"³.

به این ترتیب نمیتوان ادعا نمود که هر جا در فقه عنوان تعذیب، ایذاء و به کار برده میشود مراد از آنها لزوماً شکنجه به معنای مصطلح حقوقی بوده و دقیقاً بر این عنوان تطبیق مینماید. اما برخی از مصادیقی که منطبق بر این مصطلح حقوقی اند را میتوان تحت چنین عناوینی مشاهده نمود.

جایگاه بحث شکنجه در فقه:

جایگاه و محل بحث از شکنجه در فقه چندان روشن نبوده؛ زیرا بسیاری از فقها اصلاً چنین بحثی را مطرح نکرده اند و برخی آن را نه به عنوان مسأله و موضوعی مستقل، بلکه به عنوان امری

¹ - المعجم الوسیط، المؤلف: مجمع اللغة العربية بالقاهرة، (إبراهیم مصطفی / أحمد الزیات / حامد عبد القادر / محمد النجار)، الناشر: دار الدعوة، ج 2، ص: 589.

² - لخذاری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب دراسة مقارنة بين الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي، رسالة دكتوراه من جامعة الحاج لخضر- الجزائر، (1435هـ = 2014م)، ص 16.

³ - وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية الكويتية، الموسوعة الفقهية، 1998م، (2 / 124).

فرعي و تبعي به شكلي اجمالي در خلال مباحث مختلفي چون كتاب السير¹، كتاب الاكراه²، كتاب الذبائح³ و مطرح نموده اند.

غالب مباحثي كه پيرامون واژه تعذيب در فقه مطرح شده، مربوط به تعذيب الحيوان⁴ بوده كه در اين جا مطابق روش فقها بيشتر مسأله تعذيب از لحاظ حكمي تبیین شده است.

بنابراين در تبیین موضع فقها در قبال مسأله شكنجه در ذيل عناويني چون التعذيب، ايداء و توجه به تفكيك خاص ضرورت دارد و آن تفكيك اين كه واژگان مزبور گاهي براي بيان نوع روابط بين افراد با يكديگر يا افراد با حيوانات و گاهي براي بيان روابط بين دولت (حاكم، حاكميت و حكومت) با افراد بكار گرفته ميشود، لذا همواره مراد از تعذيب و كلمات مشابه در كلام فقها شكنجه مصطلح به معنای حقوقي (حقوق بشري) نيست.

¹ - كاساني - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، المؤلف: علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1986م. ج 7، ص: 120.

² - سرخسي - المبسوط، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، الناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: بدون طبعة، تاريخ النشر: 1414هـ - 1993م. ج 24، ص: 47.

³ - بابرتي - العناية شرح الهداية، المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي البابرتي (المتوفى: 786هـ)، الناشر: دار الفكر. ج 9، ص: 495.

⁴ - ملا خسرو - درر الحكام شرح غرر الأحكام، المؤلف: محمد بن فرامرز بن علي الشهير بملا - أو منلا أو المولى - خسرو (المتوفى: 885هـ)، الناشر: دار إحياء الكتب العربية، ج 1، ص: 277.

- رازي - تحفة الملوك (في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة النعمان)، المؤلف: زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي (المتوفى: 666هـ)، المحقق: د. عبد الله نذير أحمد، الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1417.

- دسوقي - حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، المؤلف: محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي المالكي (المتوفى: 1230هـ)، الناشر: دار الفكر. ج 4، ص 24.

کنفرانس کشورهای اسلامی شکنجه را چنین تعریف نموده اند: "دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات، یا به گونه حقارت آمیز نگرستن به شخص ویا مخالف منافع آن عمل کردن را شکنجه گویند"¹. این تعریف یک تعریف جامع ای است که تمام ارکان شکنجه را دربرمیگیرد².

مطلب سوم: تعریف شکنجه از نگاه حقوقی

اکثر حقوق دانان شکنجه را این طور تعریف نموده اند: (هرگونه عملی که بموجب آن درد و رنج جسمی و روحی بطور عمدی بوسیله یا بر اثر تحریک مامورین دولتی به هدف کسب اطلاعات یا اخذ اقرار ویا برای ارتکاب یک عمل ویا بعلت مظنون بودن فرد به ارتکاب یک عمل، ویا ترساندن او یا اشخاص دیگر، بر روی آن شخص یا شخص ثالثی اعمال شود. این شامل درد و رنجی که فقط متناسب با مجازات قانونی یا نتیجه حاصله از آن مجازات تا حدی که منطبق با حداقل اصول استاندرد رفتار با زندانیان باشد، نمی شود)³.

مطلب چهارم: تعریف شکنجه از نگاه قوانین ملی

در قوانین ملی ما مشخصاً از شکنجه تعریف نشده ولی با ممنوعیت وبدون مورد قبول بودن اظهارات و اقرار را ذریعه شکنجه منع قرارداد، برداشت میشود که: هر عملیکه مخالف حیثیت و کرامت انسانی صورت می گیرد و برائت الذمه که حالت اصلی است در نظر گرفته نشود و مخالف این اصل شناخته شده قانونی، عمل کند شکنجه نامیده می شود. طوری که قانون اجراءات جزائی در ماده

¹ - <https://www.oic-oci.org/home/?lan=ar>. سایت رسمی کانفرانس کشورهای اسلامی.

² - ارکان شکنجه در مبحث دوم این فصل بحث صورت گرفته است.

³ - مؤسسة أعمال الموسوعة للنشر والتوزيع (1996): الموسوعة العربية العالمية، بیروت - دار الفکر، ج 6، ص: 480.

- حقوق الإنسان (1993) مجموعة صکوک دولية، نیویورک - الأمم المتحدة، ص 413.

سه صدو دوم فقره خود چنین ذکر نموده است: (.....شکنجه یا رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز بالای محکوم علیه جواز ندارد)¹.

مطلب پنجم: تعریف شکنجه از نگاه قوانین بین المللی

مجموع مقررات بین المللی شکنجه را بعنوان یک پدیده خشن و جنایت ضدبشری و نقض آشکار حقوق بشر توصیف نمودند.

سازمان ملل متحد ابتدا در قطعنامه (اعلامیه حمایت از همه افراد درمقابل شکنجه و سایر رفتار ها یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و موهون) مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ شکنجه را تعریف چنین تعریف کرد است. بنابر بند الف ماده یک اعلامیه شکنجه عبارتست از: (هرگونه عملی که بموجب آن درد و رنج جسمی و روحی بطور عمدی بوسیله یا بر اثر تحریک مامورین دولتی به هدف کسب اطلاعات یا اخذ اقرار ویا برای ارتکاب یک عمل ویا بعلت مظنون بودن فرد به ارتکاب یک عمل، ویا ترساندن او یا اشخاص دیگر، بر روی آن شخص یا شخص ثالثی اعمال شود. این شامل درد و رنجی که فقط متناسب با مجازات قانونی یا نتیجه حاصله از آن مجازات تا حدی که منطبق با حداقل اصول استاندرد رفتار با زندانیان باشد، نمی شود)².

^۱ - وزارت عدلیه - جمهوری اسلامی افغانستان، قانون اجراءات جزائی، شماره: 110 مؤرخ: 1392/10/30. ماده: 302.

^۲ - إتفاقية الأمم المتحدة لمناهضة التعذيب وغيره من ضروب المعاملة أو العقوبة القاسية أو اللا إنسانية أو المهينة، ديسمبر 1984م. - رخا، طارق عزت (1999): تحريم التعذيب والممارسات المرتبطة به دراسة مقارنة في القانون العام والقانون الوطني والشريعة الإسلامية (القاهرة: دار النهضة العربية) ص 69.

مطلب ششم: واژه های مترادف شکنجه

اول: فرق بین جرم و شکنجه و مجازات مقرر برای هر یک آن در شریعت اسلامی

الف: تعریف عقوبت:

در لغت: به معنای جزا دادن در مقابل فعل ناشایسته، طوری که در لسان العرب آمده است: "عقاب و معاقبه عبارت از این است که شخصی در مقابل انجام فعل بدی جزا داده شود، «عاقبه بذنبه» در مقابل گناهش وی را جزا داد¹.

در اصطلاح: عقوبت جزای مقرر از جانب شریعت بر ارتکاب گناه و معصیت میباشد².

ب - فرق بین جرم شکنجه و عقوبت:

عقوبت که بر مجرم اجرا می گردد در حقیقت برای مردم رحمت بوده و انتقام و ظلم نمی باشد، طوری که مقاصد شریعت اسلامی را متحقق ساخته و مصالح مردم را حفظ می کند، مانند مصلحت حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال، و عقوبت وسیله ای از بین بردن جرم و جنایت بر حقوق انسان بوده، و وسیله اصلاح فرد و راست نمودن او بوده و نظم اجتماع را حمایت نموده و در تطهیر نمودن مجتمع از رذایل و منکرات کمک می کند. پس عقوبات شریعت اسلامی برای تأدیب و زجر بوده نه برای انتقام، بناء قصد شارع از تعیین عقوبات اصلاح جانی بوده نه دردمند ساختن وی. و در اینجا بر کسانی رد صورت می گیرد که عقوبات را در اسلام تعذیب، قسوت و اهانت میدانند و واضح شده که

¹ - ابن منظور - لسان العرب، المؤلف: محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري، الناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة الأولى، عدد الأجزاء: 15، (10 / 216 - 217).

² - عوده - التشريع الجنائي الإسلامي مقارناً بالقانون الوضعي، المؤلف: عبد القادر عوده، الناشر: دار الکاتب العربي، بیروت، عدد الأجزاء: 2، (1 / 609).

- ابوزهره - عبد الرحمن ابوزهره، الجريمة والعقوبة في الفقه الاسلامي "العقوبة" دار الفكر العربي، القاهرة، 1998م ، ص 216.

عقوبات در اسلام مبنی بر عدالت بوده و برای مردم رحمت میباشد، ابن تیمیه¹ رحمه الله در این مورد می گوید: "عقوبات شرعی رحمتی از جانب الله متعال برای بنده هایش بوده، بنابراین برای کسی که مردم را به خاطر گناهان شان جزا میدهد لازم است که قصد احسان و رحمت بر آنها را داشته باشد"².

مشروعیت مجازات در فقه اسلامی مستلزم پابندی به مجازاتی است که شارع برای این جرم وضع کرده است، بنابراین هیچ جرم و مجازاتی جز با نص صریح وجود ندارد. و قاضی نباید حکمی صادر کند مگر در مواردی که صریحاً در نصوص شرع وارد شده است و در تفسیر نصوص جنائی توسع نکند، این امر همچنین شامل رعایت شرایط شرعی در اجرای مجازات برای اطمینان از محافظت جسمی، روحی و روانی مرتکب نیز است.

¹ - معرفی ابن تیمیه رحمه الله: تقي الدين ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام النمیری الحرانی (661 ق - 728 ق / 1263 ق - 1328 ق) ، معروف به ابن تیمیه. او یک فقیه، محدث، مفسر و دانشمند مجتهد از زمره علمای اهل سنت و جماعت است. ویکی از برجسته ترین دانشمندان مسلمان در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری بود. ابن تیمیه حنبلی مذهب بزرگ شد، و فقه حنبلی و اصول آن را از پدر و پدر بزرگش فرا گرفت، و همین طور در زمره امامان مجتهد فی المذهب بود. (ابن تیمیه حیات و عصره - آراؤه و فقهه. محمد بن أحمد أبو زهرة القاهرة: دار الفكر العربي).

² - ابن تیمیه، الاختیارات الفقهية، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحرانی (المتوفى 728هـ)، المحقق: علي بن محمد بن عباس البعلی الدمشقي، الناشر: دار المعرفة، بیروت، لبنان، الطبعة: 1397هـ/1978م، ص 593.

این دلیل واضح بر عدم توسع در مجازات است تا وسیله ای برای شکنجه قرار نگیرد و برای اینکه مجازات به شکنجه عمدی تبدیل نشود¹.

از جمله ویژگیهای مجازاتها در شرع اسلامی، شخصی بودن آنهاست، به طوری که فقط از مرتکب جرم درمورد جرم سوال می شود و به غیر او تحمیل نمی شود مگر اینکه ثابت شود وی در ارتکاب آن مشارکت داشته است، طوری که الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾². ترجمه: که هیچکس بار گناهان دیگری را بر دوش نمی کشد.

پس از آنچه در بالا ذکر شد دانسته می شود که عقوبت عبارت از جزای است که با نص صریح از قرآن و سنت تعیین شده و برای اصلاح جانی و حفظ منافع عمومی میباشد، اما شکنجه طبق اصطلاح حقوقی عبارت از اعمال بعضی مجازات بر متهم ویا مجرم بوده بدون آنکه نص شرعی ویا قانونی بر آن تصریح کرده باشد بلکه شرعا وقانونا این گونه اعمال، جرم پنداشته شده و بر مرتکب آن مجازات را پیش بینی نموده است.

¹ - مالک بن انس، الموطأ، تحقیق: محمد فواد عبد الباقي، مؤسسة المعارف للطباعة والنشر، بیروت، لبنان، ط 1، 1425 هـ - 2004 م، ص 457. - ابن رشد - بداية المجتهد و نهاية المقتصد، المؤلف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد الحفيد (المتوفى: 595 هـ)، الناشر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر، الطبعة: الرابعة، 1395 هـ/1975 م، (2 / 399) - المغني لابن قدامة، المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620 هـ)، الناشر: مكتبة القاهرة، عدد الأجزاء: 10، تاريخ النشر: 1388 هـ - 1968 م، (9 / 462).

² - سورة نجم: آیه 38.

دوم: تفاوت و فرق شکنجه با تعزیر

اصطلاحات شکنجه و تعزیر اغلب اشتباه گرفته می شود، بنابراین باید بین آنها فرق قائل شد.

- 1- تعزیر در لغت : تعزیر در لغت به معنای تعظیم، تأدیب، نصرت و منع می باشد¹.
- 2- تعریف اصطلاحی: تعزیر یعنی جزایی که در شرع از حیث مقدار مشخص نیست و در مقابل حد است و در فقه بر جزای اطلاق می شود که برخلاف حد، شارع مقدس اندازه‌ای برای آن تعیین نکرده است².

ویا «تعزیرات» جمع «تعزیر»، در لغت به معنای ادب کردن و در اصطلاح شرع عبارت از عقوبتی است که در غالب موارد در اصل شرع برای آن اندازه‌ای معین نگردیده است³.

3- فرق شکنجه با تعزیر وحد:

- 1- با توجه به ماده یک کنوانسیون منع شکنجه تعریف شکنجه شامل مجازات قانونی عادلانه نمی شود.
- 2- شکنجه یعنی کسی را بدون علت آزار دادن و حد و تعزیر یعنی برای نجات جامعه از فساد، افراد خطاکار را مجازات کردن.

¹ - لسان العرب، ابن منظور، (10 / 134).

² - بهوتی - الروض المربع شرح زاد المستقنع المؤلف: منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس البهوتی الحنبلی (المتوفی: 1051هـ) ومعه: حاشية الشيخ العثيمين وتعليقات الشيخ السعدي خرج أحاديثه: عبد القدوس محمد نذیر الناشر: دار المؤید - مؤسسة الرسالة ص 492 .

³ - کاسانی- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، (7 / 63)، شافعی- الأم، المؤلف: الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبی القرشي المكي (المتوفى: 204هـ)، الناشر: دار المعرفة - بيروت، سنة النشر: 1410هـ/1990م، عدد الأجزاء: 8، (6 / 109)، ابن تيمية - السياسة الشرعية، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: 728هـ)، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1418هـ، ص 133. - ابن قدامة، المغنی (9 / 149).

3- شکنجه یعنی آزار و اذیت فرد خطاکار فراتر از مجازات تعیین شده، در حالی که در حد و تعزیر حتی به فرد خطاکار غیر از مجازات، حتی توهین کردن هم جایز نیست.

4- شکنجه یعنی بدون دستور قانونی، فردی را آزار و اذیت کردن و حد و تعزیر یعنی قبل از اینکه فرد خطاکار مرتکب خطا شود، مجازات خطای او طبق قانون مشخص شده است. شکنجه غیر قانونی ولی حد و تعزیر قانونی است.

5- شکنجه یعنی هرج و مرج و حد و تعزیر یعنی جلوگیری از هرج و مرج و هر عاقلی بین این دو تفاوت قایل است¹.

نتیجه اینکه شکنجه و مجازات کاملاً متفاوت و مجزای از یکدیگر هستند. طبیعت و ماهیت شکنجه با طبیعت و ماهیت حد و تعزیر متفاوت است. شکنجه وارد آوردن صدمه شدید یا درد جسمی یا روحی به منظور گرفتن اطلاعات یا اقرار است، در حالی که حد و تعزیر کیفر و مجازاتی است که پس از ثبوت جرم با اهداف تنبیه مجرم و بازدارندگی از تکرار وقوع جرم توسط مجرم و نیز سایر افراد جامعه و نیز تشفی خاطر متضرر از جرم، بر مجرم اجرا می شود².

¹ - برای معلومات بیشتر دیده شود: علی بن محمد أمان الجامی، سلطة ولی الأمر في التجريم التعزیری وضوابطها في الفقه الإسلامی، رسالة ماجستير، أكاديمية نايف العربية للعلوم الأمنية، 1420هـ - 2000م، ص 101 - 105. - أسامه علی الفقير الرابعة، ضوابط تقدير العقوبة التعزيرية في الشريعة الإسلامية، المجلة الأردنية في الدراسات الإسلامية، المجلد الثاني، العدد الثالث، 1427هـ - 2006م، ص 73 - 93.

² - منبع سابق ص 92-93.

سوم: فرق شکنجه با تأديب

قبل از آنکه فرق میان آن دو را بدانیم، لازم است تأديب را شناسائی نمائیم:

تعريف تأديب:

1- در لغت: معنای لغوي تأديب: تأديب، مصدر فعلِ ادب از سه حرف اصلي ادب است که در لغت به معنای اخلاق نیکو، علم و دانش، معاقبه و مجازات نمودن ظرافت و حسن استفاده تمرین نفس به یادگیری، استعمال امر پسندیده و مورد ستایش، سرزنش، وعده دادن، ضرب و زدن و مانند آن آمده است.¹

2- در اصطلاح: تأديب در اصطلاح فقها مجازات سبکی است که اسلام برای اعمال ناشایسته یکسانی که به حد تکلیف شرعی نرسیده اند، در نظر گرفته است. تأديب به معنای کیفر، نوعی از تعزیر است که از اختیارات حاکم شرع است. بنابراین تأديب اعم از تعزیر است.²

3. فرق شکنجه با تأديب:

تأديب با تحقق شرایط آن، امری مشروع و جایز بلکه اگر گمان برده شود که اجرای آن فساد به بار می آورد ترک آن، واجب است. حق تأديب برای ولیّ مانند حاکم شرع، پدر و مولا، و نیز برای شوهر و معلّم، ثابت است.³

طوری که الله متعال می فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾¹.

¹ - ابن منظور- لسان العرب، (70 / 1).

² - برای معلومات بیشتر دیده شود: حنان عبد الرحمن رزق الله أبو مخ، أحكام التأديب بالعقوبة في الشريعة الإسلامية، رسالة ماجستير في الفقه والتشريع، كلية الدراسات العليا في جامعة النجاح الوطنية نابلس- فلسطين، 1424هـ- 2003م، ص 25 - 28.

³ - دیده شود: لخداری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب دراسة مقارنة بين الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي، بحث مقدم لنيل درجة دكتوراه العلوم في الشريعة والقانون، جامعة الحاج لخضر، 1433هـ - 2014م، ص 76 - 77.

ترجمه: مردان بر زنان سرپرستند (و در جامعه كوچك خانواده ، حق رهبري دارند و صيانت و رعايت زنان بر عهده ايشان است) بدان خاطر كه خداوند (براي نظام اجتماع ، مردان را بر زنان در برخي از صفات برترپهائي بخشیده است و) بعضي را بر بعضي فضيلت داده است ، و نيز بدان خاطر كه (معمولاً مردان رنج مي‌كشند و پول به دست مي‌آورند و) از اموال خود (براي خانواده) خرج مي‌كنند.

قرطبي² رحمه الله گفته است: "اين آيه نشان مي دهد كه مردان حق تاديب زنان خود را دارند، اما اگر زنان حقوق مردان را حفظ كنند ، مردان نبايد از اين حق سوء استفاده كنند."³

نسبت بين شكنجه و تاديب: اين نسبت ميان آن دو عموم و خصوص من وجه است، هر دو در تعزير جمع شده، زيرا تعزير شامل شكنجه و تاديب هر دو است. شكنجه اي كه شرعاً حرام است از تاديب جدا مي شود ، زيرا اين شكنجه است و تاديب نيست و تاديب نمودن با كلمات و نصيحت بدون ضربه از شكنجه جدا مي شود، زيرا اين تاديب بوده و به آن شكنجه نمي گويند⁴.

چهارم: فرق شكنجه با مثله

براي شناخت فرق ميان آن دو، شناخت مثله ضرور و لازمي است:

¹ - نساء: 34.

² - قرطبي: امام قرطبي، مفسر بزرگ (وفات: 671 هـ)، وي ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبكر بن فرح انصاري خزرجي اندلسي قرطبي، يكي از امامان بزرگ تفسير است. او در آغاز قرن هفتم هجري (ميان سالهاي 600 تا 610 هجري) در قرطبه ديده به جهان گشود و مدتي در آن سرزمين زندگي كرد سپس به مصر مهاجرت كرد و در منيه بني خصيب واقع در شمال اسبوط مستقر شد و تا وفات در آنجا ماند. (شمس الدين داوودي، محمد بن علي، طبقات المفسرين، ج 2، ص 65-66. جلال الدين سيوطي، عبدالرحمن بن ابى بكر، طبقات المفسرين، ص 92. صفدي، خليل بن ابيك، الوافي بالوفيات، ج 2، ص 87).

³ - قرطبي - الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671 هـ)، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384 هـ - 1964 م، عدد الأجزاء: 20 جزء، (5 / 169).

⁴ - الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، عدد الأجزاء: 45 جزء، الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ)، (13 / 51).

الف - تعریف مثله:

- در لغت: مُثْلَه کردن به معنی بریدن گوش یا بینی محکوم برای عبرت گرفتن دیگران است¹. امروزه این واژه به معنای بریدن اعضاء بدن یک فرد به صورتی که تکه تکه شود نیز به کار می رود². در معجم الوسیط هم آمده است که مثله در لغت به معنی عقوبت، آفت، صدمه وارد کردن، شکنجه دادن، و بریدن گوش و بینی کسی آمده است³.
- ابن اثیر⁴ در کتاب النهایة گفت است: «مثلت بالحيوان أمثل به مثلاً»، اگر اندامش توسط آن بریده شود و مثله شود، و «مثلت بالقتیل»، اگر بینی، گوش، یا چیزی از اندامش بریده شود. و نام این عملیه: مثله است. اما مثل برای مبالغه است⁵.
- در اصطلاح: در اصطلاح فقها پاره کردن و جدا کردن اعضا و گوشت و پوست مقتول را گویند. که موارد ذیل داخل این تعریف می شود؛ جدا کردن سر بعضی از مقتول ها بعد از کشتن آن و فرستادن آن به دشمن و تشویه و بریدن بعضی از اعضای مرده و یا شکستادن استخوان های آن به قصد انتقام که تمام این موارد در شریعت اسلامی نهی شده است⁶.

¹ - فرهنگ معین. جلد سوم. مدخل «مثله».

² - دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. مدخل «مثله کردن».

³ - المعجم الوسیط، المؤلف: مجمع اللغة العربية بالقاهرة، (إبراهیم مصطفی / أحمد الزیات / حامد عبد القادر / محمد النجار)، الناشر: دار الدعوة، المكتبة الشاملة.

⁴ - معرفی ابن اثیر: نام اصلی او "ابوالحسن علی بن ابی الکریم محمد" که در جمادی الاول سال (۵۵۵ هجری) قمری متولد شد. لقب او "عزالدين" و مشهور به ابن اثیر جزری است. او مورخ ادیب و محدث اهل سنت والجماعت می باشد. (ذهبی - سیر اعلام النبلاء، المؤلف: شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 ومجلدان فهارس) ج 21، ص 479.

⁵ - ابن اثیر - النهایة في غريب الحديث والأثر، المؤلف: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم الشیبانی الجزری ابن الأثیر (المتوفى: 606هـ)، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، 1399 هـ - 1979 م، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحي، (4 / 295).

⁶ - برای معلومات بیشتر در مورد مثله از زبان فقها دیده شود: ابن قدامه، المغنی، (10 / ص 565)، الصنعاني أبوبکر عبد الرزاق بن همام، سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، (4 /

ب - فرق شکنجه با مثله کردن:

حرمت جسم انسان مقدس بوده برابر است که زنده باشد و یا مرده، ماوردی¹ در این مورد می فرماید: "حرمت ضرر رساندن به جسم انسان عام بوده و شامل نفس و اطراف آن می شود..."² و در تبیین الحقائق آمده است: " حرمت عضو مانند حرمت نفس است..."³، کاسانی⁴ گفته است: " قتل ناحق مسلمان هیچ گاه به اکراه و اجبار رخصت و مباح نمی شود، پس کشتن مسلمانی بدون حق در هیچ حالتی مباح نمی شود... همین طور هیچ گاه قطع عضوی از اعضایش هم جایز نیست چون در صورت انجام آن گناه کار می شود، زیرا که اگر عضوی از اعضای خود را صدمه زده و قطع کند گناه کار می شود پس این کار در قبال دیگران به طور اولی جرم پنداشته می شود..."⁵، که دیدگاه فوق را این سخن قرافی⁶ تأیید می کند: "الله

(200). ابن مفلح شمس الدین المقدسی ابي عبد الله، الفروع، عالم الکتب - بیروت، (6 / 218). ابن تیمیه، الفتاوی (28 / 314).

¹ - معرفی ماوردی: ابوالحسن ماوردی (۳۶۴ تا ۴۵۰ ه.ق / ۹۷۴ تا ۱۰۵۷ میلادی) فقیه اهل سنت در دوره آل بویه و اوایل سلجوقیان بود و در بغداد می زیست. وی ارتباط نزدیکی با خلافت عباسی داشت و آثار مهمی در تبیین فقه اهل سنت و بخصوص فقه سیاسی خلافت نگاشت که مهمترین آن کتاب الاحکام السلطانیه می باشد. (ذهبی - سیر اعلام النبلاء، (18 / 64 - 65).

² - ابو الحسن الماوردی، الحاوی الکبیر، دار الفکر، بیروت (12 / ص 807).

³ - زیلعی - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیه الشلبي، المؤلف: عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدین الزیلعی الحنفی (المتوفی: 743 هـ)، الحاشیه: شهاب الدین أحمد بن محمد بن أحمد بن یونس بن إسماعیل بن یونس الشلبي (المتوفی: 1021 هـ)، الناشر: المطبعة الكبرى الأمیریة - بولاق، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1313 هـ، (3 / 225).

⁴ - معرفی علامه کاسانی: امام علاء الدین ابوبکر بن مسعود کاسانی حنفی، متوفای سال (587 هـ)، نویسنده کتاب «بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع» این کتاب دارای هفت جزء است.

⁵ - کاسانی - بدائع الصنائع، (7 / 236).

⁶ - معرفی قرافی: (684 هـ = 1285 م) احمد بن ادريس بن عبد الرحمن، ابو عباس، شهاب صنهاجی قرافی: ومنسوب به قرافه (قریه واقع در جوار قبر امام شافعی رحمه الله در قاهره) وی مصری بوده و در همان تولد و وفات

متعال کشتن و زخمی کردن را به خاطر حفظ نفس شخص، اعضا و منافع آن حرام گردانیده است، اگر شخصی به اسقاط حق از اعضای خود راضی شود، این رضایت وی اعتبار نداشته و اسقاط نافذ نمی شود...¹، ابن قدامه² مقدسی درین مورد گفته است: " وقتی که قتل مسلمانی به ناحق احتمال اباحت را ندارد، پس قطع عضوی از اعضای وی به طریقه اولی حلال نیست اگر چه به اجازه مجنی علیه هم باشد"³.

این حرمت تا به بعد از مرگ هم ادامه پیدا می کند، که در وجوب احترام به جثه میت و عدم جواز ضرر رساندن به آن متبلور می شود، به همین سبب مثله کردن آن حرام گردانیده شده است، در این مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: { عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: " كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكْسْرِ حَيًّا"⁴.

ترجمه: "شکستادن استخوان مرده مانند شکستادن آن در حالت زندگی است".

مراد از حدیث تشبیه در اصل حرمت است، نه در مقدار آن، بدلیل اختلاف آن دو در ضمان و قصاص و واجب بودن نگهداری شخص زنده با این تفاوت که برای شخص مرده این قدر حفاظت واجب نیست⁵.

نموده است، دارای تصنیفات ارزشمندی در فقه و اصول میباشد. از جمله: (انوار البروق في أنواع الفروق، الذخیره در فقه مالکی، شرح تنقیح الفصول....). (زرکلی - الأعلام، (1 / 95).

¹ - قرافی - الفروق = أنوار البروق في أنواع الفروق، المؤلف: أبو العباس شهاب الدین أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالکی الشهير بالقرافی (المتوفى: 684هـ)، الناشر: عالم الكتب، (1 / 140).

² - معرفی ابن قدامه: (541 - 620هـ = 1146 - 1223م) عبد الله بن محمد بن قدامه مقدسی، دمشقی حنبلی، کنیه اش ابو محمد، از فقهای بزرگ حنبلی و دارای تصانیف در فقه حنبلی میباشد از آن جمله: المغنی، شرح مختصر الخرقی و.. (زرکلی - الاعلام (4 / 67).

³ - ابن قدامه - المغنی، (7 / 723).

⁴ - محمد بن یزید بن ماجه القزوینی، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، المكتبة العلمية، بیروت - لبنان، کتاب الجنائز، باب في النهي في كسر عظام الميت، شماره حدیث: 1616، (2 / 278). حدیث صحیح بوده و دارای اسناد حسن میباشد، این سعد بن سعید (اگر چه حفظ درست ندارد) لیکن برادر اش از وی متابعت کرده است. (ابن حبان 3167) بیهقی (4 / 58).

⁵ - ابن قدامه - المغنی، (13 / 253).

پیامبر صلی الله علیه وسلم از مثله کردن منع نموده است، طوری که می فرماید: {أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «اغزوا بِاسْمِ اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ، اغزُوا وَلَا تَغْدِرُوا، وَلَا تَغْلُوا، وَلَا تُمَثِّلُوا، وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا»¹.

ترجمه: «به نام خدا و در راه خدا بجنگید و با کسانی که به خدا ایمان ندارند جنگ کنید. یورش برده، خیانت و زیاده روی نکنید، مثله نکنید و کودک را نکشید».

وعن عبد الله بن زيد عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه: {نهى عن النهب² والمثلة³}.³

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم از چور و چپاول کردن اموال مردم به ناحق و از مثله کردن نهی نموده اند.

فقطها در مورد ممنوعیت مثله نمودن جسد اتفاق نظر دارند به خاطر حرمت آن به نزد الله متعال اگر چه آن جسد کافر هم باشد⁴.

ونسبت بین شکنجه و مثله عموم و خصوص مطلق میباشد، پس شکنجه نسبت به مثله عامتر است، وهر مثله شکنجه بوده ولی هر شکنجه مثله نمی باشد، ودر این زمینه بین زنده و مرده

¹ - مسلم - کتاب الجهاد والسير، باب تأمير الإمام الأمراء على البعوث، شماره حدیث: 1731، (3 / 1357). این حدیث صحیح بوده، و محمد آن را از آدم و وی از شعبه تخریج نموده است.

² - النهبی: همه آنچه به ناحق، به خاطر ظلم و بی عدالتی، مانند پول های دزدیده شده از غنایم و چیزهای دیگر، گرفته می شود.

³ - بخاری - کتاب: المظالم والغضب، باب النهی بغير إذن صاحبه، حدیث رقم: 1731، (3 / 1357). حدیث صحیح بوده، و اسناد آن از جهت موجودیت محبوب بن موسی ابو صالح انطاکی قوی میباشد. (ابوداود - سنن أبي داود، المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمد كامل قره بللي، لناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م، (4 / 256).

⁴ - سرخسی - شرح السير الكبير، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان 1417 هـ - 1997 م، (1 / 110). يوسف بن محمد بن عبد البر النمری، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، دار المعرفة بيروت، ص 234. ابن رشد، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، (1 / 372). شافعی - الأم (4 / 162). ابن قدامه، المغنی (10 / 545).

فرقی نمی باشد، زیرا روایات دلالت به این دارد به آن چه که زنده اذیت می شود مرده هم می شود¹.

پس جرم شکنجه به هر آن جرمی گفته می شود که بر جسم و عقل انسان زنده اتفاق می افتد و مربوط به مردگان نیست، اما مثله کردن اکثراً مربوط مرده ها بوده و مرده ها مورد مثله کردن قرار می گیرند، و ماهیت جنایی مثله با جرم شکنجه تفاوت دارد، بنابراین در زمره جرایم تعرض به مردگان شامل می شود، و باماهیت جنایی جرم شکنجه سازگار نیست².

مبحث دوم: ارکان شکنجه

برای اثبات مسئولیت جزائی، باید جرم ارتكابی انجام شود، و جرم بودن آن باید در مصادر شرعی و قانونی بیان شده باشد و جانی در مورد ارتكاب آن جرم پرسیده نمی شود مگر اینکه آن جرم به طور مادی ثابت شود، و بین عمل و نتیجه آن رابطه علیتی موجود باشد، با این شرط که از توانایی انجام جرم برخوردار باشد³.

به همین دلیل این مسئولیت بدون در دسترس بودن همه ارکان جرم ممکن نیست، که این ارکان عبارت اند از رکن شرعی (قانونی)، رکن مادی و رکن معنوی، و بنابراین مرتکب نمی تواند مسئول جرم شکنجه باشد، مگر اینکه تمام ارکان آن در این جرم موجود باشد، که ما را مجبور به مطالعه این ارکان می کند، که در این مبحث عناصر و ارکان جرم شکنجه را طی سه مطلب مورد بررسی قرار می دهیم⁴:

¹ - الموسوعة الفقهية الكويتية، (13 / 253).

² - لخداری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب ص 74.

³ - لخداری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب ص 96.

⁴ - رکن: ج اَرْكَان و اَرْكُن: کار بزرگ و مهم، تقویت کننده ی امری، بزرگی و نیرومندی- مِنَ الشَّيْءِ: جُزْءٌ، کرانه ای قویتر از هر چیزی؛ «رُكُنُ الرَّجُلِ»: خانواده ی مرد؛ «فَلَانٌ رُكْنٌ مِنْ اَرْكَانِ قَوْمِهِ»: فلانی از بزرگان قوم خویش

مطلب اول: رکن مادی

در عنصر مادی تحقق شکنجه، فعل یا عمل مادی که سازنده این جرم است باید دارای خصوصیات ویژه‌ای باشد. نکته اول این که فعل یا عمل شکنجه، اغلب عمل فیزیکی است، چنان که در ماده یک کنوانسیون ملل متحد بر ضد شکنجه مورخ 9 دسامبر 1975 بیان شده، شکنجه عبارت است از ایراد عمدی هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی، مانند ایراد ضرب و جرح، آزار و اذیت روحی و.... اما علاوه بر این ترک فعل یا فعل مادی منفی نیز می‌تواند مصداق تحقق این رکن از شکنجه محسوب گردد. برای تحقق این جرم تفاوتی میان فعل مادی مثبت یا منفی نیست در صورتی که ترک کننده فعل قانوناً مکلف به انجام دادن فعل باشد و به قصد شکنجه دیگری، از ادای این تکلیف خودداری کند، این ترک فعل عنصر مادی جرم شکنجه محسوب می‌شود، مانند تشنه و یا گرسنه نگهداشتن، امتناع از دادن دارو و ارائه درمان و امثال آنها¹.

وبالآخره اینکه شکنجه چون سایر جرایم محتاج به کشف (رابطه علیت) است. به طوریکه بین فعل مادی شکنجه گر و نتیجه حاصله رابطه علت و معلول برقرار باشد. دردورنج و آسیب شکنجه دیده باید

است؛ «الأركان» : جسمهای ساده که از آن مواد تشکیل می‌شود. این جسمها در نزد پیشینیان چهار نوع است: آتش، هوا، آب، خاک؛ «اركان الحرب» (اع): فرماندهان ارتش که نقشه های جنگی را بررسی و فراهم می‌کنند، جاییکه ابن فرماندهان در آن جمع می‌شوند. (معجم المعانی [https://www.almaany.com/fa/dict/ar- \(/fa/%D8%B1%D9%83%D9%86](https://www.almaany.com/fa/dict/ar- (/fa/%D8%B1%D9%83%D9%86)).

در اصطلاح فقهی: امری که نقصان و یا زیاد شدن آن مبطل عمل است اگر چه بدون قصد صورت گیرد. مثلاً تکبیرة الاحرام و رکوع از جمله اعمالی هستند که رکن نماز محسوب می‌گردند. (سرخسی - ابوبکر محمد بن احمد بن ابو سهل، اصول سرخسی، دار المعرفة - بیروت، (2 / 174). (علاء الدین عبد العزیز بن احمد، کشف الاسرار عن أصول البزدوی، دار الکتب العربی - بیروت، 1974م، (3 / 344).

¹ - برای شناخت بیشتر این عنصر دیده شود: عبد القادر عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، (1 / 342). الجريمة والعقوبة في الفقه الإسلامی، "الجريمة"، ص 384.

حاصل عمل شکنجه گرباشد. ازین جهت آزارورنج حاصل از مجازات یا آزار روحی و روانی ناشی از دستگیری و بازداشت متهم شکنجه تلقی نخواهد شد.

شکنجه علاوه بر فعل مادی سازنده در مورد فاعل آن نیز خصوصیات ویژه ای را می طلبد. در واقع می توان شکنجه را آزار و اذیت مجرمانه ای دانست که به لحاظ شخصیت فاعل جرم واجد مجازات شدیدتری است. این شخصیت مرتکب همان عنصر و کیفیت شخصی تشدید مجازات است. بنابر تعریف کنوانسیون ۱۹۸۴ شکنجه باید به مباشرت مامور رسمی دولت صورت گیرد یا با نظارت و مباشرت معنوی او. بر علاوه لازم است مامور دولت این شکنجه را به مناسبت وظیفه و شغل خود مرتکب شود. و در این خصوص فرقی بین مامور رسمی یا قراردادی و پیمانی نیست. مهم احراز رابطه مرتکب با دولت در زمان ارتکاب شکنجه است. با این توضیح آزار و اذیت جسمی و روحی اگر از افراد عادی و غیر مرتبط با دولت صادر شود و یا از مامورین دولتی در غیر مناسبت شغل و وظیفه آنها بلکه به مناسبت روابط خصوصی آنها صورت یابد وصف شکنجه را نخواهد داشت بلکه مشمول دیگر عناوین جرمی همچون ایراد ضرب و جرح عمدی خواهد بود.¹

مطلب دوم: رکن معنوی

علاوه بر رکن ذکر شده، جهت تحقق جرم شکنجه مطابق با تعریف، عنصر دیگری نیز با عنوان رکن معنوی یا روانی باید وجود داشته باشد. عنصر معنوی یا رکن روانی تحقق جرم شکنجه عبارت است از قصد شکنجه گر به ارتکاب عامدانه عمل شکنجه نسبت به فردی که مورد شکنجه قرار می گیرد. به این رکن در تعریف کنوانسیون منع شکنجه (1984) تصریح شده است؛ شکنجه یعنی «هر فعل عمدی که توسط آن درد یا صدمه شدید، اعم از جسمی یا روحی به منظور رسیدن به

¹ - علی رضا دیهیم، درآمدی بر حقوق کیفری بین المللی، چاپ اول، (تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1383)، ص 326.

اهدافی از قبیل؛ کسب اطلاعات و... اعمال شود»؛ بنابراین فعل شکنجه گر ممکن است به قصد : کسب اطلاع، اخذ اقرار، تنبیه کردن، ایجاد رعب، اجبار، و یا به هر دلیل دیگری که مبتنی بر شکلی از اشکال تبعیض باشد¹.

رکن معنوی جرم عنصر اساسی مسؤولیت جنایی است، و اکثر علمای تشریح جنایی اسلامی موضعی آن را اساس مسؤولیت جنایی دانسته اند، وهدف از مطالعه و بررسی رکن معنوی جرم این است که حقیقت ارتکاب جرم توسط جانی معلوم شود که عمدا و از روی قصد انجام داده و یا به طور خطا و از روی اهمال مرتکب جرم گردیده است. مفهوم قصد جنایی جرم شکنجه این است که جرم شکنجه از جمله جرایم عمدی بوده که برای انجام آن وجود قصد جنایی لازم میباشد و این قصد اساس مسؤولیت جنایی میباشد².

قصد عبارت از عزم برای ارتکاب جرم است به همراه پیوست بودن اراده با فعل، پس برای مرتب شدن مسؤولیت جنایی به طور کامل تنها قصد و عزم بدون انجام فعل کفایت نمی کند، و قصد ارتکاب به نزد فقها با اصطلاح " نافرمانی " معروف است، و نافرمانی عبارت از انجام فعل محرم و یا ترک آن از روی عمد می باشد، به همراه دانستن این که شارع آن فعل را حرام و یا واجب گردانیده است³.

اساس مسؤولیت جزائی عدم اطاعت است، یعنی عدم اطاعت از امر شارع است و مسؤولیت مرتکب با توجه به میزان نافرمانی تفاوت می کند. اگر مرتکب قصد نافرمانی داشته باشد ، مجازات وی افزایش می یابد و اگر قصد نافرمانی نداشته باشد در مجازات اش تخفیف می یابد⁴.

¹ - ابراهیمی، محمد، مجازات‌های بدنی اسلامی از منظر نظام بین المللی حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد (حقوق بشر)، دانشگاه مفید، زمستان 1385، ص 15 و 14.

² - لخداری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب ص 154.

³ - عبد القادر عوده، التشريع الجنائي الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعي (1 / 409).

⁴ - قرافی - الفروق (1 / 161). عبد القادر عوده، التشريع الجنائي الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعي (1 / 409).

مانند همه جنایات ، هدف مجرمانه جرم شکنجه از دو عنصر مهم تشکیل شده است ، یعنی علم و اراده ، اول دانستن عمل شکنجه و این که عملی است که مخالف شریعت اسلامی بوده و مجازات دارد. دوم اراده و قصد مرتکب است که عمداً اقدام به شکنجه، چه مثبت و چه منفی ، علیه مجنی علیه کرده و بدین ترتیب مسئولیت جزائی مرتکب کاملاً محقق می شود¹.

مطلب سوم: رکن شرعی و قانونی

برای پذیرفتن شکنجه گر مسئولیت جزائی ارتکاب عمل شکنجه را، باید یک نص و متن شرعی یا قانونی وجود داشته باشد که آن عمل را جرم تلقی کند، بنابراین هیچ جرم و مجازاتی بدون نص صریح که این مورد را توضیح دهد وجود ندارد و این همان چیزی است که عنصر شرعی یا قانونی نامیده می شود².

رکن شرعی یکی از ارکان جرم است و از جمله ارکان اصلی است که فقط با آن جرم انجام می شود و منظور این است که نص شرعی وجود داشته باشد که این عمل را منع کرده و آن را جرم دانسته و مجازات معین برای آن مقرر نموده است³، پس هیچ جرمی بدون نص وجود ندارد و اصل آن قول الله متعال است که می فرماید: ﴿... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾⁴. ترجمه: و ما (

¹ - لخداری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب ص 155.

² - منبع سابق ص 156.

³ - خضر - د. عبد الفتاح، النظام الجنائي،

⁴ - ص 15. <https://books.google.com.af/books?id=xGseuOhtQIMC&printsec=frontcover>.

عبد القادر عودة، التشريع الجنائي الاسلامی.. (1 / 112).

⁴ - اسراء: آیه 15.

هیچ شخص و قومی را (مجازات نخواهیم کرد ، مگر این که پیغمبری (برای آنان مبعوث و) روان سازیم.

پس مجازات و عذابی بدون بیان قانون اسلامی درباره آنچه حلال است و آنچه ممنوع است ، وجود ندارد. ونص شرعی مربوط به جرم باید مربوط به زمان و مکان وقوع جرم باشد¹.

منظور ما از عنصر قانونی جرم شکنجه وجود متن قانونی مجازاتی است که عمل شکنجه را جرم شناخته و مجازات ارتکاب آن را مشخص می کند ، بنابراین هیچ جرمی یا مجازاتی جز با یک متن قانونی وجود ندارد ، طوری که قانون اساسی افغانستان در ماده بیست ونهم خود تصریح می کند: "تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است"².

و همین طور قانون منع شکنجه افغانستان در ماده سوم خود در مورد شکنجه این طور تصریح می کند: "شکنجه: عملی است که توسط مؤظف خدمات عامه یا هر مقام رسمی دیگر یا به امر، موافقه یا به

¹ - بنابراین ، رکن شرعی ارائه شده در نصوص جرم انگاری فعل با رعایت دو اصل مهم پیوند خورده است:

الف - اصل " لا جریمة ولا عقوبة إلا بنص " "هیچ جرمی و هیچ مجازاتی جز با نص وجود ندارد" ، به این معنی که این عمل توجیهی به مجازات آن وجود ندارد مگر از طریق ورود نص شرعی ای که حکم مربوط به آن عمل را روشن می کند.

ب - قابل اجرا بودن مقررات نصوص شرعی جزائی در مورد افراد جرم ، و اعتبار نصوص قانونی در زمان وقوع جرم، و اعتبار متون قانونی در مکان وقوع جرم. (لخنداری عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جریمة التعذیب ص (97).

² - وزارت عدلیه - قانون اساسی، جمهوری اسلامی افغانستان، ماده 29.

اثر سکوت وی ارتکاب یابد و باعث درد یا تعذیب جسمی یا روانی شدید مظنون، متهم، محکوم یا شخص دیگری گردد¹.

از جمله مقتضیات این رکن، برگشت ناپذیری تأثیر بر اشخاص است که به موجب آن شخص مسئولیت جنائی رفتار قبل از لازم الاجرا شدن قانون را ندارد، اگر قبل از حکم نهایی، تغییری در قانون ایجاد شده باشد؛ قانونی که برای شخص تحت تحقیق، تعقیب یا محکومیت مناسبتر است همان تطبیق می شود².

طوریکه درین مورد فقره دوم ماده (10) قانون مدنی افغانستان چنین مشعر است: احکام قانون به ماقبل رجعت نمیکند، مگر در حالتیکه در خود قانون تصریح شده و یا احکام آن متعلق به نظام عامه باشد³.

¹ - وزارت عدلیه، جمهوری اسلامی افغانستان، قانون منع شکنجه، شماره: (246) مورخ: 1395/12/14 ه.ش، ماده: سوم.

² - ماده 24 اساسنامه محکمه جزای بین المللی دائمی.

³ - قانون مدنی افغانستان ماده 10.

فصل دوم

انواع شکنجه وسیر تاریخی آن

که دارای دو مبحث ذیل میباشد:

مبحث اول : سیرتاریخی شکنجه

مبحث دوم : انواع شکنجه

مبحث اول : سیرتاریخی شکنجه

شکنجه همچون دیگر پدیده های اجتماعی از خاستگاه تاریخی و پیشینه قدیمی برخوردار است. در عهد باستان که آدمی فاقد حقوق و احترام واقعی بود و چتر حمایت هیچ قانونی بر سر او سایه نیانداخته بود، شکنجه به شیوه های مختلف معمول بود و همواره روح معلمان دینی و صاحبان آموزه های اخلاقی را جریحه دار می نمود. بسا که بعنوان مجازات به بهانه اعمال حاکمیت بر مردم بخصوص ضعفا تحمیل می شد. در این دوران مجازاتها از غایت آرمانی بدور بود و انتقام و ارضای خاطر مجنی علیه فلسفه وضع آن بشمار می رفت. از اینرو زجر و آزار مظنون و یامتهم خصوصیت بارز جزا بود. اما بتدریج با تغییر حکومت ها و تحول فرهنگ ها و اشاعه آموزه های دینی این وضع بغرنج تعدیل شد.¹

مطالعه اسناد و مدارک تاریخی گویای رفتار بیرحمانه حکام نسبت به شهروندان در اعصار باستان است. رفتار ظالمانه و اعمال شکنجه های گوناگون خصیصه لاینفک نظام قضائی در عهد باستان بوده است. دقت بیشتر در این منابع ما را به این حقیقت رهنمون میکند که در تمام ملل، مردم سرنوشت مشابهی در مقابل سیاست حکام داشتند.² که اینک به سیر تحول این پدیده طی مطالب ذیل می پردازیم.

¹ - هانی سلیمان الطعیمات، حقوق الانسان وحریاته الأساسية، دار الشروق، عمان، 2000م، ص 46.

² - منبع سابق.

در دوران قدیم حکام غالب اقوام و ملل شکنجه و استبداد وحشیانه بر مردم را لازمه ثبات وقوام حکومت خود میدانستند و با این پندار رفتار بیرحمانه با مردم زیر دست را به شیوه های مختلف معمول می داشتند.

شواهد وقرائن نشان میدهد در روم شکنجه نسبت به طبقات پست و پائین جامعه (Caste) و توسط طبقات برتر اعمال میگردد. دلیل این مدعا قوانینی است که امپراتوران روم تصویب نمودند که بموجب آن اشراف تا چهار نسل از شکنجه معاف بودند¹.

در یونان قدیم حتی شکنجه یک عمل قانونی بود. در یونان قدیم مطمئن ترین راه برای تحصیل اقرار شکنجه بوده است و بردگان آتن به کرات مورد شکنجه قرار میگرفتند².

در حقوق روم نیز شکنجه وسیله ای برای کشف حقیقت بوده است.

سخت ترین شکنجه آن بود که گناهکار را زنده مومیایی میکردند یا بدن وی را با قشری از نترن سوزاننده میپوشانیدند که تن وی را خرده خرده بخورد و او را از پا در آورند³.

¹ - ممدوح درویش، ابراهیم السایح، مقدمة في تاريخ الحضارة الرومانية واليونانية، المكتب الجامعي الحديث، الاسكندرية، 1998 - 1999، ص 18، 19، 49.

² - الشيخ حسين، دراسات في تاريخ الحضارات القديمة اليونان والرومان، دار المعرفة الجامعية الإسكندرية، چاپ اول، 1992م، ص 52، 53.

³ - عبد المنعم وآخرون، تاريخ الحضارة المصرية، مكتبة النهضة العربية، مصر، ص 421.

تاریخ شکنجه در مصر به زمان فرعونى که در زمین سرکشی نموده و حقوق انسان را به طور کامل از بین برد، بر میگردد؛ الله متعال درین مورد می فرماید: ﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾¹.

ترجمه: و (به یاد آورید) آن گاه را که شما را از دست فرعون و فرعونیان رها ساختیم ، آنان که بدترین شکنجه‌ها را به شما می رسانیدند . پسرانتان را سر می بریدند (از ترس این که نکند کسی از میان آنان برخیزد و سلطنت و قدرت را از دست فرعون خارج سازد) و زنانتان را زنده می گذاشتند (تا به خدمت آنان کمر بندند)، و در این (شکنجه و تهدید به نابودی) آزمایش بزرگی از جانب خدا، برایتان بود .

طبری² می گوید: " فرعون نوجوانان را ذبح می کرد، و امر به شکنجه زنان حامله می نمود تا آنچه در شکم شان می بود سقط کنند"³.

درچین باستان برای واداشتن متهم به اعتراف گاهی شکنجه هایی صورت میگرفت. اگر محکوم صاحب مقامی بود میگذاشتند تا که خود را بکشد.

درجاپان نیزتا سال ۱۷۲۱ برای اثبات گناه یا بیگناهی متهم را مورد آزمایش های سخت وشکنجه قرار میدادند^۱.

^۱ - سوره بقره: آیه 49.

^۲ - معرفي ابن جرير طبري: (224 - 310 هـ = 839 - 923 م)، محمد بن جرير بن يزيد طبري ابو جعفر، مورخ، مفسر وامام، در آمل طبرستان تولد شده و در بغداد اقامت گزید ودر همانجا وفات نمود، ودارای تصانیف بدیع می باشد، از آن جمله: اخبار الرسل والملوک - که به تاریخ طبري شناخته می شود - جامع البیان فی تفسیر القرآن، - که به تفسیر طبري شناخته می شود -). (زرکلی - الاعلام (6 / 69) و (ذهبی - سیر اعلام النبلاء (14 / 267).

^۳ - طبری - محمد بن جرير طبري، تفسیر طبري، دار المعارف، مصر (2 / 46)، برای معلومات بیشتر دیده شود: ابن کثیر - ابو الفدا اسماعیل بن کثیر، قصص الأنبياء، تحقیق: مصطفی عبد الواحد، دار الرائد العربي، 1407 هـ - 1987 م، (2 / 79).

مطلب دوم: دوران قرون وسطی

در تاریخ حقوق از دوران قرون وسطی بعنوان تاریک ترین ایام وتلخ ترین ازمنه یاد میشود. قبیح ترین اعمال با آرایش مجازاتهای قانونی علاوه برسخت ترین شیوه های شکنجه در مراحل رسیدگی برمتهمان تحمیل میشد و حقوق وآزادیهای مردم ملعبه فساد و فزون خواهی حکام کلیسا قرار گرفت. در همین دوره مجازاتهایی که در محاکم فرانسه اعمال میشد عبارت بود از: داغ کردن، شکنجه دادن باچرخ عذاب، چوب زیر بغل گذاشتن، بریدن سر، محکومیت به اعمال شاقه مثل پارو زدن درکشتی های جنگی، تبعید، بریدن دست از میچ، سوراخ کردن زبان با آهن گداخته، زنده به گور کردن برای جرم جیب بری².

با انتقال تدریجی رسیدگی ازمحکمه های مذهبی به قضات عرفی، بویژه در آواخرقرون وسطی شیوه تفتیشی متداول درکلیسا و به دنبال آن شکنجه متهمان، قانونی اعلام شد. شکنجه برای رسیدن به دو هدف: کسب اقرار از متهم و تکمیل دوسیه مقدماتی بود، آن هم با توسل به وسایل خاصی که متأسفانه نه فقط بسیاری از حقوقدانان وقضات قرون شانزدهم وهفدهم اروپا طرفدار آن بودند، بلکه برای اخذ نتیجه مطلوبتر از آن، دستوراتی نیز به مامور اجرا صادر میکردند. مورد دوم که در باره محکومان به مرگ اعمال می شد وبه "شکنجه قبلی" موسوم بود، باهدف اجبار "محکوم علیه" به معرفی معاونان وشركای احتمالی جرم به دستگاه قضایی، آن هم قبل از اجرای حکم اعدام به عمل می آمد³.

¹ - فکیو، جوروجو دال، مسألة أساس عدالة العقاب والحل المكمل لها، ترجمة: ثروت انیس الأسیوطی، القاهرة: جامعة القاهرة، كلية الحقوق، مجلة القانون والاقتصاد، العدد الثالث، سبتمبر 1960، ص 513 و مابعدها.

² jean claude soyer; Droit pénal et procédure pénale . 12 édition. L.G.D.J.paris 1995. P.289.

³ - ایتر، براین (2000)، تاریخ التعذیب، ترجمة مركز التعریب والبرمجة بالدار العربية للعلوم - بیروت، ص 87.

درفضای آگنده ازوحشت وهراس که برتمام سرزمین اروپا حاکم بود، فریاد اعتراض رفته رفته بلند شد و وجدانهای بیدار و افکارآزادیخواهی به حرکت درآمد. اندیشمندان بزرگ از بستر سرزمین های استبداد زده ظهور کردند وخط مشی زندگی اجتماعی را بسوی صلح و عدالت گرایش دادند. قرن هجدهم در اروپا وتحت تاثیرآن درسایر تحولات چشمگیری بوقوع پیوست که به حق به عصر رنسانس و تحول فکری واجتماعی توصیف شد.

دردورانیکه خفقان ونوع رفتارومجازات غیرانسانی وموهن به حد اعلاى خود رسید وامنیت، آزادی وحرمت بشری به حد اسفل سقوط یافت دیگر افکار عمومی وپیشاپیش آن وجدان بیدار اندیشمندان نوظهور این وضع را برنتابیدند وسیل خروشان اعتراض وجنبشهای مردمی به سوی سیاستمداران وسیاست جنایی حاکم طغیان یافت مخالفت اندیشمندان نه فقط بنخاطرشکنجه وروش محاکمه مبنی برارودالی وخرافات مربوط می شد بلکه متوجه مجازاتهای خشن وغیرانسانی رایج بود^۱..

مونتیسکیو^۲ در کتاب (روح القوانین) می گوید: میخواستم بگویم در حکومتهای استبدادی که همه چیز برترس است شاید شکنجه متهمین مناسب باشد! و نیز فکرکردم بگویم غلامان در روم ویونان قدیم از ترس شکنجه مرتکب اعمال بد نمی شدند ولی صدای طبیعت را میشنوم که برعلیه افکار من فریاد می زند ومرا از ابراز چنین تصوراتی باز می دارد. و در جای دیگر نتیجه میگیردکه: (...در

^۱ - سعید محمد احمد باناجه، دراسة مقارنة حول الاعلان العالمي لحقوق الانسان، بیروت 1985. ص 43.

^۲ - مونتیسکیو: شارل-لوئی دو سکوندا، بارون دو لا برد و دو مونتسکیو (به فرانسوی: Charles-Louis de Secondat, Baron de La Brède et de Montesquieu) که بیشتر با نام مونتسکیو شناخته می‌شود، یکی از اندیش مندان سیاسی فرانسه در عصر روشنگری بود که به سال ۱۶۸۹ در بوردو زاده شد. (ویکیپدیا <https://fa.wikipedia.org/wiki>).

امپراتوری چین هر قدر بر تعداد شکنجه ها افزوده ميشد بهمان اندازه کشور به انقلاب نزديکتر ميگرديد و هر قدر اخلاق مردم فاسدتر ميشد بر تعداد شکنجه مي افزودند)^۱.

درچنين فضائي انقلاب کبيرفرانسه رخ داد و اعلاميه جهاني حقوق بشروشهروند درسال ۱۷۸۹ به تصويب رسيد. در اصل هفتم اعلاميه مقررگرديد کساني که کمک کنند تا احکام استبدادي بموقع اجرا گذاشته شود مجازات خواهند شد و بموجب ماده نهم آن بايد توسل به زور را مازاد برمقدار ضروري بمنظور بازداشت شخص در موارد توقيف، به شدت ممنوع نمود^۲.

مطلب چهارم: شکنجه در دوران معاصر

هنوز تعاليم اصلاح طلبان جزايي وصدای محبت طلبانه انديشمندان معاصر درخاطر مردم جاودان بود که احزاب تماميت خواه وقدرتهای ديکتاتور درفش سلطنت را برافراشتند وعرصه مناسبات بين المللي را درکشاکش زور وتجاوز خود فرو بردند. حکومتهاي زورمدار درنقاط مختلف اروپا برامور مردم حاکم شدند و درجهت تثبيت حکومت خود مباني انساني و ارزشي را که حاصل قرنها بردباري مردم وتلاش مصلحان بود زيرپا نهادند.

فزون خواهي دولتها وقت اروپايي و رقابت آنها درعرصه تحصيل منافع به دوجنگ جهاني انجاميد. جنگهاي جهاني اول ودوم در نيمه اول قرن بيستم و فضاي پيرامون آن درتحولات حقوق کيفري تاثير زيادي گذاشت.

در مورد تدابييري که در اين دوران وتا قبل ازتصويب منشورملل متحد و اعلاميه جهاني حقوق بشراتخاذ شد ومعطوف به رعايت حقوق بشرگرديد ميتوان به معاهدات راجع به حمايت ازاقليت هاي

^۱ - ضياءالدين پيماني، دلايل قضايي درحقوق انقلاب فرانسه، (انتشارات: گنج دانش، ۱۳۵۶)، ص ۷۳.

^۲ - صانعي، پرويز. حقوق جزاي عمومي. جلد اول، انتشارات: گنج دانش، 1371 ص 56.

نژادی، مذهبی درکشورهای از جمله فنلند و لهستان اشاره کرد. همچنین منع تجارت زنان و کودکان و منع برده داری بموجب کنوانسیون بین المللی راجع به توقیف خرید و فروش زنان و کودکان و منع برده داری بموجب کنوانسیون ۱۹۲۶ راجع به لغو برده داری از نادر اتفاقاتی است که در عرصه حمایت بشری بوقوع پیوست^۱.

مطلب پنجم: شکنجه در تاریخ تمدن اسلامی

اسلام به حقوق انسان اعتراف نموده اما آن را به خاطر منع شخص از سوء استعمال و ظلم کردن در استفاده از حق خود مقید به بعضی از قیود نموده است، به هدف تحقق مصالح علیای مجتمع و سد راه ظلم و تعدی و بازداشتن از الحاق ضرر به دیگران، چرا که تحقق مصالح فردی و اجتماعی جامعه انسانی از مهمترین و بارزترین مقاصد شریعت اسلامی میباشد، بنابراین اقرار شریعت اسلامی بر فکرة حمایت از شکنجه طبعی می نماید، زیرا در اسلام حق هر فرد است که با سلامت کامل جسمی، نفسی و عقلی از زندگی بهره ببرد، که شریعت اسلامی به خاطر تحقق این حمایت مؤیده ها و ضمانات کافی را متکفل شده است. و اعتراف اسلام بر حق انسان و منع شکنجه شدن وی تکریم الهی است برای بنی آدم، که این گرمی داشت و تکریم به طور مطلق است تا همه جوانب را شامل شود، و از آن جمله حقوق و آزادی های اساسی؛ مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است^۲، که ما آن را از این فرموده الله متعال استنتاج می نمائیم: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾^۳.

^۱ - برای معلومات بیشتر دیده شود: هبة عبد العزيز المدور، الحماية من التعذيب في إطار الاتفاقيات الدولية والإقليمية، منشورات الحلبي الحقوقية بيروت - لبنان، ط 1، 2009م، ص 12، 13.

^۲ - محمد شريف أحمد، البصيرة الإسلامية، منشورات دار البشير، عمان، الأردن، ط 1، 2000، ص 116.

^۳ - سورة اسراء: آية 70.

ترجمه: ما آدمیزادگان را (با اعطاء عقل ، اراده ، اختیار ، نیروی پندار و گفتار و نوشتار ، قامت راست، و غیره) گرامی داشته ایم ، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبهای گوناگون) حمل کرده ایم، و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده ایم.

حق انسان در عدم مواجه شدن بر شکنجه با انواع و اشکال مختلف آن از مهمترین مقاصد شریعت اسلامی است، که این موضوع در این آیه قرآن کریم تبیین شده است، طوری که الله متعال می فرماید: ﴿وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...﴾¹.

ترجمه: و در آن (کتاب آسمانی ، تورات نام) بر آنان مقرر داشتیم که انسان در برابر انسان (کشته می شود) و چشم در برابر چشم (کور می شود) و بینی در برابر بینی (قطع می شود) و گوش در برابر گوش (بریده می شود) و دندان در برابر دندان (کشیده می شود) و جراحتهای قصاص دارد (و جانی بدان اندازه و به همان منوال زخمی می گردد که جراحت وارد کرده است اگر مثل آن جراحات ممکن گردد و خوف جان در میان نباشد)².

در شریعت اسلامی شکنجه نمودن مجرم جایز نیست چه برسد به متهم، همان طوری که وادار نمودن شخص بر اعتراف به جرمی که مرتکب نشده است نیز جایز نمی باشد، و هر اعتراف و اقراری

¹ - سوره مائده: آیه 45.

² - خرم دل، دکتر مصطفی خرم دل، تفسیر نور، سایت نوار اسلام - IslamTape.Com، ربیع الثاني 1430 هـ - مارچ 2009 م.

که با وسیله اکراه و زور بدست بیاید آن باطل است، جرم هر چه باشد و جزای مقرر در شریعت هر طوری که باشد، در هر حال کرامت انسانی مجرم محفوظ و مصون است.¹

در ادوار مختلف اسلامی از شکنجه برای اهداف مختلفی استفاده شده است، که مهمترین آن برای اهداف سیاسی، شکنجه برای اخذ اعتراف، شکنجه نمودن برای اخذ مالیات و گرفتن باج و خراج، که در اوایل برای اهداف سیاسی و ضد کسانی که مخالف نظام بودند از شکنجه کار گرفته می شد، طوری که در زمان اموی ها هشام بن عبد الملک هر که از طاعت وی خارج می شد وی را شکنجه می نمود، طوری که خالد قسری - والی حجاز - زیر اعمال شکنجه کشته شد، بر هردو پای خالد چوبی را گذاشته و بر وی تعدادی از جلاد ها بالا شده تا اینکه هر دو پاهایش شکست، باز به هردو ساقش گذاشتن تا اینکه همان طور هر دو ساقش شکست باز بر سینه اش گذاشت استخوان های سینه اش شکست تا اینکه زیر اعمال شکنجه شدید وفات کرد.²

و همینطور شکنجه برای اخذ اعتراف هم بکار گرفته می شد، که امام ابو یوسف³ - رحمه الله - به موارد زیاد آن در کتاب خود "الخراج" اشاره نموده است، که شکنجه در اوایل خلافت عباسی

¹ - محمد الغزالی، حقوق الإنسان بین تعالیم الإسلام وإعلان الأمم المتحدة، دار الدعوة، الإسكندرية، ط 6، 2008م، ص 237.

² - هادی العلوی، من تاریخ التعذیب فی الإسلام، دار الثقافة للنشر والتوزيع، دمشق، ط 3، 2001م، ص 5، 10، 12، و 13.

³ - امام ابویوسف رحمه الله: ابو یوسف (113 ق - 182 ق / 797 731 م) یعقوب بن ابراهیم انصاری، معروف به ابو یوسف، که شاگرد امام ابو حنیفه نعمان بن ثابت است. "قاضی ابو یوسف امام مجتهد، محدث، قاضی القضاة، ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب بن حبیش بن سعد بن بجیر بن معاویه انصاری کوفی است." (الذهبی، سیر أعلام النبلاء، (8 / 535).

ها با زدن به دست، با چوپ همانند عصا و با تازیانه انجام می شد.¹ همچنین دهاقین و اهل ذمه هم به خاطر جمع آوری خراج و جزیه مورد شکنجه قرار می گرفتند و حتی کارمندان جمع آوری خراج هم در صورتی که اختلاس شان در اموال خراج ثابت می شد از شکنجه استثنا قرار نمی گرفتند.²

¹ - هادی العلوی، من تاریخ التعذیب فی الإسلام ص 6.

² - هادی العلوی، من تاریخ التعذیب فی الإسلام ص 7.

مبحث دوم: انواع شکنجه

مطالعه تاریخ تحول شکنجه نشان می دهد این پدیده از همان دوران اولیه به اشکال مختلف معمول بود و چهره های مختلف آن به تازگی ظهور نیافته بلکه قدامتی کهن بسان سایر پدیده های ضد اجتماعی دارد. گوناگونی شکنجه نیز مختص به جامعه خاصی نبوده بلکه تاریخ و فرهنگ تمام جوامع جلوه های مختلف آن را نشان می دهد.¹

شکنجه دو قسم می باشد شکنجه جسمی (مستقیم و غیرمستقیم) و شکنجه روحی (مستقیم و غیرمستقیم)

مطلب اول: شکنجه جسمی:

با وجود تنوع شکنجه جسمی و روحی اسناد برجای مانده حکایت از رواج شکنجه های جسمی دارد. بویژه تاسده های گذشته که شکنجه جنبه مجازات مجرم را در بر می گرفت. شیوه های سخت شکنجه های جسمانی رایج بود. نمونه های ازین نوع در مباحث سیرتاریخی عنوان شد. یکی از فرهنگ های حقوقی متأثر از شیوع شکنجه های جسمی و کاربرد آن در حقوق قدیم در تعریف آن گفته است: (شکنجه در حقوق جزایی قدیم اعمال درد شدید جسمانی بر یک شخص بوسیله ابزار شکنجه مانند: چرخ یا دیگر آلات است که به موجب اجازه یا مباشرت مقام قضایی در ارتباط با بازجویی یا امتحان افراد به عنوان وسیله اخذ اجباری اقرار به جرم یا مجبور کردن او به

¹ - سیدعباس موسوی، شکنجه در سیاست جنایی ایران "سازمان ملل متحد و شورای اروپا"، (نشریات: تهران، 1382)، ص 82.

معرفی همکاران خود به عمل می آید.¹ شکنجه گاه ناظر بر شخص متهم وزمانی متوجه اطرافیان او می باشد. و شکنجه جسمی به دو نوع است.²

فرع اول: شکنجه جسمی مستقیم:

عبارت است از ایراد عمدی هرگونه صدمات شدید بدنی نسبت به شخص متهم یا مجرم توسط مامور رسمی دولت یا فردی که در سمت دولتی عمل میکند، یا با معاونت یا نظارت او بمنظور اخذ اقرار یا کسب اطلاع یا ادای شهادت و سوگند و یا ارباب یا اجبار او.

شکنجه جسمی مستقیم شکل بارز و شایع شکنجه می باشد و تعریف ماده یک کنونسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ بوضوح به آن تصریح دارد. همچنین در متون جزایی تمام کشورها ی که شکنجه را منع نمودند این نوع شکنجه تجلی مشخص آن به شمار می رود.

علاوه بر شیوه های سنتی گرسنگی تشنگی دادن متهم یازندانی و زجر و آزار بدنی وی مواردی چون محروم نمودن متهم یازندانی از خدمات صحتی و رفاهی "استفاده از آزمایشات غیرقانونی و ادویه های غیرمجاز، نگهداری غیرقانونی در سلول های انفرادی، بی خوابی دادن زندانی، نگهداری در محیط آلوده یا آزاردهنده که قدر مسلم سلامت جسمی او را متأثر می سازد، از اشکال شکنجه جسمی مستقیم به شمار می رود.³

۱ - سیدعباس موسوی، شکنجه در سیاست جنایی ایران "سازمان ملل متحد و شورای اروپا ص 84..

۲ - عادل بن محمد التوجیری، التعذیب والمعاملة المهينة بكرامة الإنسان في الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي، جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية، الرياض، 1427 هـ - 2006 م، ص 75.

۳ - عادل بن محمد التوجیری، التعذیب والمعاملة المهينة بكرامة الإنسان في الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي، ص 7.

فرع دوم - شکنجه جسمی غیر مستقیم:

نمونه دیگری شکنجه جسمی، اعمال صدمات شدید بدنی نسبت به وابستگان و اطرافیان متهم یا مجرم توسط مامور رسمی دولت است تا از این طریق به اهداف مورد نظر از جمله اخذ اقرار از شخص متهم یا مجرم یا کسب اطلاعات لازم ویا حتی ارباب و آزار متهم دست یابند.¹

بکارگیری این نوع شکنجه در اسناد تاریخی به کرات قابل ملاحظه است. بویژه در دوران حکومت خلفای عباسی و دوران صفویه شواهد فراوانی از این دست مشاهده شده است. به طور مثال به هنگام وصول پول سرشماری که سابقاً دردهات رسم بود طفل را در حضور پدر و مادر قرار می دادند و با انبور سرخ دست و پایش را داغ می کردند تا پدر و مادر مجبور شوند پول و تعارف مامور موظف را بدهند.²

معمولاً زمانی که دستگاه کشف جرم یا مجری تحقیقات اولیه از کشف حقیقت و گشایش گره های موجود ناتوان و سرخورده می شود. و متهم نیز با مقاومت کمکی در این خصوص نمی کند مبادرت به شکنجه اطرافیان و وابستگان متهم می نماید. علاوه بر این ممکن است در مواردی به منظور ایندآ و آزار متهم اطرافیان وی به خصوص افراد نزدیک به وی مورد شکنجه و آزار قرار گیرند. و این امر در مواردی حتی از سوی مجرمین حرفه ای به قصد رسیدن بهتر به اهداف مجرمانه و تحت فشار قرار دادن مجنی علیه مستقیم خود صورت می گیرد. بنابراین قلمرو شکنجه های جسمی غیر مستقیم منحصر به مامورین دولتی و دوسیه های تحقیقاتی تحت نظر آنها نمی باشد. زیرا مطابق تعریف شکنجه شخصیت شکنجه گر محدود به مامورین دولتی است.³

¹ - ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، (تهران: انتشارات طلوع، کابل افغانستان 1346)، ص 1167.

- ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، (تهران: انتشارات طلوع، کابل افغانستان 1346)، ص 1167.²

³ - شحاته عبد المطلب حسن، حجة الدلیل المادی فی الإثبات فی الفقه الإسلامی والقانون الوضعی، دار الجامعة الجديدة للنشر، الإسكندرية، 2005م، ص 13، 15.

در محیط پیرامون خودموارد عدیده ای ازین نوع شکنجه را می بینیم. زمانی ازسوی مقامات رسمی دولتی علیه اطرافیان متهم و مجرم و گاه ازسوی مجرمین حرفه ای و خطرناک نسبت به مجنی علیه حتی مامورین دولتی این واقعیت تلخ مشاهده می شود. برای مثال دردوسیه های جنایی سنگین گاه مجرمین حرفه ای به قصد فرار از تعقیب و مجازات یا تحت فشار قرار دادن مامور مستقیم پیگیری کننده دوسیه و به قصد انصراف وی ازادامه عملیات تجسس و جستجو فرزند یا نزدیکان وی رابه گروگان گرفته و مورد آزار واذیت قرار می دهند.

اقدامات این گونه نمونه عملی شکنجه جسمی غیرمستقیم است. اما چون شخص فاعل ماموردولتی نیست لذا تعریف ارائه شده ازشکنجه که برای شکنجه گرمحدویت قائل شده براین نوع اقدامات تسری نمی یابد ولذاوصف جرمی آن مستقل ازشکنجه است¹.

یکی از دلایل که رغبت مامورین کشف جرم رابه اعمال این نوع ازشکنجه برمی انگیزد ناتوانی آنها درکسب اطلاعات و اقرار از متهم برغم شکنجه جسمی وی می باشد. ازاینرو معمولاً شکنجه جسمی غیرمستقیم متعاقب اعمال شکنجه جسمی مستقیم ویا حداقل مطالعه اولیه آن مورد توجه قرارمیگیرد. بطوریکه ممکن است سلامت جسمی متهم یا مجرم مطمح نظر بوده وواجد اهمیت باشد. لذا رویکرد شکنجه گر به سمت اطرافیان وی سوق می یابد. مضافاً اثبات شکنجه و طرح دعوی علیه شکنجه گرمشکل خواهد بود².

درمواردی شکنجه جسمی توأمآ نسبت به متهم واطرافیان اوصورت می گیرد. نمونه های آن فراوان دیده شده است. بطوریکه مامورین به قصدتحصیل سریع دلایل و جلوگیری از محوونا بودی آن بویژه

¹ - عبد الحمید الشورابی، الاخلال بحق الدفاع، مطبعة الإشعاع الفنية، الاسكندرية، ص 72، 74.

- مالکی محمد الأخضر، قرينة البراءة، رسالة دكتوراه، قسنطينة، 1996م، ص 179.

² - توفیق الشاوی، فقه الاجراءات الجنائية، دار الکتب العربی، القاهرة، ط 2، 1954م، (1 / 54).

در مسایل مهم به این شیوه متوسل می شود. شخص ثالثی که در شکنجه های جسمی و روحی غیرمستقیم تحت شکنجه قرار می گیرد لازم نیست که از بستگان و نزدیکان متهم یا مجرم باشد. ممکن است این شخص به زعم مامور دولت مظنون به ارتکاب جرم باشد.

مطابق ماده یک کنوانسیون منع شکنجه مصوب 1984 شکنجه عبارت از ایراد عمدی هرگونه درد و یا رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص از جانب مامور رسمی دولت و یا بمنظور اخذ اطلاعات و یا اقرار از شخص و یا شخص ثالث ، مجازات وی از بابت عملی که او و یا شخص ثالث مرتکب شده به ارتکاب آن است ، ارباب و یا اجبار او و یا شخص ثالث

تعریف ارائه شده بوضوح دلالت بر شکنجه جسمی غیرمستقیم دارد. زیرا تحمیل درد و رنج شدید بدنی یا مجازاتی که دیگری مرتکب شده ناظر بر اعمال شکنجه به شخصی است که نه خود مرتکب جرم شده و نه مظنون به ارتکاب آن است.

با این وصف در مواد بعدی کنوانسیون 1984 ، تضمینات حقوقی لازم ، شکنجه جسمی غیرمستقیم را تحت پوشش قراردادده است. احکام و آثار حقوقی مرتب بر هر دو نوع شکنجه درین کنوانسیون یکنواخت میباشد.¹

در اسناد شورای اروپا و تفسیر شارحان آن شکنجه جسمی غیرمستقیم منع و مشمول پاسخ و موانع مربوط به شکنجه جسمی مستقیم قرار گرفته است. کمیته منع شکنجه ضمن بازدید از قلمرو دولت های که متهم به اعمال شکنجه می باشند ، هرگونه شکنجه مستقیم و غیرمستقیم را مورد بررسی قرار می دهد.

¹ - موسوی، سیدعباس. شکنجه در رسالت جنایی ایران. سازمان ملل متحد و شورای اروپا، انتشارات: تهران، 1382. ص 84.

نهادهای رسمی مقابله با شکنجه که از دل اسنادسازمان ملل و شورای اروپا برخاسته اند ، رویه واحدی رادرخصوص شکنجه های مستقیم و غیرمستقیم اتخاذ می نمایند.¹

مطلب دوم- شکنجه روحی:

شکنجه روانی یا شکنجه روحی عبارت از شکنجه است که در درجه اول به اثرات روانی متکی است یعنی نتیجه شکنجه روانی باعث اثرات روانی می شود و فقط در درجه دوم به هرگونه آسیب جسمی وارد میشود. اگرچه همه شکنجه های روانی شامل استفاده از خشونت جسمی نیست ، اما بین شکنجه روانی و شکنجه جسمی استمرار وجود دارد. این دو اغلب در رابطه با یکدیگر استفاده می شوند و اغلب در عمل با هم همپوشانی دارند، با ترس و درد ناشی از شکنجه جسمی که اغلب منجر به اثرات روانی طولانی مدت می شود ، وبسیاری از اشکال شکنجه روانی شامل نوعی رنج یا تهدید است.²

شکنجه روحی نیز بسان شکنجه های جسمی ازپیشینه ای کهن برخوردار است. درهمان دوران قدیم که انواع شکنجه های جسمی رواج داشت "ایذا وآزار روحی افرادمحروم ازآزادی ودربندنظام حاکم جزئی ازبرنامه دستگاه قضایی وامینیتی بود.همگام باتحول فرهنگ ها ومقتضیات زمان شکنجه روحی نیزمراحل تکوین خودراسپری کردوبه لباس مدیرنتیه خودراآرایش داد.بطوریکه درحال حاضرمرجع قضایی ناسارگارباحقوق بشر"تحصیل دلایل واسرارجرم رابابکارگیری انواع شکنجه های روحی مجازمی شمردند.درین راستاشیوه های تازه تأثیروتاثرات روحی وروانی بررفتارهای سوء اخلاقی وشیوه های سنتی شکنجه روحی اضافه شده است .بویژه درجرائم امنیتی وسیاسی اعمال شیوه های

¹ - کرمانی، ناظم دارسلام. تاریخ بیداری ایرانیان.انتشارات: تهران، 1346.، ص، 169.

² - ویکی پدیا دانشنامه آزاد تاریخ مراجعه: 2021/06/07 م <https://fa.wikipedia.org/wiki/> و پیمان نامه سازمان ملل متحد علیه شکنجه.

جدید شکنجه روحی مشروعیت و سازمان خاصی پیدا کرد و داده های حاصل از آن در جریان محاکمه و محاکم موثر و معتبر می باشد. چنین رویکردی در نظام جزایی دولتهای غیرمردم سالاریاییگانه با جنبش اصلاح مقررات جزایی تقویت می شود. زیرا در فرهنگ این حکومت ها رعایت حقوق بین المللی و رفتار انسانی با افراد تاب معارضه با تأمین منافع سیاسی و ملی آنها ندارد.

شکنجه روحی نیز بر دو نوع مستقیم و غیرمستقیم میباشد.

فرع اول - شکنجه روحی مستقیم:

مانند تهدید، ارباب، توهین یا هرگونه تحقیر، هتک حیثیت، محرومیت از دسترسی به اطلاعات روز جامعه و خانواده یا وابستگان، نگهداری در سلول انفرادی، محرومیت از ملاقات با خانواده و وکیل، استفاده از داروهای مؤثر بر روان متهم یا مجرم، نگهداری متهم یا مجرم عادی یا سیاسی در کنار مجرمین خطرناک و عدم رعایت طبقه بندی زندانیان و امثال آن^۱.

پس شکنجه روحی مستقیم عبارت است از تحمیل هرگونه صدمات شدید روحی و روانی نسبت به متهم یا مجرم به مباشرت یا معاونت یا با نظارت مامور رسمی دولت یا شخصی که در سمت دولتی فعالیت میکند بمنظور تحصیل اطلاعات یا اقرار یا شهادت و سوگند یا ارباب یا اجبار او.

این نوع شکنجه عارضه شناخته شده در عرصه حقوق جزایی است که بدلیل ناتوانی شکنجه های جسمی در پاسخ به اهداف نهاد شکنجه گر وارد عرصه برخورد با افراد متهم و مجرم شده است. بعلاوه مبنای توجیهی چنین رفتار بر جای نماندن آثار و نتایج اعمال شکنجه و نیز کم هزینه بودن بکارگیری آن به نسبت شکنجه جسمی است. لذا در شرایطی که شکنجه جسمی تأثیری بر متهم ندارد و نیز عواقب سیاسی و اجتماعی برای شکنجه گردپی دارد^۲ آزار و اذیت روحی متهم که کمتر امکان پیگیری و شکایت بوی می دهد^۳ در دستور کار قرار می گیرد.

^۱ - سایت نگام پایگاه خبری / تحلیلی، نوشته: عبد الفتاح سلطانی (وکیل داد گستری) <https://negaam.news> تاریخ نوشته: 19 جدی 1398 ه.ش.

امروز در بیشتر نظام های جزایی جلوه های شکنجه روحی بروشنی دیده می شود. برغم کوشش وجدیت جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری در زدایش همه گونه شکنجه از منش و فرهنگ حکومتها "به کرات و به گونه مختلف رنج و آزار روحی افراد متهم و محروم از آزادی برقرار است. فعالیت این نهادها در انتفای شکنجه های جسمی اثربخش بود اما برای از بین بردن شکنجه های روحی چندان اثر و توفیقی نداشت.

در دوران جنگ دوم جهانی اشکال جدیدی از تعرضات روانی وارد بازار شکنجه شد. درین دوره برای پی بردن به مکنونات درونی اشخاص با استفاده از اختلال مشاعر در نتیجه عمل تخدیر و تزریق ادویه خواب آور از قبیل پنتوتال و آمیتال و اوپیان سودیک و غیره در ورید حالتی ایجاد میکردند که فرد در بین خواب و بیداری بوده و در شرایطی که قادر به کنترل خود نبوده در مدت زمان کوتاه به تجزیه و دریافت افکار درونی وی می پرداختند. این عمل مورد سرزنش شدید حقوقدانان قرار گرفته بود.

از مصادیق شکنجه های روحی مستقیم "تهدید"، "اجبار" و "ارعاب" توهین و هتک حیثیت و تحقیر، اعمال فشار مختلف روانی "تطمیع" "سوالات تلقینی و انحرافی" "محرومیت از دسترسی به اطلاعات روز جامعه و بستگان خود" "محرومیت از ملاقات با وکیل و خانواده" "استفاده از ادویه مؤثر بر روان متهم، عدم طبقه بندی زندانیان مطابق معیارهای حقوق بین الملل و غیره می باشد. البته استفاده از برخی ضوابط طبی توسط مرجع تحقیق که خللی به حقوق انسانی متهم ندارد فاقد اشکال است. برای مثال آزمایش خون راننده ای که متهم به رانندگی در حالت مستی است به معنی اجبار روانی وی نخواهد بود و قابلیت استناد رانیز خواهد داشت. به عقیده کمیسیون اروپایی حقوق بشر آزمایش خود دلیلی است که هم به نفع متهم و هم به ضرر متهم می باشد و توسل مرجع تحقیق به چنین آزمایشی بلا اشکال خواهد بود.

با قلمرو وسیعی که شکنجه روحی نسبت به شکنجه جسمی دارد^{۱۱} امروز کمتر کشوری از اتهام شکنجه های روحی مبرا می باشد. زیرا رعایت تمام حقوق متهمین ظرفیت و توان بالایی را می طلبد که حتی در فرض خوشبینی حداقل در بخشی از یک سیستم جزایی مورد توجه قرار نمی گیرد.

نهادهای بین المللی بمنظور حذف فرصت های توسل به شکنجه روحی توأمآ دستور منع شکنجه جسمی و روحی را صادر نمودند. سازمان ملل متحد و دولت های همسوبا آن ضمن منع شکنجه جسمی استفاده از شکنجه روحی را هم بصراحت ممنوع ساختند.

در ماده یک کنوانسیون شکنجه ، ایراد عمدی هرگونه درد یا رنج شدید بدنی یا روحی مورد توجه قرار گرفت. ازینرو اهداف مورد توجه در کنوانسیون و نیز تضمینات پیشبینی شده هر دو نوع شکنجه جسمی و روحی را در بر می گیرد.

در اسناد شورای اروپا و حقوق جزایی کشورها همسو با آن شکنجه روحی مستقیم در کنار شکنجه جسمی منع و مشمول واکنش یکسانی قرار گرفته است. کمیته منع شکنجه شورای اروپا در راستای بررسی ها و گزارشات خود حکم واحدی را برای شکنجه جسمی و روحی در نظر گرفته و تفاوتی بین شکنجه جسمی مستقیم و شکنجه روحی مستقیم قائل نشده است.

با الهام از رویه سازمان ملل ، بسیاری از دولتها در جهت نفی شکنجه روحی و انسانی ساختن شیوه رفتار با متهمین اقدامات مؤثری نموده اند. از آنجایکه متهم وزندانان اهداف اصلاحی جزا و رجوع به فطرت انسانی کمک نماید ، لازم است در کنار مجازات و برخورد قانونی احترام به کرامت انسانی و حقوق معنوی او گرفته شود.

با این همه جای خالی نص قانونی که بتواند بوضوح انواع شکنجه های روحی مستقیم را ممنوع سازد در متن مقررات جزایی کشورها احساس می شود.

درخاتمه این بحث به مصادیقی از شکنجه های روحی مستقیم در آرای مراجع بین المللی حقوق بشری اشاره می شود.

- کاربرد الفاظ و گفتار توهین آمیز و قرار دادن متضرر در معرض فحاشی و توهین .
- تحمیل درد ورنج روحی از طریق بوجود آوردن موقعیت هراس و دلهره در متضرر به شکل غیر از حملات فیزیکی .
- تهدید به قطع اعضای بدن متضرر و نشان دادن آثار شکنجه و شکنجه شدن متضرر دیگر.

فرع دوم - شکنجه روحی غیر مستقیم:

در این نوع شکنجه، بستگان و افراد وابسته به متهم یا مجرم یا مظنون به ارتکاب جرم تحت شکنجه قرار میگیرند. دقیقاً همانطوریکه شکنجه جسمی غیر مستقیم در صورت عدم بهره دهی شکنجه جسمی مستقیم مورد عمل قرار می گیرد" در شکنجه روحی غیر مستقیم نیز نهاد شکنجه گریلحاظ عدم نتیجه دهی آزار واذیت روحی متهم و یا تحصیل فواید خاصی که از آزار واذیت روحی شخص ثالث بدست می آید به ارتکاب آن ترغیب می شود.

این نوع شکنجه نیز در تاریخ حقوق پیشینه کهنی دارد و از قدیم الایام به شیوه های مختلف مورد عمل تاسیسات قضایی و امنیتی قرار می گرفت. اما ظهور فعال و گسترده آن در سده های اخیر بوده است.

فصل سوم

اسباب، ابزار، نهاد ها و تاثیرات شکنجه

مبحث اول: اسباب شکنجه

مبحث دوم: ابزار های شکنجه

مبحث سوم: نهاد های ای که در آنها شکنجه رخ می دهد

مبحث چهارم: تاثیرات شکنجه

مبحث اول : اسباب شکنجه

شناخت جرم شکنجه و تدوین استراتژی مقابله با آن محتاج به مطالعه در زمینه های پیدایش این جنایت است. بدون شک اوضاع و احوالی خاص بسترساز این جرم است که بامطالعه در تاریخ زندگانی آن و بررسی آرمان و آمال شکنجه گران می توان به آن وقوف یافت.

آگاهی از اسباب و اهداف شکنجه گران و سرنوشت شکنجه این فایده را دارد که حسب مورد با طراحی پاسخ و واکنش مناسب بنحو مؤثرتری طومار شکنجه گر گسیخته و باب شکنجه مسدود شود. مطالعه تاریخی نشان میدهد که شکنجه بیشتر به قصد تنبیه و مجازات متهم با تجاوز از حدود عرفی و قانونی و اخذ اقرار و کسب اطلاع از متهم و تحصیل شهادت و اطلاعات از شهود مرسوم شده بود. هنوز هم این اهداف سنتی زمینه ساز موجودیت شکنجه در قاموس نظام جزایی بعضی کشورها میباشد.

پیشرفت جوامع و توسعه دانش حقوق در اهداف شکنجه تأثیری نگذاشت. آنچه تغییر یافت نوع شکنجه بود که متناسب با مقتضیات زمان در اشکال مدرنیته ظاهر شد. بطوریکه شکنجه های روانی با استفاده از تکنالوژی معاصر جایگزین شکنجه های سنتی شده و در خدمت شکنجه گران قرار گرفت. تا به کشف همان نتایج همیشگی کمک نماید¹.

اهداف شکنجه در واقع تشکیل دهنده رکن روانی این جرم است. به همین جهت در تعریف از شکنجه معمولاً به اهداف و مقاصد شکنجه گر اشاره شد. بطوریکه در تعریف ماده ۱ کنواسیون منع شکنجه اشاره شد. این تعریف و مضامین مشابه آن در سایر اسناد و متون جزایی مارابه حقیقت رهنمون میشود. که علل و عوامل حدوث شکنجه و آثار و فواید آن برای شکنجه گر

¹ - مرجع اسناد بین المللی حقوق بشر - صفحه 107، <https://books.google.com.af/books> . نوشته: افرو دایت اسمانگدی. تاریخ مراجعه: 01 - 07 - 2021م.

چیست؟ چه غایت بزرگی درپرتو شکنجه حاصل می شود که شکنجه گرا به ارتکاب آن ترغیب می نماید

بخاطر بهتر روشن شدن موضوع لازم است تا به مطالعات بیشتر دست یابیم و بدانیم. چه عامل باعث میشود تا اشخاص تحت شکنجه قرار میگیرد. بنده به اساس مطالعات نسبی که در رابطه به این موضوع کردم یک تعداد علل و عوامل که زمینه اعمال شکنجه را مساعد میسازد، مانند تنبیه و مجازات، عدم اعتراف و اقرار اشخاص، خصومت های شخصی، نبودن وسیله اثبات جرم، منفعت مالی، عدم آگاهی مسئولان از حقوق متهمان و مظنونین، عدم آگاهی مظنونان و متهمین از حقوق خود، عدم پیگیری قضایای شکنجه، عدم وجود یک نهاد نظارت کننده، وجود خلا های قانونی در مورد شکنجه، و مخصوصاً نبود کادرهای مسلکی در ارگان های کشف و تحقیق میباشد، بنده به اندازه توان بالای هریک به بحث و بررسی میپردازم.

1 - تنبیه و مجازات متهم :

در دوران قدیم مجازات ها با شدت و سختی تمام بمنظور ارباب دیگران معمول بود و همواره توأم با زجر و شکنجه به اجرا در می آمد.

مجازات به صبغه شکنجه بیشتر در دوران باستان رایج بود. درین دوران، نمایش دادن شخص گنهکار در میان مردم، واداشتن وی به کارهای سخت، بریدن گوش، خصی کردن، زبان بریدن، چشم درآوردن و شکم دریدن از درجات جزای قانونی بود. همین موضوع در حکومت پارس با انواع مجازاتهای خشن و بیرحمانه حاکم بود¹.

¹ - مرجع اسناد بین المللی حقوق بشر - صفحه 108، <https://books.google.com.af/books> . نوشته: افرو دایت اسماعلی. تاریخ مراجعه: 01 - 07 - 2021م.

حبس با اعمال شاقه و مجازات موهن که ریشه در تاریخ دارد یاد آورخصیصه شکنجه بودن مجازاتها است.

در انقلاب کبیرفرانسه مجازاتی به اسم "مجازات گالر" وضع گردیده و آن عبارت از پارو زدن اجباری در "کشتی های پادشاه" می باشد.

وضع مجازاتهای سخت و شدید در بسیاری از نقاط برقرار بود. ظهور ادیان مذهبی و آموزه های دینی به از بین رفتن این وضع وانگیزش انزجار عمومی از آن منجر شد. زیرا موازین اخلاقی به هیچ وجه تحمل این قساوت ها را که حاکی از خوی حیوانی بوده، نداشت. درین میان دین اسلام همواره تأکید نموده که در اجرای مجازات به حرمت و کرامت انسانی متهم تعرض نشود و صرفاً به میزان مناسب جرم ارتکابی و با رعایت اصول جزای اسلامی مجازات اعمال شود.

همسو با آموزه های دینی، مکاتب جزایی نیز درین راستا ظهور یافتند و در تعدیل این وضع تلاش کردند. اصول آرمانی حقوق چون اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها توسط این مکاتب عرضه شد و در مقررات زمان خود دیگرگونی و تحول شگرفی ایجاد کرد.

باید به فایده اجتماعی جزا اعتقاد داشت و آن اینکه جامعه نباید حمایت خود را از مجرم دریغ کند. باید به افرصت داده شود تا از سردرد اعتراف کند و اگر گناه وی ثابت شد شکنجه لازم نیست بلکه جزای قانونی به عمل آن کافی است¹.

این تلاشها سبب شد بسیاری از دولتها در قوانین موضوعه شان از مجازاتهای بیرحمانه و شدید دست بکشند. و به وضع جزای متناسب با موازین انسانی همت گمارند.

¹ - عبدالحسین، علی آبادی، حقوق جنایی، چاپ اول جلد 2، (انتشارات فردوسی، 1368)، ص 127-128.

از آنجا که مشروعیت دادن به شکنجه و اعمال آن در مراحل تحقیقاتی و محاکماتی واکنش افکار عمومی و نهادهای حقوق بشری را می‌انگیزد، لذا ممکن است برخی دولتها این ابزار سرکوب‌گر را با لباس و آرایش قانونی در متون خود وارد سازند و بر شدت مجازات‌ها بیفزایند. این نگرانی همواره برای نهادهای حقوق بشری وجود داشته است. ازینرو سعی شده در اسناد این نهادها مجازات‌های بیرحمانه را حکم شکنجه را بیابند.

اما قانونگذاران اکثرکشورها در مورد " بازداشت موقت " شیوه مناسبی را انتخاب نکرده است. با اینکه بازداشت موقت علی‌الاصول خلاف اصل آزادی و کرامت انسانی است باید در مورد استثنائی استفاده شود¹.

۲ - عدم اعتراف و اقرار:

یکی از علل اصلی شکنجه و رفتارهای غیر انسانی بدست آوردن اعتراف و اقرار رمیباشد. اقرار از آغاز تمدن بشر نزد همه ملل و جوامع مورد توجه خاص بود. رومیان آنرا دلیل دلیل‌ها می‌دانستند. و در اسلام عزیز اقرار یکی از سه دلیل مهم شمرده شده تا جایی که به مقرله حق داده اند قبل از اصدار حکم حق خود را تقاضا کند².

حکومتها بخاطر دوام و استقرار خود هرکاری را که به نفع خود احساس مینمودند انجام میداد. با وجود آنکه قانون جزا و قانون اساسی افغانستان اقرار و اعتراف که از متهم یا مظنون با اکراه یا شکنجه به دست آمده باشد را غیرقابل اعتبار می‌داند. اما عدم آگاهی درست از قوانین و قلت کادرهای مسلکی یا روشهای تخنیکی و دلایل دیگر باعث شده که شخص متهم یا مظنون به منظور اعتراف و اقرار کشیدن در معرض شکنجه قرار بگردد. براساس گزارش تحقیقی

¹ - عبدالحسین، علی‌آبادی، حقوق جنایی، چاپ اول جلد 2، (انتشارات فردوسی، 1368)، ص 129.

² - سید جلال مدنی، ادله اثبات دعوی، چاپ چهارم، (انتشارات پایداری، 1377)، ص 771.

کمیسیون مستقل حقوق بشر ملاحظه می‌گردد، حداقل از مجموع ۸۰٪ اشخاص علت شکنجه شدن شان را عدم اقرار و اعتراف ذکر نموده اند. تنها ۲۰٪ به علل مختلف دیگر مورد شکنجه قرار گرفته اند.¹

3 - کسب اطلاع و اخذ شهادت:

یکی دیگر از موارد کاربرد شکنجه کسب اطلاع و اخذ شهادت از شاهد است. از آنجاییکه بدست آوردن هرگونه اطلاعات پیرامون جرم ارتكابی، در بهبود فرایند تحقیقات مؤثر است، در مواردی که مامور تحقیق با مانعی در مسیر برای مثال بامقاومت متهم در ارائه اطلاعات و شاهد در ادای شهادت مورد نیاز، روبرو می شود، ممکن است کاربرد شکنجه و اعمال فشار را حربه مناسبی در برطرف ساختن این مانع در نظر بگیرد.

بدین جهت در اسناد و مقررات مربوط به شکنجه، و در تعریف آن کسب اطلاع و اخذ شهادت داخل قلمرو اهداف شکنجه قرار گرفته است.

4 - عوامل روانی و اجتماعی:

پدیده جزایی یک واقعیت انسانی و اجتماعی است. به عبارت دیگر جرم حاصل اندیشه و عمل انسانی است که بوقوع آن نظم اجتماع را به هم میزند. این جنبه انسانی حتی در مورد انکار طرفداران نظریه قضایی قرار نگرفته است. اما نظریه واقع گرا به استناد این واقعیت در تجزیه و تحلیل جرم علاوه بر مظاهر خارجی آن و آسیبی که به نظم اجتماع وارد شده به علل وقوع و منشاء آن توجه خاصی می نماید و چون انسان منشاء آن است علل حقیقی و عمیق جرم در انسان جستجو و کشف می شود.

¹ - سید جلال مدنی، ادله اثبات دعوی، چاپ چهارم، (انتشارات پایدار، 1377)، ص 772.

شکنجه نیز به عنوان یک پدیده جزایی ازین قاعده مستثنی نیست. در بررسی زمینه ها و عوامل پیدایش آن باید شخصیت شکنجه گر و علل و عوامل که میل به ارتکاب شکنجه را در وی پرورش داده مورد بررسی قرار گیرد. معمولاً عوامل مؤثر در وقوع جرم دودسته عوامل داخلی و عوامل خارجی می باشند. شناسائی عوامل جرم رسالت اصلی جرم شناسی است. زیرا پیشگیری از وقوع جرم و کاهش نرخ تورم جرم و اصلاح و درمان مجرمین ، متوقف بر شناخت عوامل جرم زا می باشد.

با توجه به اینکه ریشه های جرم هم روانی وهم اجتماعی است ، برداشت ما نسبت به مسأله باید هم جنبه روانی وهم جنبه اجتماعی داشته باشد. هرگاه هر دو این عوامل فوق موجود باشد. باید هر دو برداشت مورد استفاده قرار گیرد، یعنی هر دو مورد باید ارزیابی و تعیین شود که چه میزان از مسأله معلول اختلالات روانی و چه میزان معلول عوامل اجتماعی است.¹

5- خصومت شخصی:

هر حکومت بعد از رسیدن به قدرت بخاطر پاکسازی مخالفین خود یا دوام و استمرار خود و یا به میان بودن بعضی مشکلات دیگر اشخاص و افراد را تحت شکنجه قرار می دهد. و یا موجودیت مشکلات بین افراد هم میتواند چنین عواقب را به بار خواهد آورد.

بر اساس گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر خصومت های شخصی را یکی دیگر از علل شکنجه شدن شان بیان نموده است. تقریباً ۲۳% اشخاص از مظنونین در پرسشنامه ها به جواب این سؤال که که به چی علت شکنجه شده؟ را خصومت های شخصی چون: تصاحب زمین،

¹ - دیوید ایراهیمسن، روانشناسی کیفی، ترجمه: دکتر پرویز صانعی، (انتشارات گنج دانش، 1371) ص 416.

از دشمن حقیقی خود را خلاص کردن، دفاع از حقوق زندانیان و دیگر علت ها را دلیل شکنجه شدن شان دانسته اند.¹

6 - نبودن وسیله اثبات جرم:

دلیل عمده دیگر که شکنجه در نهاد های مجری قانون صورت میگیرد "نبودن وسیله برای اثبات جرم" است. لذا مظنون یا متهمان بدین علت مورد شکنجه قرار می گیرند. تعداد چشمگیر از جواب دهنده گان گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر این علت را دلیل شکنجه شدن شان دانسته اند.

وقتی که کارمندان عدلی و قضایی دلایل الزام را آنقدر که اثبات جرم را نماید پیدا کرده نتواند به انجام شکنجه پرداخته و متهمین را وادار به اقرار مینماید. یگانه روش معمول وسیله اثبات جرم میتوان شکنجه قلمداد نمود.

7 - منفعت مالی :

رشوه ستانی، فساد اداری و منفعت مالی یکی از دلایل دیگر اعمال شکنجه بالای مظنونین و متهمان به حساب میرود. طبق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر ۷% اشخاص و افراد بخاطر ندادن پول به عنوان شیرینی تحت شکنجه قرار میگیرد. درین قسمت لازم به یاد آوری است که علت های چون ناکافی بودن معاش و مساعد ساختن زمینه برای استفاده سوازدلایل بنیادی فساد

¹ - سید جلال مدنی، ادله اثبات دعوی، چاپ چهارم، (انتشارات پایدار، 1377)، ص 773.

اداری و منفعت جویی شخصی به شمار میرود. یک تعداد از مظنونین و متهمین مورد مطالعه نیز منفعت مالی "رشوه ستانی و منافع شخصی را دلایل شکنجه شدن شان دانسته است.¹

8- عدم آگاهی مسئولان از حقوق متهمان و مظنونین:

عدم آگاهی مسئولان از حقوق متهمان و مظنونین علت دیگر از اعمال شکنجه شدن در نهاد های مجری قانون را تشکیل میدهد. عدم آگاهی کارمندان عدلی و قضایی از حقوق متهمین مانند حق داشتن وکیل مدافع "حق سکوت" حق اعتراض و غیره میباشد. وقتی که یک شخص می خواهد از حق قانونی خود استفاده نماید درین اثنا مسئولان چون آگاهی ندارد به مخالفت پرداخته متهمین و مظنونین را شکنجه مینماید. چون جرم اکثراً بنابر موجودیت بعضی عوامل اتفاق می افتد به دقت بیشتر لازم است و امروز در اکثر کشورها مخصوصاً در افغانستان عزیز ما مجرمین به چشم حقارت نگریسته و از آنها احساس تنفر مینماید. سوال اینجاست که آیا جزا بخاطر انتقام است؟ امروز در قوانین اکثر کشورها به صراحت واضح است که جزا بخاطر انتقام نیست بلکه بخاطر اصلاح شخص و پند به دیگران بالای مجرمین تطبیق میگردد.²

9- عدم آگاهی مظنونین و متهمان از حقوق خود:

اکثریت مظنونین و متهمان نیز از حقوق خودشان به طور لازم آگاهی ندارند. و دلیل عمده این موضوع ارایه ندادن معلومات در ارتباط حقوق شخص مظنون یا متهم توسط مسئولان و قضات در زمان دستگیری، نظارت، محبس و در محاکم می باشد. مطابق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر بتاريخ 9 ثور 1383 در پرسشنامه های که از مظنونین و متهمین ترتیب گردیده

¹ - گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، علل شکنجه در نهاد های مجری قانون، (انتشارات: کمیسیون مستقل حقوق بشر، 1383)، ص 17.

² - منبع سابق ص 20.

است درارتباط به این پرسش که (آیادرتبای محاکمه درباره حقوق بشری شما ازطرف قاضی معلومات ارایه شده است؟) حدود ۷۸٪ ازین متهمان منفی جواب داده اند.

پرسشی دیگرکه آیشکایتی ازناحیه شکنجه شدن خویش کرده اید؟ حدود ۵۶٪ جواب منفی داده است واز ۴۳٪ که شکایت کرده اند، شکایت آنها اکثرآ بجایی نرسیده است. وهمچنان قابل یاد آوری است که درحدود ۸۶٪ ازحقوق بشری شان به صورت لازمی آگاهی نداشته اند.¹

10- عدم پیگیری قضایای شکنجه:

یک علت اساسی که شکنجه ورفتار های غیرانسانی وظالمانه یاتحقیر آمیز درنهاد های مجری قانون به طور گسترده رایج میباشد عبارت ازعدم پیگیری قضایای شکنجه وشکایات متهمین ومظنونین دراین ارتباط میباشد. موانعی که باعث میگردد این قضایا برسی وپیگیری نشود بر اساس پاسخ های مسئولان عبارتند از:عدم اجرات قانونی از طرف مسئولان "عدم صراحت قانون درزمینه، نبودن امکانات دیگر برای اثباب جرم " مداخله اشخاص وافراد پرقدرت ودیگر موارد چون رشوه ستانی، عدم کادر مسلکی ووجود روابط مصلحت ها دربین ادارات "ازجمله دلایل عدم پیگیری قضایای شکنجه یادآوری گردیده است. وهمچنان مطابق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر ۹۹٪ ازمسئولان مورد مطالعه "بدین باوراند که قضایای شکنجه نظربه دلایل فوق پیگیری نمی شود.

براساس پاسخ های قربا نیان شکنجه درمحاکم با وجود ابراز اینکه اعتراف واقرار ازمتهمان به وسیله شکنجه صورت گرفته است وازطرف قضات هم توجهی صورت نمیگیرد¹.

¹ - گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، ص 20.

11- عدم وجود یک نهاد نظارت کننده:

نبود یک نهاد نظارتگر در مورد شکنجه و رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده دلیل دیگری است که شکنجه و شکنجه گری در نهاد های مجری قانون به صورت گسترده رواج دارد. چنانچه اکثریت درین مورد به جایی نمی رسد. و مطابق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر عرایض اکثریت کسانی که درمورد اعمال شکنجه غیرانسانی یا تحقیرکننده بالای خود را بی نتیجه اعلان نموده اشخاص های مسئول اداره های مربوطه را به نا کارآیی و بی خبرازقانون خطاب میکند. دلایل اساسی آن هم بی کفا یتی، عدم معاش کافی، رشوه ستانی، متهم به دروغ شدن، کافی شمرده نشدن ادعا، نبودن قاضی قانون دان و حتی تحقیرشدن، دو ودشنام و تهدید کردن را به دنبال داشته است. این درحالی است که اکثر شکایات به محکمه، خارنوالی، آمریت محبس، آمریت توقیف خانه ها وغیره ارگان های دیگر چون قومندانی، ولایت، وریاست اداره امور ارجاع داده شده است.²

12- وجود خلاهای قانونی درمورد شکنجه:

با وجود اینکه قانون اساسی وقانون جزایی کشورشکنجه را شدیدآ منع نموده است و برای مرتکبان آن حبس طولانی مدت وحتا جزای قتل عمد را تعیین داشته است. با آن هم رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی وشکنجه به طورگسترده طوری که قبلاً مطرح گردید درنهاد های مجری قانون رایج می باشد. وتانوزهیچ مرتکبی دراین مورد محکمه یا مجازات نگردیده است. گرچه قانون جزای افغانستان در ماده ۲۷۵ خویش به صراحت مرتکبان را قابل مجازات می

^۱ - عبد الغنی آرام - بررسی حقوق زندانیان در فقه وقوانین وضعی افغانستان، پوهنتون هرات، پوهنخی شرعیات وعلوم اسلامی، سال: 1396ه.ش، ص 30.

^۲ - گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، ص 23.

داند با آن هم دومشکل درین باره وجود دارد. اول اینکه قانون جزای افغانستان بیشتر از ۳۰ سال پیش تصویب و نافذ گردیده است.

ودوم اینکه، این قانون به طور لازم تمامی مواد کنواسیون منع شکنجه را که افغانستان عضو متعهد آن به شمار می‌رود درموادخود ننگجانیده وهیچگونه تعدیل لازم درین موضوع صورت نگرفته است. بدین معنی که سایررفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده که به اساس معاهدات بین المللی شکنجه محسوب می‌گردد، درقوانین به صورت واضح گنجانیده نشده است. این درحالی است که درقوانین مذکور تنها ازشکنجه دراعتراف واقرارگرفتن نامبرده شده درحالی که شکنجه درحالات دستگیری، بعد از آن ویا قبل تر از آن نیزبه صورت گسترده رایج است¹.

13- نبود کادرهای مسلکی درارگان های کشف وتحقیق:

کمبودکادرهای مسلکی درارگان های کشف وتحقیق ونهادهای مجری قانون دلیل دیگری برای وجود شکنجه دراین نهاد ها به شمار می رود. چنانچه زیرعناوین فوق بحث گردید، ارگان های تربیتی به فکراینکه آموزش های کوتاه مدت وغیرمسلکی میتواند به طورمثال یک پولیس تمام عیار بسازد. ووجیه های قانونی واجتماعی خودرابه طورخوب انجام دهد. چون اکثرآنها ازقانون وبری الزمه بودن اشخاص تااصدارحکم ازطرف محکمه آگاهی ندارند. درپرسشنامه که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر بتاریخ 9 ثور 1383 ترتیب شده نقل گردیده که تنها تعدادی محدودی ازآنان ازحق عدم شکنجه آگاهی دارند. ونیز درباره اینکه کدام موارد شکنجه محسوب می‌گردد دربین مسئولان وضاحت واتفاق نظرووجودندارد. لذا این موضوع نشان دهنده عدم هم آهنگی وآموزش های مسلکی درنهاد های مجری قانون می باشد. درجواب به این پرسش

¹ - پیشگیری وضعی تقنینی از جرم شکنجه، نویسنده گان: مهدی شیداییان، سید جعفر اسحاقی، زهرا رجایی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان 1397 ه.ش، ص 25.

ازمسئولانی که برای اخذ اعتراف ازچه روشی استفاده می کند؟ مطابق جواب آنها تنها ۲۱% ازجمع آوری شواهد ومدارک مبنی براثبات جرم نام برده انددرحالیکه ۲۳% ازروش های تکنیکی " ۱۴% دیگرروش های مطابق قانون ومعقول را انتخاب کرده اند.این در حالی است که ۲۲% دیگرمواردغیرازموضوعات ذکرشده رابرای اخذ اعتراف ذکرنموده اند.¹

^۱ - گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، همان اثر، ص 25.

مبحث دوم- ابزارهای شکنجه:

روش های شکنجه و رفتارهای ظالمانه غیرانسانی یا تحقیرکننده یی که در جهان معمول و رایج است در مجموع خشن و وحشت آوراست. و ابزارهای که برای شکنجه نمودن قربانیان به کارگرفته شده، شدیداً غیرانسانی و خلاف کرامت انسان محسوب میگردد. این روشها از مشت و لگد، سیلی زدن، تحقیرکردن، کیل زدن، به برق دادن، زنجیر و زولانه به صورت متداوم، بی خوابی و محرومیت از آب و غذا، سیخ داغ کردن، استفاده از دنده های پولیس و میله های آهنی، دو دشنام و غیره موارد میتواند شامل گردد. بنده هریک را نظربه گنجایش اثر خود آنرا به بحث میگیرم¹.

1 - مشت لگد وسیلی:

استفاده از مشت و لگد وسیلی زدن مظنون یا متهم، شکنجه و رفتار ظالمانه غیرانسانی یا تحقیرکننده محسوب میشود. بنا بر قوانین ملی و همچنان تعهدات بین المللی کشور "این گونه رفتارها رابه طورقطع ممنوع دانسته است. اما با آنهم، معمولترین و گسترده ترین نوع شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده همین مشت و لگد وسیلی زدن ثبت گردیده است. تقریباً تمام قربانیان مورد مطالعه که در حدود ۸۰% را شامل می گردد. به نحوی بامشت و لگد شکنجه شده اند².

2 - اسلحه:

استفاده از اسلحه روش معمول دیگری است که علیه قربانیان به کاررفته است. و همچنان مطابق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر ۱۰% از مظنونین و متهمین دراثنای دستگیری

¹ - ابزار های شکنجه، ویکی پدیا - دانشنامه آزاد، <https://fa.wikipedia.org/wiki>، تاریخ نوشته: 14/ جنوری/ 2018.

² - منبع سابق.

ودرجریان تحقیق ذریعه اسلحه تحت شکنجه قرار گرفته است. ویا توسط آن به مرگ تهدید گردیده است.

3 - چوب:

چوب زدن واستفاده ازچوب برای شکنجه کردن روش معمول دیگری است که علیه قربانیان به کار رفته است. ساحه عمل وتطبیق آن عملاً دروقت دستگیری وجریان تحقیق به مشاهده می رسد.به اساس گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشردرحدود۳۰% ازمظنونین ومتهمین ذریعه چوب تحت شکنجه قرار گرفته است.این رفتارهای ظالمانه چون چوب کاری با دست وپای بسته "چوب کاری در زمان دستگیری"چوب کاری با چشمان بسته وچوب زدن درپا ها راشامل میگردد.

4 - کییل:

استفاده ازکییل به اشکال مختلف روش دیگری ازشکنجه کردن درافغانستان می باشد.کییل معمولاً انواع گوناگون، کییل های برقی، کییل آهنی وکییل پلاستیکی راشامل میگردد.ازکییل معمولاً برای کوبیدن ولت نمودن درپشت، کمر"پاها، سروصورت ودیگرنواحی بدن به کارگرفته شده است. تمام مردم افغانستان استفاده ازکییل راعمالآدرزمان حکومت طالبان به چشم سرمشاهده نموده اند.

5 - برق:

گذراندن برق ازجسم قربانی وشوک های برقی نیزازروش های شکنجه "رایج در مملکت عزیز ما به شمار میرود. ودر اکثر ممالک این روش معمول می باشد. چون بیشتر مظنونین ومتهمین سیاسی را بخاطر اهداف خاصی که درنزد شکنجه گر موجود است ازین طریق شکنجه مینماید.

این روش به انواع گوناگون مورد اجرا قرار میگیرد. واکثر برق را از طریق ناخن ها وانگشتان به بدن قربانیان جریان داده می شود .

6- زنجیر وزولانه بصورت مداوم:

استفاده از زنجیر وزولانه به صورت طولانی و دوام دار ویا زنجیروزولانه نمودن خیلی کوتاه دست ها وپا ها درروی زمین یا درپشت سرنوع دیگر از ابزارهای شکنجه ذکر گردیده است. بعضی اوقات برای بسته کردن و بعداً لت وکوب نمودن قربانیان از زنجیروزولانه کار گرفته است. طبق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر ۱۵% از زندانیان مدعی اند که این عمل بالای شان تطبیق گردیده است^۱.

7- بی خوابی و محرومیت از آب و غذا :

بی خوابی دادن و محرومیت از آب و غذای لازم و کافی نوع دیگری از شکنجه میباشد. که علیه قربانیان به کار رفته است. این نوع شکنجه اکثراً در گذشته معمول و مروج بوده "مخصوصاً مجرمین سیاسی را با دادن چنین شکنجه خیلی زیاد رنج میدادند. این درحالی است که دست ها و پاهاى شان به زنجیروزولانه به طور محکم و دوام دار قید میباشد . چون نمیتواند به راحتی خود را دراز بکشد و با دست های شان به هر طرفی که راحت است آویزان نماید. به همین اساس نمیتواند به راحتی خواب نماید. نبودن آب و غذای کافی و مناسب به رنج آنها افزوده شده و روحاً شکنجه میشود.

^۱-- گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، علل شکنجه در نهاد های مجری قانون ، (انتشارات: کمیسیون مستقل حقوق بشر، 1383)، ص 17.

8 - سیخ داغ "استفاده از میله های آهنی و دنده پولیس":

سیخ داغ کردن یا سوزانیدن متهمان و مظنونان نوعی دیگری از روش های شکنجه است. که در مورد بعضی از متهمان و مظنونان مشاهده شده است. همچنان استفاده از میله های آهنی و دنده پولیس برای لت و کوب، چندین فقره از شکنجه نمودن ها را تشکیل میدهد که درین نمونه تحقیقی از آن نام برده شده است. همچنان بعضی اوقات از انواع مختلف دیگر از شکنجه های جسمی کارگرفته شده است. مانند قمعین زدن، تسمه کاری، سواستفاده جنسی و چسپانیدن استبلبر دست از روش های نام برده می باشد.

9- دو ودشنام:

دو زدن و دشنام دادن یک عمل تحقیر کننده غیر انسانی و نوعی از شکنجه روحی محسوب میگردد. در اکثر موارد داو و دشنام علیه متهمان و مظنونان به کاررفته است. و این عمل خلاف مقررات اسلام عزیز، قانون اساسی، و سایر قوانین موضوعه و مخصوصاً ضد کرامت انسانی می باشد. در مورد ناروایی دو و دشنام در شریعت اسلامی آیات و احادیث زیادی وجود دارد که درین جا حدیث ذیل را ذکر می کنم: **عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : "سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ"¹.**

ترجمه: دشنام مسلمان خروج از جاده شریعت و قتالش کفر است. اما متأسفانه در بسیاری از نهادهای که خود مجری قانون محسوب میگردد شکنجه به طور گسترده رایج و معمول می باشد.

¹ - وأخرجه البخاري (48) و (6044) و (7076)، ومسلم (64) (116) و (117)، والترمذي (2098) و (2825)، والنسائي 122 /7 من طريق أبي وائل شقيق، والترمذي (2824)، والنسائي 122 /7 من طريق عبد الرحمن بن عبد الله بن مسعود، والنسائي.

- ابن ماجه در سنن خود اسناد این حدیث را صحیح دانسته است. (سنن ابن ماجه ت الأرئووط، الناشر: دار الرسالة العالمية الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م ج 1، ص 48).

مبحث سوم: ارگان ها و محل های که در آنها شکنجه یا رفتار غیر انسانی رخ می دهد:

که این مبحث به دو مطلب تقسیم گردیده است:

مطلب اول: ارگانهای که در آنها شکنجه صورت می گیرد:

ارگان ها و نهاد های که در آن شکنجه رایج می باشد. شامل پولیس (امنیتی، عدلی، ترافیک)، امنیت ملی، نظارت خانه ها، محابس، خازنوالی واردوی ملی می باشد. وهمچنان این نهاد های جنایی، قومندانی ها و ولسوالی ها و بخش های از پولیس را دربر میگیرد.

۱- پولیس (امنیتی، عدلی، ترافیک):

اکثریت شکنجه ها و رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیرکننده توسط پولیس در وقت دستگیری انجام میگردد. مطابق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر ۶۵% اشخاص در اثنای دستگیری مورد شکنجه قرار گرفته است. دلایل عمده و اساسی آن نا آگاهی پولیس از حقوق مظنونین و متهمین می باشد. چون تعلیمات کوتاه مدت نمی تواند پولیس را از تمامی مکلفیت هایش آگاه بسازد. و به تمامی موضوعات و وظیفوی اش آگاهی لازمی را بیاموزد.

۲- امنیت ملی:

بر اساس گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر امنیت ملی دومین نهادی است که اکثریت رفتارهای ظالمانه و شکنجه در آن مروج بوده است. چون وظیفه کارمندان امنیت ملی هم خیلی سنگین و مهم می باشد. وهم یک ارگان کشفی و صلاحیت رسیدگی به مسایل امنیت داخلی و خارجی را دارا می باشد. درین نهاد به طور جدی کوشش می گردد تا مظنون و متهم را وادار به

اقرار کند. از تمام انواع شکنجه درین ارگان کارگرفته می شود. این ارگان از یک وحشت خاص در بین ارگان ها برخوردار می باشد و همه احساس ترس و وحشت می نماید.

3- خارنوالی:

خارنوالی نیز محل دیگری است که اشخاص و افراد که در آن جا مراجعه می نماید. از برخورد مسئولین احساس ناراحتی می نماید. امروز در تمام کشورها دانشمندان به این باوراند "کسانی که مرتکب عمل جرمی می شود، آنها تکلیف دارند و باید آنها تداوی گردند. و منظور از تطبیق جزاهم انتقام نبوده بلکه اصلاح و تربیت مجرم می باشد. و هم باید کوشش صورت گیرد تا علل و عوامل ارتکاب جرم مشخص گردد. ولی متأسفانه در کشور عزیز ما افغانستان وقتیکه کسی مرتکب جرم گردد برخورد خارنوالان هیچ قابل تحمل نیست. و خیلی ناراحت کننده است.

مطلب دوم: محل هائیکه در آنها شکنجه صورت می گیرد:

محل هائیکه شکنجه در آنجا صورت می گیرد عبارت از نظارت خانه ها و محابس می باشد:

1- نظارت خانه:

نظارت خانه هم محل دیگری که اشخاص و افراد مقیم در آن احساس شکنجه روحی را می نماید. نبود محل مناسب برای زندگی، نبود غذای کافی، نداشتن وقت مشخص بخاطر ملاقات با پایوژان و غیره مسایل خسته کننده باعث رنج روحی مظنونین و متهمین می گردد. چون انسان ها

خدای یکتا آزادخلق کرده و همیشه آزادی را دوست دارد و زندانی بودن با فطرت انسان ها سازگار نیست. مطابق آمارگیری و گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حدود ۱۰٪ اشخاص از مسایلی که تذکر دادیم ابراز ناراحتی نموده است.

2- محبس:

محبس هم محل دیگری است که اشخاص و افراد مقیم در آن احساس شکنجه روحی را می نماید. قسمیکه تذکر دادم انسان آزاده دنیا آمده آزادی را خیلی دوست دارد. کلمه حبس با فطرت انسان ها هیچ سازگاری ندارد. با وجود مسایل ذکر شده فضای محبس، نبود کارمندان مسلکی، برخورد غیر مسئولانه کارمندان و غیره مسایل به ناراحتی محبوسین افزوده شده احساس نا راحتی می نماید. مطابق آمارگیری و گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر در حدود ۱۵٪ اشخاص محبوس از مسایلی که تذکر دادم ابراز ناراحتی می نماید¹.

مبحث چهارم- تأثیرات شکنجه:

شکنجه نه تنها تأثیرات جسمی و روحی مخرب در زندگی متهمین و مظنونین ایجاد می کند، بلکه تأثیرات زیان آور اجتماعی را نیز باعث می شود. هدف از شکنجه کردن اکثرآ شکستن شخصیت و هویت مجرمین و متضررین می باشد و معمولاً به صورت عمدی برای ایجاد درد ورنج جسمی و یاروحی

۱- گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر، علل شکنجه در نهاد های مجری قانون، (انتشارات: کمیسیون مستقل حقوق بشر، 1383)، ص 25.

بالای مجرمین و متضررین تحمیل می‌کرد. بنابراین شکنجه تأثیرات و پیامدهای جسمی و یاروحي دردناک و زیانباری را در متضررین و حتی خانواده‌های متضررین و در اجتماع به جا می‌گذارد.¹

الف: تأثیرات جسمی:

تأثیرات جسمی شکنجه عبارتند از علایم و اثرات فیزیکی یا جسمی که شامل زخم‌ها "داغ‌های دردناک و معلولیت اعضای بدن مانند عضلات و غیره می‌گردد. همچنان از دست دادن کامل و قسماً از بین رفتن اعضای بدن مانند چشم، گوش یا دیگر مسایل از پیامدهای جسمی شکنجه ثبت گردیده است. از تعداد قربانیانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در حدود ۲۰٪ آنان در ناحیه سرشان علایم ظاهری شکنجه را دارا می‌باشند.² در حالی که اثرات شکنجه و کبودشدگی در پاها، کمر و پشت اکثریت قربانیان پدیدار بوده است. شکستگی دست‌ها یا پاها و دیگر استخوانهای بدن نشانه‌های دیگری است که در بدن قربانیان مشاهده شده است.

اثرات سوختگی‌ها، خراشیدگی‌ها در بدن یا صورت و مریضی‌های مانند تکلیف قلبی رانیزی می‌توان از تأثیرات جسمی در وجود این قربانیان مشاهده کرد.

از تعداد خانواده‌های قربانیان که مورد مطالعه قرار داشتند بیشتر از ۷۵٪ آنها تحت شکنجه جسمی قرار گرفته‌اند و علایم در وجود قربانیان مشاهده گردیده‌اند. این تأثیرات از فوت شدن و نابینا شدن (یک مورد فوت و یک مورد نابینایی) تا اکثر آامراض و ناتوانی‌های دیگر را در بر می‌گیرد.

ب - تأثیرات روانی:

تأثیرات روحی یا روانی شکنجه و رفتارهای ظالمانه یا غیرانسانی و تحقیرکننده نیز شدیداً مخرب بوده، تا سال‌ها یا آخر عمر در وجود قربانی باقی می‌ماند. این پیامدها، امراض روانی، احساس قهر

¹ - کمیته حقوق بشر، تبصره عمومی شماره 7 "شکنجه و رفتارهای مجازات‌خشن غیرانسانی یا تحقیرکننده" 1982.

² - حق‌رهایی از شکنجه، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، نویسنده: محمد عالم عزیز، زمستان 1395. ص 5.

کم حوصله شدن، احساس شرم و گوشه گیری، احساس ناتوانی در مسائل روزمره زندگی، کم خوابی و ترسیدن در هنگام خواب و سایر تأثیرات روانی را شامل می گردد. بیشتر از ۵۵٪ از شکنجه شده گان مطابق گزارش تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر بعد از شکنجه شدن زود قهرمی شوند. و در حدود بیشتر از ۳۵٪ به افسردگی روانی مبتلا شده است. حداقل ۲۰٪ دیگر آنها مبتلا به کم خوابی می باشد. و یا در خواب شان احساس ترس می نمایند.

ج - تأثیرات اجتماعی:

در رابطه به تأثیرات روحی و روانی شکنجه به طور مفصل بحث شد. و تأثیرات سوء آنرا دانستیم. چون انسان در اجتماع زندگی می نماید و انسان همیشه تأثیر پذیر بوده و زود تحت تأثیر قرار می گیرد. و قیقه افراد در زندان قرار دارد و تأثیرات سوء زندان هم بالایش به طور زیاد اثر نموده و به گفته هموطنان ما انسان ها در زندان با تمام نوع جرایم آشنا شده و مسلکی می شود و به هر رقم مجرمین آشنایی پیدا نموده و از مفکوره های آن ممکن در آینده تقلید نماید. و در اجتماعیکه زندگی می نماید خلل زیاد در آینده وارد نماید. و قتیکه اجتماع تأثیر پذیر شد زندگی مردم به خطر مواجه شده و جامعه روحاً متولد مجرمین شده ممکن در آینده کمتر افرادی را سوراغ نمود که با جرم و مجرمی آشنایی نداشته باشد^۱.

مبحث پنجم - وجوه افتراق شکنجه و دیگر اعمال غیر انسانی:

در ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۴ تصریح شده که " درد ورنجی که از مجازاتهای غیر قانونی ناشی می شود ذاتی و لازمه است از شمول این تعریف خارج می شود در حالی که عنوان کنوانسیون و محتوای آن مجازات بیرحمانه، غیر انسانی و موهن را نیز شکنجه توصیف نمود. حال این سوال مطرح است که چه نوع درد ورنجی ذاتی مجازات قانونی است و چه موقع این درد ورنج بیرحمانه، غیر انسانی و موهن است

۱ - کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، جلوگیری شکنجه و حمایت از حقوق توقیف شده گان در افغانستان عاملی برای صلح، فبروری ۲۰۲۱، افغانستان، ص ۳۶.

و شکنجه تلقی می شود؟ ازسوی دیگر چنانچه حکومت های ملی در قوانین داخلی مجازاتهای شدید تر و تحقیر آمیزتری را مقرر نماید و به ذیل ماده یک استناد داد آیا میتوان اتهام نقض مقررات کنوانسیون را به آنها داد؟

سوال دیگری اینکه کنوانسیون در جهت حل این توهم آیا وارد قلمرو ملی نخواهد شد و این ماموریت ها را به قرارداد های دیگری احاله می دهد؟

تبادر این سوال و توهمات دیگر انتقادات برخی حقوق دانان را برانگیخت.

نویسنده کتاب " مسلمین و حقوق بشر " می گوید : این قید و استثناء ذیل ماده یک که از مجازاتهای قانونی صحبت می کند در واقع پایه های بنیان ممنوعیت شکنجه را لرزان میکند. چرا که کافی است مجازات رنج آوری هر چند شدید بوسیله قانون وضع شود تا مشروعیت پیدا کند و در واقع این نوع شکنجه مشمول ممنوعیت کنوانسیون نباشد.¹

در جهت حل این شبهه بنظر میرسد مجازات قانونی و درد و رنج مشمول ذیل ماده یک حد منطقی و معقول رفتار با متهم و محکوم است و درد و رنج مشمول شکنجه رفتار خارج از این حد و مرز میباشد. برای مثال " مجازات مضاعف " در واقع شکنجه و رفتار خارج از مجازات قانونی است. در محکومیت متهم به اعدام ممکن است نفس مجازات با رعایت آئین و نزاکت پذیرفته شده مشمول ذیل ماده یک شود. اما زجر و آزار خارج از قاعده متهم در مدت تحمل جزای اعدام وصف شکنجه پیدا کند. همین نتیجه در اعمال مجازات با اعمال شاقه نیز قابل پیش بینی است .

¹ - حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، چاپ اول، (انتشارات: اطلاعات و فرهنگ ایران، 1377)، ص

از جمله مجازات‌های که مشمول تعریف شکنجه میشود مجازات‌های خشن بدنی است. مجازات‌های بدنی از آثار قرون وسطی است.¹

کمیسیون حقوق بشر در سال‌های اخیر مجازات خشن بدنی را در ردیف شکنجه قرار داد. بند 9 قطعنامه شماره 1977/37 مورخ 11 آوریل 1977 به دولتها خاطرنشان ساخت که مجازات خشن بدنی می‌تواند برابر با مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرکننده یا حتی شکنجه باشد. از دیدگاه نمایندگان حقوق بشر مجازات‌های خشن ولوبا انعکاس در قوانین داخلی مشمول ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده 16 کنوانسیون منع شکنجه می‌باشد. برای مثال نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در گزارش سوم خود به اجلاس پنجاه و چهارم کمیسیون در مورد رعایت حقوق بشر در ایران ضمن اشاره به برخی پیشرفت‌ها به تعداد زیاد اعدام‌ها و شکنجه‌ها و مجازات خشن اعلام میدارد که حقوق بشر در ایران نقض می‌شود. این گزارش منتهی با عنوان وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران گردید.

به عقیده بسیاری از کشورها، مجازات‌های خشن و غیرانسانی مشمول تعریف شکنجه می‌باشد. دولت سویس بدنبال این هدف بود که تعریف شکنجه باید هم شامل اعمال شکنجه و هم رفتار یا مجازات خشن غیرانسانی و تزدیلی باشد. دولت ایالت متحده آمریکا هم با این نظر موافق بود که شکنجه هم شامل مصادیق مندرج در تعریف پیشنهادی و هم اشکال ضعیف تر آن است با این استدلال که نوع مهم‌ترین اشکال شکنجه است.

¹ - محمد فرنیاء، مجازات شلاق از نظر قضایی و اجتماعی، (انتشارات: مجله کانون وکلای مدافع ابران، 1327)، ص

الف- انجام آزمایشات الکترونیکی و غیرانسانی:

انجام آزمایشات الکترونیکی و غیرانسانی شیوه جدیدی است که شکنجه گران در برنامه عمل خود لحاظ کردند. این رسم غیراخلاقی بویژه در تحقیقات از مجرمین سیاسی و از سوی حکومت‌های دیکتاتوری شایع شده بود. وجدان عمومی، بکارگیری این شیوه ناپسند را بر نمی‌تابد. لذا ادله مرسوم و قانونی از آن فاصله گرفته است. لیکن همواره این سوال مطرح است که آیا توسل به این روش نوعی شکنجه تلقی می‌شود؟ تاریخ نشان می‌دهد که اینگونه شکنجه در تمدن‌های هند، چین، ایران و روم معمول بوده است. بسیاری از ممنوعیت‌های موجود علیه اینگونه آزمایشات نتیجه اعمالی است که داکتران نازی به کرات انجام دادند و در محکمه نورنبرگ افشا گردید.

در دوسیه معروف به "دوسیه دکتران" 23 متهم در نورنبرگ بر اساس قانون دهم شورای کنترل متفقین محاکمه و 16 نفر محکوم شدند.¹

هرچند بکارگیری آزمایشات غیرقانونی تعرض به کرامت انسانی است اما بعید بنظر نمی‌رسد که مقررات کنوانسیون منع شکنجه به آن تسری یابد. زیرا بطور مشخص و صریح به آن اشاره ای نشده است. لیکن مقررات راجع به حمایت از حیات و حرمت جمعیت غیرنظامی و نیز کنوانسیون‌های چهارگانه معروف ژنو و موافقت نامه‌های الحاقی به آن مبنی بر منع آزمایشات بر روی انسانها در طول جنگ انجام این قبیل آزمایشات را منع نموده اند.

¹ - حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه بشریت در منشور لندن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، (انتشارات: دانشکده علوم قضایی ایران)، ص 83.

ب- شکنجه و مجازات اعدام:

تا قبل از نفوذ مکاتب جزایی " مجازات اعدام " ابزار مهم و مؤثری برای گرفتن انتقام از مجرم بود و لذا در موارد زیادی اعدام مجرم صرفاً بمنظور سلب حیات وی نبوده ، بلکه علاوه بر آن ایذاء و عذاب محکوم به عنوان یک هدف اساسی مدنظر نظام حکومتی بود.

نحوه اجرای مجازات اعدام هم توأم با شیوه های خشنی بود که شکنجه و آزار محکوم را بدنبال داشت. با ظهور مکاتب جزایی و اعتراض صاحبان آن به این وضعیت ، نظامهای قانونگذار در سیاست توسل به مجازات اعدام تجدید نظر کردند و اجرای آنرا با ابزار مناسب که کمترین درد ورنج را بر محکوم وارد کند، تجدید اتخاذ نمودند. در مورد راحت ترین ابزار اجرای حکم اعدام اتفاق نظری از سوی کشورهای موافق اعدام بعمل نیامده است. پس از انقلاب کبیر فرانسه قانونگذاران انقلاب با الهام از نظریات علمی و طبیبی موجود در زمان خود بویژه با توجه به سوابق ذهنی ناشی از عرف و عادات "سربیدن" را راحت ترین وسیله اجرای اعدام تصویری کردند و معتقد بودند که با توسل به این نوع یک مرگ زود رس و عاری از شکنجه و عذاب به سراغ محکوم می آید. به همین منظور در ماده 3 قانون جزای 1791 فرانسه سربیدن برای محکومین به اعدام در نظر گرفته شد. و دکتر گیوتین اولین دستگاه قطع گردن را اختراع کرد. که برای اولین بار در 25 آوریل 1792 مورد عمل قرار گرفت. این روش در ماده 12 قانون جزای 1810 مورد موفقیت قرار گرفت.

در کشورهای تابع حقوق عرفی در دو قرن اخیر دانشمندان علوم جنایی با ارائه راههای مختلفی بدنبال اصلاح مجازات اعدام و اجرای آن با آلات و ابزاری بوده اند که در عین اینکه از محکوم از هاق

روح می کنند. هیچگونه دردی را بروی وارد نسازد وهم اینک بدنبال راههای جدیدی همچون آمپول های بدون درد برای ایجاد مرگ سریع هستند.¹

¹ - محمد ابراهیمسن ناتری، برسی تطبیقی مجازات اعدام، (انتشارات: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ایران، 1378)، ص 314.

فصل چهارم

دلایل ممنوعیت جرم شکنجه در شریعت اسلامی

قوانین ملی و بین المللی

که دارای سه مبحث به طور ذیل می باشد:

مبحث اول : ممنوعیت شکنجه در اسلام

مبحث دوم : ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی

مبحث سوم : ممنوعیت شکنجه در قوانین بین المللی

تمهید:

شکنجه یکی از پدیده های شوم در جامعه انسانی و حقوق جزا میباشد که کشور های زیادی به این مشکل دچار هستند و این عمل غیر انسانی توسط نهاد های امنیت ملی، پولیس و خارنوالی صورت میگیرد. شکنجه واژه ای است که سابقه دیرینه ای در تاریخ بشریت داشته و از آوان پیدایش روابط اجتماعی و مجازات ها برای جرایم، شکنجه نیز پدیدار گشته است. در طول ادوار مختلف تاریخ، شکنجه به گونه های متفاوتی مورد کاربرد قرار گرفته است و با گذشت زمان و ترقی بشر و تخنیک، شیوه های اعمال شکنجه نیز دگرگون و مترقی گردیده است. در گذشته ها شکنجه بخشی از مراحل تحقیق و استنطاق را تشکیل میداد که چنین صلاحیتی را مقامات عدلی و قضایی داشتند تا برای دریافت حقیقت در جرایم ارتكابی، شخص مظنون یا متهم را مورد شکنجه جسمی و روحی قرار میدادند.

متأسفانه علی الرغم اینکه اسناد بین المللی مصوب دول جهان شکنجه را جرم پنداشته و مرتکبین آن را بحیث مجرم و قابل مجازات میشناسد و دولت ها نیز به تبعیت از اسناد مذکور در قوانین ملی شان نیز اعمال هرگونه شکنجه را منع کرده و آنرا جرم شناخته است، مثلاً قانون جزای افغانستان که در ماده ۲۷۵ خویش شکنجه شخص توسط مؤظف خدمات عامه را جرم پنداشته و جزای آنرا معین نموده است که بعداً به آن میپردازیم. شکنجه یک مبحث مبسوط و وسیعی است که اقتضای مجال بیشتری را مینماید و ما هم در این مبحث همینقدر را کافی میدانیم^۱.

۱. تفسیرنامه اعلامیه جهانی حقوق بشر. ص ۳۸.

در مورد ممنوعیت شکنجه شریعت اسلامی نسبت به همه قوانین وضعی و کنوانسیون های بین المللی کوی سبقت را ربوده و پیش از همه شکنجه نمودن کسی را به خاطر اخذ اقرار و یا به خاطر اسباب دیگری حرام و منع نموده است، که در این مورد در مطلب ذیل به تفصیل می پردازیم:

مبحث اول : ممنوعیت شکنجه در شریعت اسلامی

نزدیکی و قرابت آدمی به خداوند جل مجده و اعقاد به کرامت و ارزش والای انسان، به "حقوق بشر" در نظام اسلامی موقعیت برجسته و ممتازی بخشیده است. در این مورد حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که می فرمایند: "عن أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : الخلق كلهم عيال الله فأحبهم إليه أنفعهم لعياله"¹.

ترجمه: مردم همه دودمان خداوندی هستند و محبوبترین آنان نزد خداوند سود بخش ترین آنان بر دودمان خداوندی است.

نور الدین هیثمی² در مجمع الزوائد در باب منزلت مومن آورده است: " قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "ليس شيء أكرم على الله عزوجل من المؤمن" ترجمه: هیچ چیزی نزد الله متعال گرامی تر از مومن نیست. و نیز در صفحه 82 از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده است که فرمود: " عن عبد الله ابن عمرو، قال: قال رسولُ الله صلى الله عليه وسلم: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ - جَلَّ ذِكْرُهُ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ ابْنِ آدَمَ» . قيل: يا رسولَ الله، ولا الملائكة؟ قال: «وَلَا الْمَلَائِكَةُ؛ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ مَجْبُورُونَ، بِمَنْزِلَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ»"³، ترجمه: هیچ چیزی در روز قیامت به نزد الله متعال

¹ - أخرجه أبويعلى (3315) (3370) (3478) ، والبزار (1949 - زوانده) ، والحارث (911 - بغية الباحث) ، والبيهقي في «الشعب» (7444) إلى (7447) من طريق يوسف بن عطية الصفار به. ويوسف هذا متروك.

² - معرفي نور الدين هيثمى: (735 - 807 هـ = 1335 - 1405 م) على پسر ابوبكر پسر سليمان هيثمى، ابو حسن، نور الدين، مصرى قاهرى، حافظ، كه داراى كتاب هاى در حديث و تخريج حديث مى باشد، از آن جمله: "مجمع الزوائد ومع الفوائد، مجمع البحرين في زوائد المعجمين و... (الاعلام للزركلى (266 / 4).

³ - هيثمى - نور الدين الهيثمى، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الكتب العلمية - بيروت، 1408 هـ.ق، (1 / 82).

گرامی تر از اولاد آدم نیست، پرسیده شد از پیامبر خدا حتی ملائکه هم گرامی نسبت به انسان گرامی نیستند فرمود: حتی ملائکه هم، چون ملائکه در انجام امور محوله و عبادت کردن همانند آفتاب و مهتاب تسلیم اراده تکوینی الله متعال هستند.

منشأ تشریح حقوق انسانی در اسلام، اراده خداوندی و نه تمایل دولت ها و نهاد های بین المللی است و از اینرو امکان حذف، تعدیل، نسخ و یا تعطیل در آن منتفی است؛ نظر به اینکه ابتدای احکام شرعی متضمن این حقوق، بر ضرورتهای فطرت آدمی است و از آن جا که اسلام دین مبتنی بر فطرت است؛ بدیهی است که متکفل تحقق این امر بوده، بر حمیات جدی از حقوق بشر اصرار ورزد و رعایت آنرا در زمره مهمترین واجبات بشمارد¹.

بنا بر این با توجه به شرافت و نفاست منزلت انسانی در معرفت دینی، شارع تحمیل هر گونه ایذاء ورنج بر دیگری را (اگر چه به صورت خفیفترین وجه ممکن باشد) موكداً ممنوع ساخته و ارتکاب هر رفتار موهنی که مغایر با شأن و منزلت انسان باشد را مورد نهی شدید قرار داده است². مکتب اسلام شدت زشتی این نحو رفتار را با رنج و ایذاء خداوند سبحان همسنگ قلمداد کرده است، چنانکه برخی در تفسیر این آیت از قرآن کریم که فرمود:

- طبرانی - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ لِلطَّبْرَانِيِّ، الْمُؤَلَّف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ)، تحقيق: فريق من الباحثين بإشراف وعناية د/ سعد بن عبد الله الحميد و د/ خالد بن عبد الرحمن الجريسي. (13 / 594).

¹ - پیامبر صلی الله علیه وسلم در حجة الوداع از جمله فرمود: "أيها الناس إن دماءكم وأموالكم وأعراضكم عليكم حرام"، إمام أحمد بن حنبل، مسند أحمد، دار صادر بيروت، (1 / 230) ونيز محمد بن اسماعيل بخاري، صحيح بخاري، دار الفكر، بيروت 1401، (1 / 24).

² - سيد سابق، فقه السنه، دار الكتب العربي، بيروت (3 / 466). "ويحرم ضرب المتهم لما فيه من اذلاله واهدار كرامته وقد نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن ضرب المصلين: أي المسلمين."

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾¹.

ترجمه: "کسانی که خدا و پیغمبرش را (با کفر و الحاد و سخنان ناروا) آزار می رسانند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت نفرین می کند (و از رحمت خود بی نصیب می گرداند) و عذاب خوارکننده ای برای ایشان تهیه می بیند".

ایذاء خداوند را رنجاندن دوستان خدا شرح کرده اند²، به موجب این دیدگاه، حقوق جزای اسلامی ضمن توصیف مجرمانه شکنجه و اهانت به دیگران، ارتکاب آنرا مستلزم پیگرد جزایی دانسته و این حرمت را به همه انسانها تسری داده است³.

ادله حرمت و ممنوعیت شکنجه: ادله ای ذیل (کتاب، سنت، آثار صحابه، فقه اسلامی و عقل) به روشنی بر تحریم و ممنوعیت تعذیب و شکنجه و هتک حرمت انسان دلالت دارد:

مطلب اول: ممنوعیت شکنجه در قرآن

برای ممنوعیت شکنجه در قرآن کریم به این فرموده الله متعال استدلال می شود: ﴿وَلَقَدْ

كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾⁴.

¹ - سوره احزاب: آیت 57.

² - زحیلی - التفسیر المنیر فی العقیدة والشريعة والمنهج، المؤلف : د وهبة بن مصطفى الزحيلي، الناشر : دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة : الثانية ، 1418 هـ.

³ - ایذاء غیر به کلام یا ضرب و غیر آن موجب تعزیر مرتکب با رعایت مراتب است. در این باره دیده شود: سرخسی - شمس الدین سرخسی، المبسوط، دار المعرفه، بیروت 1406 (24 / 24). در باره منزلت انسان در اسلام رجوع شود به " مجموعه سخنرانی های ارائه شده به سمینار بین المللی حقوق بشر در اسلام و مسیحیت " نشریه دانکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شماره: 27 سال: 1370.

⁴ - سوره اسرا: آیه 70.

ترجمه: ما آدمیزادگان را گرامی داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکبهای گوناگون) حمل کرده‌ایم، و از چیز های پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده ایم، و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده ایم.

عبد الله بن محمود نسفی¹ در مدارک التنزیل در تفسیر این آیه فرموده است: "این آیه تکریم نمودن الله متعال به انسان و برتری وی بر ملائکه و مخلوقات دیگر را بیان می نماید"²، بنا بر این شکنجه فعلی است که منافی تکریم انسان میباشد.

شکنجه فعلی است که معنای ایذاء را در بر دارد، از همین خاطر الله متعال از ایذاء و ضرر رساندن به مومنان منع نموده می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَاناً وَإِثْماً مُّبِيناً﴾³.

ترجمه: کسانی که مردان و زنان مؤمن را - بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند - آزار می رسانند، مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده اند.

در این مورد امام قرطبی رحمه الله می فرماید: "آزار دادن مردان و زنان مومن، با افعال و سخنان قبیح و زشت می باشد؛ مانند بهتان و دروغ و... " پس آزار جسدی با افعال و شکنجه جسدی

¹ - معرفی نسفی: (... - 710 هـ = ... 1310 م)، عبد الله بن احمد بن محمود نسفی، ابو برکات، حافظ الدین، فقیه حنفی و مفسر، نسبت وی به "نسف" از شهر های سند بین جیحون و سمرقند. (الاعلام للزرکلی 4 / 67).

² - نسفی - عبد الله بن احمد بن محمود نسفی، مدارک التنزیل و حقائق التأویل، دار الکتب الطیب، دمشق، ط 1، 1998 م، (2 / 269).

³ - سوره احزاب: آیه 58.

می باشد، و شکنجه روحی با سخنان زشتی می باشد که روح و عقل انسان را مورد تاثیر قرار می دهد¹.

الله متعال برای مجازات مرتکب جرم شکنجه، قصاص را مشروع ساخته است، طوری که الله متعال می فرماید: ﴿... وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ...﴾². ترجمه: و(حرمت شکنی های) مقدّسات دارای قصاص است.

وهمین طور الله متعال می فرماید: ﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...﴾³.

ترجمه: و در آن (کتاب آسمانی، تورات نام) بر آنان مقرر داشتیم که انسان در برابر انسان (کشته می شود) و چشم در برابر چشم (کور می شود) و بینی در برابر بینی (قطع می شود) و گوش در برابر گوش (بریده می شود) و دندان در برابر دندان (کشیده می شود) و جراحتها قصاص دارد (و جانی بدان اندازه و به همان منوال زخمی می گردد که جراحت وارد کرده است اگر مثل آن جراحت ممکن گردد و خوف جان در میان نباشد).

مشروع نمودن قصاص در نفس و اطراف دلیل است مبنی بر حرمت تجاوز بر آنها، و چون که شکنجه نیز تجاوز و جنایت بر ما دون نفس (اطراف) بوده، بناء حرام است⁴.

¹ - قرطبی - محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دمشق، (218 / 14).

² - سوره بقره: آیه 194.

³ - سوره مائده: آیه 45.

⁴ - عبد الحق، لخداری، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب ص 99.

آیات فوق با وضاحت دلالت بر وجوب احترام انسان، و بر ضرورت حفظ کرامت، نفس و جسد وی دارد، که شکنجه خلاف کرامت انسانی بوده و حفظ روح و جسد وی را ضرر می رساند، بناء حرام بوده و جایز نمی باشد، از همین جهت شریعت اسلامی ارتکاب شکنجه را جرم پنداشته و بر فاعل آن مجازات تعیین کرده است.

مطلب دوم: ممنوعیت شکنجه در سنت

واز احادیث نبوی درین مورد امام مسلم در صحیح خود از عروه بن زبیر تخریج نموده است که عروه بن زبیر فرمود: هشام بن حکیم بن حزام بر مردمی که در انباط (نام منطقه ای در شام سوریه امروزی) در زیر حرارت آفتاب استاده کرده شده بودند، گذشت، وگفت: این ها را چه شده است؟ گفتند: به خاطر عدم پرداخت جزیه بازداشت شده اند. پس هشام فرمود: شهادت می دهم که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: " إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا"¹. ترجمه: الله متعال کسانی را که مردم را شکنجه می کنند در دنیا، جزای شکنجه ای شان را می دهد.

امام نووی² رحمه الله در این مورد می فرماید: " حکم این حدیث در بر گیرنده شکنجه ای به نا حق است، و شکنجه و مجازات به حق مانند قصاص، حدود، تعزیرات و غیره داخل این حکم نمی

¹ - مسلم- صحیح مسلم، کتاب البر والصلة والآداب، باب الوعيد الشديد لمن عذب الناس بغير حق، حدیث شماره: 4733، (4 / 2018).

² - معرفی نووی: أبو زکریا یحیی بن شرف النووی (۶۳۱ قمری - ۶۷۶ قمری) مشهور به امام النووی عالم، مجتهد و محدث مسلمان برجسته شافعی بود. وی چندین کتاب در حوزه حدیث، سیره نبوی، و فقه تألیف کرده است. او هیچگاه ازدواج نکرد. (<https://islamic-content.com>).

شود¹، منظور دردها و آزاری است که هنگام تنفیذ مجازات شرعی پیش می‌شود، والبته زوری که قبلاً بیان شد این مشروع می‌باشد، و در دایره شکنجه مجرم داخل نمی‌شود.

و در روایت مشابه آن آمده است، که هشام بن حکم گروهی را در حال شکنجه دید، به نحوی که بر سر آ«ها روغن ریخته و آنان را در آفتاب نگه داشته اند، علت را پرسیده پاسخ شنید: این افراد را بدلیل عدم پرداخت خراج اینگونه مورد ایذاء و رنج قرار می‌دهند. وی گفت بدانید من از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: "إن الله يعذب الذين يعذبون في الدنيا"².

این حدیث دلیل است مبنی بر حرمت شکنجه؛ چون که الله متعال مجازات می‌کند کسی را که مردم را در دنیا شکنجه می‌کند، زیرا که شکنجه‌گر مرتکب فعل حرام شده، و الله متعال کسی را به ناحق مجازات نمی‌کند مگر اینکه فعل حرامی را مرتکب شود³.

و بر ممنوعیت شکنجه آنچه که ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده است نیز تاکید می‌کند، که پیامبر صلی الله علیه وسلم گروهی را فرستاد و برای شان فرمود: "إن وجدتم فلانا وفلانا - لرجلین من قریش - فأحرقوهما بالنار"، ثم قال رسول الله - صلی الله علیه وسلم - حين أردنا الخروج: "إني كنت أمرتكم أن تحرقوا فلانا وفلانا بالنار، وإن النار لا يعذب بها إلا الله تعالى، فإن وجدتموهما فاقتلوهما"⁴.

¹ - نووی - ابو زکریا یحیی بن شرف، شرح النووی علی صحیح مسلم، دار السلام، القاہرہ ، (5 / 129).

² - مسلم بن حجاج نیشاپوری، (8 / 22). احمد بن حنبل، (3 / 404).

³ - محمد ایمن الجمال، اصول الفقه والقانون، مطبعة جبل، البيضاء، ليبيا، ط 1، 2006م، ص 92 - 93.

⁴ - سند این حدیث بر شرط شیخین صحیح است.

وآخرجه البخاري (3016)، وأبو داود (2674)، والترمذي (1571)، والنسائي في "الكبرى" (8613)، وابن الجارود (1057)، والبيهقي في "المعرفة" (17930)، وفي "السنن" 71/9، والبغدادي في "الأسماء المبهمة" ص 460-461، وابن بشكوال في "غوامض الأسماء المبهمة" 119/1 من طرقٍ عن الليث بن سعد، بهذا الإسناد.

ترجمه: "اگر فلان و فلان - اشاره به دو فردی از قریش نمود - را یافتید پس آن دو را در آتش بسوزانید، اما وقتی که می خواستیم برای تنفیذ امر بیرون شویم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: " من شما را امر نمودم که فلان و فلان را با آتش بسوزانید، اما تنها با آتش الله متعال عذاب می کند، پس اگر آنها را یافتید، بکشید شان".

در این مورد ابن حجر¹ عسقلانی می فرماید: " خبر به معنای نهی می باشد... و حکم نهی مجرد از قرینه صارفه تحریم می باشد"²، که این حدیث دلیل بر تحریم شکنجه توسط سوزاندن می باشد، اگر چه این کار از متطلبات جنگ هم باشد، چون سوزاندن توسط آتش مختص الله متعال می باشد نه غیر وی.

و آنچه در خطبه حجة الوداع آمده است: " در صحیح بخاری و مسلم و غیره ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم روز نحر(عید قربان) به مردم سخنرانی ایراد نمودند و چیز مهم و بزرگی که بر آن تأکید نمودند حرام قرار دادن خون، مال و آبروهای مسلمانان بود، همچنین چندین صحابی دیگر نیز این حدیث را روایت نموده اند، از جمله ابن عباس - رضی الله عنه - از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم در روز عید قربان(یوم النحر) به مردم چنین خطاب فرمودند: (ای مردم! این کدام روز است؟ گفتند: روز حرام. فرمودند: این کدام شهر است؟ گفتند: شهر حرام. فرمودند: این کدام ماه است؟ گفتند: ماه حرام. فرمودند: همانا خون و مال

¹ - معرفی ابن حجر: ابْنِ حَجْرٍ عَسْقَلَانِي، شهاب الدين ابوالفضل احمد بن علي بن محمد بن محمد بن علي بن احمد بن محمود بن احمد حجر عسقلانی کنانی مصری (۲۲ شعبان ۷۷۳ - ذی قعدة ۸۵۲ق/۱۶ فوریه ۱۳۷۲ - ژانویه ۱۴۴۹م)، یکی از علمای بزرگ حدیث و فقه شافعی، مؤرخ و شاعر می باشد. (سخاوی، محمد، ج ۲، ص ۳۶-۴۰، الضوء اللامع، قاهره، ۱۳۵۴ق).

² - ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹، (10 / 175).

وآبروهای تان بر شما حرام است مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما و در این ماه شما. این عبارات را چندین بار تکرار نمودند، سپس سرشانرا بلند نموده فرمودند: خداوندا! آیا تبلیغ نمودم؟ خداوندا! آیا تبلیغ نمودم؟ ابن عباس رضی الله عنه میفرماید: قسم به ذاتیکه جانم بدست اوست همانا این سخنرانی وصیتی است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم به امتش توصیه نمودند، - پس باید آنکه در اینجا حاضر است این پیام را به آنکه حضور ندارد برساند، بعد از من کافر مشوید که گردن یکدیگر را بزنید).¹

ابن حجر به عنوان تعلیق در این باب می گوید: مسلمان در مصونیت است مگر در حد و حقی، به این معنی که " بنده نباید مورد ضرب و شتم و تحقیر قرار گیرد، مگر در صورت ارتکاب جرمی که جزای آن حد میباشد و یا در تعزیرات به خاطر تادیب وی"²، که این حدیث دلیل بر تحریم مطلق شکنجه می باشد.

و بر این موضوع این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز تاکید می کند: " لا ترعوا المسلم، فإن روعة المسلم ظلم عظیم"³. ترجمه: مسلمان را وحشت نکنید، زیرا ترسانیدن یک مسلمان ظلم بزرگی است. پس اگر ارباب شدید باشد، باعث ترس و وحشت شخص می شود، و این شکنجه روحی بوده و دارای عواقب غیر مناسب می باشد.

1- صحیح بخاری شماره (1739) .

۲- ابن حجر، فتح الباری، (7 / 75) .

۳- روی أحمد فی مسنده ج 5 ص 362 قال رسول الله (ص) لا يحل لمسلم أن يروع مسلماً، وكذلك روی بهذه الصيغة في سنن أبي داود ج 2 ص 478 وفي السنن الكبرى للبيهقي ج 10 ص 249 وفي معجم الزوائد ج 6 ص 254 وفي المعجم الأوسط للطبراني ج 2 ص 188 وروي في معجم الزوائد ج 6 ص 253 هكذا: (لا ترعوا المسلم فإن روعة المسلم ظلم عظیم) .

این ممنوعیت هر گونه ایذاء و آزار مانند حبس و دست بند زدن به دیگری را شامل می گردد، چنانکه از ابن مسعود نقل شده است که: " عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: « لَا يَحِلُّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ التَّجْرِيدُ، وَلَا مَدٌّ، وَلَا غَلٌّ، وَلَا صَفْدٌ »"¹.

ترجمه: " در این امت، عریان کردن برای زدن، به چهار میخ کشیدن، کند و زنجیر کردن و دست بند زدن جایز نمی باشد".

همه این احادیث و موارد دیگر ممنوعیت شکنجه را به طور کلی تأیید می کنند و منع صدمه زدن به شخص در بدن، روح، مال و ناموس وی را تأیید می کنند، زیرا اینها حرماتی اند که تجاوز به آنها مجاز نیست.

¹ - المعجم الكبير للطبرانی، (9 / 340).

مطلب سوم: ممنوعیت شکنجه در فقه

به طور کلی تعذیب و ایداء انسان نسبت به انسان دیگری به عنوان اولی در شرع، حرام بوده و نزد عقل و عقلاء قبیح و ظلم است و بنابراین هیچ کس نباید دیگر افراد بشر را به هر شکلی مورد عذاب و اذیت قرار دهد. این موضع‌گیری کلی در قبال تعذیب حکم تمامی فقها بوده و بر آن دلایل نقلی و عقلی متعددی اقامه می‌نمایند. چنین موضعی به شکل کلی شامل دو شق اول مصداق تعذیب (یعنی تعذیب انسان نسبت به انسان دیگر و انسان نسبت به حیوان) و شق اخیر آن (یعنی تعذیب افراد توسط دولت با عوامل دولتی) یا به طور دقیق‌تر تعذیب به معنای شکنجه به عنوان مصطلحی حقوقی می‌شود اما وقتی به گونه‌ای دقیق، نظر فقها در ارتباط با حکم شکنجه (به معنی اصطلاحی) را ملاحظه می‌نماییم با دو روی‌کرد متفاوت مواجه می‌شویم؛ نخست روی‌کرد فقهای که شکنجه افراد توسط حاکم (دولت) را تنها در برخی موارد خاص جایز می‌دانند^۱.

دوم روی‌کرد فقهای که ممنوعیت و حرمت شکنجه را به طور مطلق دانسته و در هیچ شرایطی بهره‌گیری از چنین شیوه‌ای را مجاز ندانسته و آن را حرام می‌دانند^۲.

تفاوت نظرات فقها

ظاهراً تفاوتی در حکم این مسأله از حیث مذهب، جنسیت، رنگ، نژاد و سایر خصوصیات وجود ندارد و شکنجه انسان چه مرد باشد یا زن، کافر یا مسلمان، سفیدپوست یا رنگین پوست و.... به طور

^۱ - سید محمد، حسینی شیرازی، الفقه، ج ۴۷، ص ۱۹۷، موسوعة استدلالیة فی الفقه الاسلامی، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۰۹ ق، الطبعة الثانية.

^۲ - کاسانی، بدائع الصنائع، (6 / 184).

یکسان حرام بوده و جایز نیست. نه تنها شکنجه انسان حرام و غیر جایز است بلکه حتی تعذیب حیوان نیز از منظر فقهی بدون غرض عقلایی و مشروع حرام بوده و جایز نیست.¹

علاوه بر این، تفاوتی در حکم مساله از این جهت که شکنجه از کدام یک از اقسام شکنجه اعم از شکنجه جسمی و فیزیکی نظیر زدن، قطع اعضا، جرح و از بین بردن منافع.... یا شکنجه غیر جسمی و روحی نظیر به کارگیری کلام زشت، دشنام، تمسخر و.... باشد، وجود ندارد.

در این امر که اعتراف و اقرار ناشی از شکنجه از حیث شرعی فاقد ارزش و اعتبار است نیز اشکالی وجود ندارد و این مساله نیز مورد اتفاق بوده و تایید این حکم در روایاتی که بر رفع آنچه بدان مکره شده اند آمده و در روایات مستفیضه متعددی نیز بطور مستقل مورد تاکید قرار گرفته است.²

فقه اسلامی شکنجه را عملی خلاف آموزه های قوانین اسلامی می داند، به همین دلیل است که فقها این عمل را در زمره اعمال بزهکارانه نسبت به مادون نفس (اطراف) قرار داده و آن را عمل حرام دانسته اند. و وقتی فقها در باره حکم شکنجه متهم برای اعتراف بحث میکنند، این مورد را مورد مطالعه بیشتر قرار میدهند.

¹ - ابن عابدین، محمد بن امین بن عمر بن عبد العزیز، حاشیه ابن عابدین علی الدرر المسماة رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، 1974م، (8 / 105).

² - وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية الكويتية، الموسوعة الفقهية، (12 / 242).

مبحث دوم : ممنوعیت شکنجه در قوانین ملی

قانون اساسی افغانستان نیز مؤید ممنوعیت شکنجه و عامل هرگونه عمل به منظور کشف حقایق میباشد. و شکنجه و رفتارهای ظالمانه غیرانسانی را به طور مطلق ممنوع دانسته و بامرتکب آن برخورد جدی می نماید.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است. (ماده بیست و نهم)

اظهار "اقرار و شهادت که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد. (ماده 30 قانون اساسی افغانستان)¹.

مظنون و متهم تحت هیچگونه فشار روحی و جسمی قرار گرفته نمیتوانند. (بند 4 ماده 5 قانون اجراء جزایی موقت)

اظهار "اقرار و شهادت که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد. (بند 2 ماده 13 قانون اجراء جزایی عسکری)

1- هرگاه موظف خدمات عامه متهم را به منظور گرفتن اعتراف شکنجه نماید و یا به آن امر نماید به حبس طویل محکوم میگردد. (ماده 275 قانون جزای افغانستان)

2- اگر متهم در نتیجه شکنجه به قتل برسد "مرتکب به جزای پیشینی شده قتل عمد درین قانون محکوم می گردد.

- وزارت عدلیه، "قانون اساسی"، جریده رسمی، شماره 103 (کابل: مطبعه دولتی 1382)، ص 8. ¹

هرگاه موظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خودباشخص طورشدت و خشونت رفتارنماید که موجب آلام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت اوگردد حسب احوال به حبس که ازدوسال بیشترنباشد یا جزای نقدی که از(24000) هزارافغانی تجاوزنکند محکوم میگردد.(ماده278ق ج).

علي الرغم اینکه شکنجه به موجب اسناد بین المللی و قوانین افغانستان ممنوع گردید است اما باز هم شکنجه وجود دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در یک گزارش تحقیقی در باره (علل شکنجه در نهاد های مجری قانون) مینویسد که هنوز هم رقم شکنجه شده گان در افغانستان در حد بالایی قرار دارد. نهاد هایی که در افغانستان شکنجه را اعمال مینمایند توأم با فیصدی اعمال آن عبارت اند از: پولیس (65.1%) ، امنیت ملی (14.8%) ، حارنوالی (2%) ، مسؤولین محبس (2.8%) ، مسؤولین نظارتخانه (4%) ، اردوی ملی (0.2%) و دیگر (10.6%)¹.

در کنار مسئله فوق باید دانست که شکنجه بنا بر چه عللی اعمال میگردد، یک مسئله آشکار است که شکنجه در کشور های مختلف بنا بر عوامل مختلف ارتکاب میابد اما در ارتکاب این جرم تقریباً علل مشترک سهیم است. در کشور افغانستان مشخصاً بنا بر علل ذیل شکنجه صورت میگیرد: کسب اقرار و اعتراف، نبودن وسیله اثبات جرم، خصومت شخصی، فساد اداری و منفعت مالی، عدم آگاهی مسؤلان از حقوق مظنونین و متهمین، عدم آگاهی مظنونین از حقوق خودشان، عدم پیگیری قضایای شکنجه، وجود خلاهای قانونی در مورد شکنجه و قلت کادر های مسکلی در ارگان های کشف و تحقیق.

کود جزای ۲۰۱۸ با ارائه ی تعریفی که کلاً در همخوانی با عناصر مندرج کنوانسیون منع شکنجه قرار دارد (ماده 450)، عمل شکنجه را منع قرار می دهد. کود جزاء حتی "خشونت" به شمول رفتار خشن، توهین آمیز یا تحقیر آمیز از سوی موظف خدمات عامه در برابر هر فرد را جرم انگاری نموده

^۱ - جلوگیری شکنجه و حمایت از حقوق توقیف شده گان در افغانستان، کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، فبروری 2021، افغانستان. ص 18.

است (ماده 448). به همین ترتیب قانون منع شکنجه در سال 2018 عمل شکنجه را منع قرار می دهد

(ماده 6) و صراحت دارد که هیچ استثناء برای این ممنوعیت وجود ندارد (ماده 7)¹. فرمان شماره 129 ریاست جمهوری که در سال 2013 صادر شد، یکبار دیگر روی ممنوعیت شکنجه به اساس قانون اساسی تاکید نموده و مشخصا به وزارت داخله، ریاست امنیت ملی و اداره لوی بخارنوالی هدایت می دهد که "از شکنجه یا بدرفتاری مظنونین یا افراد تحت توقیف در جریان استنطاق و توقیف خود داری نمایند"².

¹ - کمیته منع شکنجه در مورد مجازات خفیف که برای جرم شکنجه در کود جزا (ماده 451) از 3 الی 5 سال حبس را در نظر شده است، ابراز نگرانی نمودند. کمیته منع شکنجه، تشریحات نهائی در مورد گزارش دوره ئی دوم افغانستان (سال 2017)، فقره 23.

² - فرمان شماره 129 (مورخ 16 فبروری 2013) رئیس جمهوری اسلامی افغانستان جهت تطبیق پیشنهادات هیئت حقیقت یاب در مورد موجودیت شکنجه و بدرفتاری در توقیف خانه ها.

مبحث سوم : ممنوعیت شکنجه در قوانین بین المللی

حق مصونیت از شکنجه یکی از جنجالیترین حقوق متهم میباشد که حتی کشور های مرفعی و متمدن جهان به آن آلوده بوده و با آن دست و پا نرم مینمایند. شکنجه در قدوم اول در عرصه بین المللی مورد تحریم قرار گرفت اما این مسئله کافی نبود و کشور ها تلاش کردند که این عمل غیر انسانی را مورد منع و مرتکبین آنرا مورد مجازات قرار دهند. مهمترین دستاورد بین المللی در این راستا معاهدات ذیل میباشدند: (اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و رفتارهای ظالمانه) و اسناد منطقه ای مانند اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ... میباشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده 5 خویش شکنجه را منع قرار داده چنین مقرر مینماید. (احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتار های قرار داد که ظالمانه ویا برخلاف انسانیت و شؤن بشری یا موهن باشد.)

اعلامیه اسلامی حقوق بشر این عمل را ممنوع اعلام نموده چنین مینویسد: (دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هیچ انسانی جایز نیست، مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او به گونه حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد) ماده 20 اعلامیه کنفرانس کشورهای اسلامی¹

هیچ کس را نمیتوان مورد آزار و شکنجه ویا مجازات ها یا رفتار های ظالمانه یا خلاف انسانیت یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش های پزشکی یا عملی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است (ماده 7 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی)

1. اعلامیه کنفرانس کشورهای اسلامی ، ماده 29.

اعمال شکنجه را کنوانسیون حقوق اطفال نیز ممنوع قرار داده و مصونیت طفل از آنرا حق وی دانسته است. ممنوعیت شکنجه، سرزنش، برخورد ظالمانه، مخالف حق طفل است.

در آخر باید عرض نمود که حق مصونیت از شکنجه در کنوانسیون مربوطه نیز مورد تأکید قرار گرفته و حاوی متون مبسوطی است که مجال تذکر آن در پایان نامه هذا نیست. این کنوانسیون دول متعاقد را ملزم مینماید که؛ تمام انواع شکنجه را در سیاست و نظام جزایی خویش جرم بپندارند و مرتکب آنرا قابل مجازات بدانند، اقدامات مؤثر قضایی را جهت جلوگیری از شکنجه اتخاذ نمایند، دولتها نمیتوانند حالت جنگ، اضطرار، بی ثباتی سیاسی، نا امنی و دیگر مواردی را دلیلی برای توجیه شکنجه بدانند و سایر موارد مهم دیگری در رابطه به منع شکنجه.

بموجب قسمت 3 بند 1 ماده 2 قانون شماره 10 شورای کنترل "بند 6 ماده 5 اساسنامه دیوان کیفری بین المللی برای روند" و قسمت 6 بند 1 ماده 7 دیوان کیفری بین المللی "شکنجه بعنوان یک جنایت علیه بشریت منع شده است .

بموجب حقوق بین المللی عرفی "شکنجه عبارتست از تحمیل عمدی درد یا رنج شدید جسمی یا روحی بر قربانی توسط یک مقام دولتی یا شخص در حال عمل به وظایف رسمی یا بارضایت یا توافق یک مقام رسمی یا شخص که در یک سمت رسمی عمل می نماید.

بموجب جزء (ج) بند 1 ماده 2 قانون شماره 10 شورای نظارت "شق (و) ماده 5 اساسنامه محکمه یوگسلاویای سابق" شق (و) ماده 3 اساسنامه محکمه رواندا و سرانجام جزء (و) بند 1 ماده 7 اساسنامه دیوان شکنجه از مصادیق شکنجه جنایت بر ضد انسانیت دانسته شده است.

۱- اعلامیه و میثاق حقوق بشر:

اعلامیه جهانی حقوق بشر تاریخ دهم دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۹ عقرب ۱۳۲۷ شمسی در شهر پاریس به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. مجمع عمومی آنرا بعنوان (مقیاس مشترک کمال برای همه ملل متحد) تصویب و به جهانیان آگهی کرد.^۱

اعلامیه مزبور دارای دو بخش اصلی است. بخش اول مقررات مربوط به آنچه که بعدها تحت عنوان (حقوق مدنی و سیاسی) قرار گرفت و بخش دوم ناظر بر آنچه که بعدها تحت عنوان (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قرار گرفت.

هرچند اعلامیه الهام بخش تهیه و تصویب تمام اسناد و متونی قرار گرفت که در موضوع حقوق بشر تنظیم یافته، اما خود حاوی تعهدات الزام آور برای دولتها عضو نیست و لذا برخی اعتقاد دارند اعلامیه یک سند اخلاقی تلقی می شود.

در مواد مختلف اعلامیه به جلوه های مختلف حقوق بشری اشاره شده است. ماده ۵ در مورد شکنجه مقرر میدارد: (احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری باشد). و ماده ۱۴ مقرر میدارد.

۱- (هرکس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند).

۲- در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی بر جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی توان از این حق استفاده نمود).

- بهمن آقایی، فرهنگ حقوق بشر، (انتشارات: گنج دانش، چاپ اول ۱۳۷۶)، ص ۱۵. ^۱

عمده انتقاداتی که بر اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد شد حول سه محور بود: ۱- ضعف جهان شمول اعلامیه. ۲- عدم مشارکت کشورهای جهان سوم در امر تدوین و تهیه آن ۳- ناکارایی و فقدان پشتوانه اجرایی.

اما این انتقادات بی پاسخ نماند. از جمله (خوزه دایوکنو) بزرگترین فعال حقوق بشر در جهان سوم تر ناکارآمدی حقوق بشر در کشورهای در بند فقر و جهان سوم را مستدلاً رد نمود.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی شامل یک مقدمه و ۵۳ ماده در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ طی قطعنامه شماره (A/۲۲۰۰) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید که ویژه گیهای ممتاز آن وجود تضمینات حقوقی است.

در بخش سوم میثاق، حقوق ماهوی افراد ذکر گردید. منع شکنجه و مجارت یا رفتار بیرحمانه، غیر انسانی و موهن، حق آزادی و امنیت شخصی، مصئونیت حیثیت و شرافت انسانی از هرگونه تعرض، از جمله تضمینات حقوقی است.

میثاق یک نهاد نظارتی بمنظور کنترل گزارش دولتهای عضو در موضوع شکنجه و رسیدگی به آن در نظر گرفت. این نهاد تحت عنوان (کمیته حقوق بشر) در ماده ۲۸ پیش بینی گردید.

۲- اعلامیه حمایت از همه افراد در مقابل شکنجه:

اعلامیه مزبور در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ طی قطعنامه (28 ماده ای) ۳۴۵۲ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. در بند الف و ب ماده یک شکنجه تعریف شده است که در بحث مربوطه به اشاره خواهد شد.

۳- نظامنامه رفتاری ماموران اجرای قانون:

نظامنامه مزبور از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ تصویب شد. این نظامنامه برای اجرای بهتر قطعنامه شماره ۳۴۵۲ مصوب دسامبر

۱۹۷۵ تنظیم یافت. مخاطب آن مامورین اجرای قانون میباشند که بیش از همه درمضان اعمال شکنجه و رفتارهای خشن و ظالمانه قرار دارند.

۴- مجموعه اصول حمایت از اشخاص تحت توقیف و حبس:

مجمع عمومی بمنظور بسط و توسعه مصونیت افراد از اعمال خشونت آمیز و شکنجه و سورتار مبادرت به صدور قطعنامه مذکور نمود. این قطعنامه بشماره ۴۳/۱۷۳ در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ به تصویب رسید. حقوق ماهوی که در این قطعنامه برعایت آن تاکید شده حق کرامت انسانی، تمامیت جسمانی، حق آزادی و بهره مندی از مواهب طبیعی و خدادادی است.

۵- کنوانسیون حقوق کودک:

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اجلاس مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را تصویب نمود اما بمنظور اعطای امتیازات بیشتر در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک را تصویب نمود. در حال حاضر بیشتر کشورهای جهان عضو این کنوانسیون هستند اما برخی کشورهای اسلامی با تلقی مغایرت برخی مواد آن با شریعت اسلامی از عضویت در آن خودداری نمودند. جهات مغایرت، به رسمیت شناختن وضعیت حقوقی (کودکان نامشروع) در کنوانسیون و توصیه (فرزند خواندگی) است.^۱

۶- کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴:

فکرتدوین این کنوانسیون در نشست سی ام مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح گردید. دو سال بعد از این نشست، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ای از کمیسیون حقوق بشرخواست تا بر مبنای بیانیه قبلی پیش نویس طرح را تدوین کند. در سال ۱۹۷۸ در جلسه سی و چهارم کمیسیون

- شریین عبادی، حقوق کودک، چاپ چهارم، (انتشارات: کانون وکلای مدافع ایران، ۱۳۷۷)، ص ۱۸۳.^۱

حقوق بشر، سوئد و (انجمن بین المللی حقوق جزا) پیش نویس طرح منع و سرکوب شکنجه را ارائه دادند.

از آنجائیکه پیشنهاد ارائه شده توسط انجمن حمایت کافی را بدست نیاورد از طرف گروه کاری متن سوئدی به کشورهای عضو فرستاده شد تا نظرات تفسیری آنها اخذ شود.

کمیسیون سرانجام در نشست چهلیم نتیجه کار را ارائه داد. مجمع عمومی در سال ۱۹۸۴ پیش نویس را پذیرفت. و کنوانسیون در ۲۶ جون ۱۹۸۷ به اجرا گذاشته شد.

در مواد مختلف کنوانسیون به مبانی تدوین آن، تعریف شکنجه و آثار حقوقی مرتب بر آن، صلاحیت و مسئولیت دولتها و (کمیته ضد شکنجه) اشاره شده است.

7- شورای اروپا:

شورای اروپا یک سازمان منطقه ای است که در سال ۱۹۴۹ مرکب از کشورهای غیر کمونست تشکیل شده است. شورای اروپا در کنار سازمان وحدت افریقا (O.U.N) و سازمان دولتهای امریکایی (O.A.S) تنها سازمانهای منطقه ای هستند که با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر نهادهای دائمی برای دفاع از حقوق بشر تاسیس کردند.

شورای اروپا دو مصوبه مهم در زمینه حقوق بشرو منع شکنجه صادر نمود. اولی (کنوانسیون اروپایی حقوق بشرو آزادی های اساسی) مصوب ۴ نوامبر ۱۹۵۰ بود که اجرای مقررات آن توسط دو نهاد مهم یعنی (کمیسیون اروپایی حقوق بشر) و (دادگاه اروپایی حقوق بشر) تضمین میشود.

دومین مصوبه (معاهده اروپایی منع شکنجه و کیفرها یا رفتارهای غیر انسانی یا تحقیر آمیز) است. برای اجرای بهتر معاهده کمیته منع شکنجه (C.P.T) تاسیس شد. C.P. در سال ۱۹۸۷ با ۴۱ عضو تاسیس شد و به فعالیت خود ادامه می دهد.

اما علی رغم فعالیت C.P.T و دیگر نهادهای ناظر بر امر حقوق بشر، شکنجه به اشکال جدید در بسیاری از مناطق رایج است. برخورد آریل شارون با بازداشتی های فلسطینی توام با انواع رفتارهای بیرحمانه و غیرانسانی است. تا حدی که سازمان ملل متحد پذیرفت درکنار کمیساریای عالی حقوق بشر و زیرنظر مجمع عمومی کمیته ویژه بررسی اقدامات اسرائیل که برحقوق بشر مردم فلسطین اثر میگذارد، را فعال نماید.

اخیرا سازمان عفو بین الملل در نامه به سازمان ملل متحد رژیم اسرائیل را به اعمال رفتار ناخوشایند و خشونت آمیز نسبت به فلسطینی ها در اردوگاههای کرایه باختری رود اردن متهم نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اول - نتیجه‌گیری:

شریعت اسلامی، هر گونه تعذیب و تحمیل رنج بر دیگری را مغایر با شرافت و نفاست آدمی تلقی نموده و بر خلاف برخی میثاقهای بین المللی که تحقق شکنجه را به آزار ورنج "شدید" منحصر کرده اند شریعت اسلامی کمترین ایداء را نیز، ممنوع ساخته است.

اگر چه مستندات این حرمت از هر گونه تردید و تشکیک بدور بوده، بر ادله چهار گانه متکی است. با وجود این برخی از فقهای اسلامی در موارد خاص قایل به جواز ایداء متهم شده اند، لکن این امر هرگز به معنی مشروعیت شکنجه نخواهد بود؛ زیرا با دقت در موجبات مشروعیت تعذیبات مزبور در آرای این گروه، این نحو از تعذیبات در واقع گاه واکنشی است که نسبت به جرم مستمر در حال وقوع اعمال می‌گردد و گاه مجازات جرمی است که متهم به آن بوده و قاضی مبتنی بر علم خویش وقوع آن را احراز کرده است. از این رو عدم التفات به مقدمات و موجبات مشروع محدودیت‌ها و آزارهای اعمال شده، توهم جواز شکنجه متهم را برانگیخته است.

بعلاوه حقوق اسلام ضمن حمایت جدی از حقوق بزه دیدگان و اتخاذ تدابیر لازم به منظور ترمیم صدمات وارد بر آنها، هر گونه اعتراف و اقرار ناشی از شکنجه را غیر نافذ و فاقد اثر حقوقی قلمداد کرده و به این نحو انگیزه تمایل مرتکب به اعمال شکنجه را بطور مؤثر محدود ساخته است.

دوم - پیشنهادات:

در اخیر موارد ذیل را به عنوان پیشنهاد ابراز داشته تا عملی گردد:

به دفتر ریاست جمهوری، شورای عالی حاکمیت قانون، وزارت عدلیه و به پارلمان

۱. تعدیل قانون اجراءات جزائی به گونه ای صورت گیرد تا هر فردیکه گرفتار میگردد طی ۴۸ ساعت نزد قاضی آورده شود تا موارد ذیل: (الف) قانونی بودن گرفتاری، (ب) نیاز برای توقیف بیشتر، و (ج) هر گونه بد رفتاری در جریان دستگیری و یا توقیف بعدی بررسی گردد. زمان آوردن اطفال نزد قاضی باید ۲۴ ساعت باشد.

۲. تعدیل قانون اجراءات جزائی به نحوی صورت گیرد تا در اخذ اظهارات یک مظنون، برای ارگان های کشفی رهنمود واضح فراهم گردد. رهنمود متذکره باید پیروی از اصل برائت الذمه و الزامیت توضیح حقوق مظنونین، قبل از اخذ اظهارات، منجمله حقوق برائت الذمه را، سکوت در برابر خود مقصر شماری و مساعدت حقوق را شامل باشد.

۳. تعدیل قانون اجراءات جزائی عسکری به گونه ای صورت گیرد تا قانون اجراءات جزائی بجای قانون اجراءات جزائی عسکری، هر گاهی که پرسونل نیروهای ملی امنیتی افغانستان مطابق به ماده 450 کد جزا به جرم شکنجه متهم می شوند، تطبیق گردد.

به ستره محکمه:

1. صدور هدایات واضح به قضات جهت حصول اطمینان از اینکه هر گونه اظهارات یک متهم که در محکمه مورد استفاده قرار می گیرد باید کاملاً آگاهانه و به رضایت متهم باشد و اطمینان از این که اظهاراتی که بطور اجبار و سایر شیوه های غیر قانونی اخذ گردیده، بحیث شواهد، در هیچ حالت، در اجراءات محکمه قابل پذیرش نمی باشد.

2. صدور هدایات واضح به قضات جهت کاهش اتکاء بالای اعترافات در محکوم کردن متهم ودر خواست شواهد اثبات کننده از مقامات تحقیق.

به دفتر لوی خارنوالی:

1. افزایش آموزش تخنیک های یازجویی غیر اجباری برای خارنوالان و کاهش اتکاء بالای ارگان های کشفی جهت اخذ اظهارات مظنونین.
2. حصول اطمینان از اینکه ماده 8 قانون اجراءات حزایی در مورد حقوق مظنونین و متهمین بطور مؤثر تطبیق شده و انجام ثبت لازم تحت این ماده قابل دسترس عموم قرار داشته باشد.

فهرست آیات احادیث و اعلام

فهرست آیات های قرآنی

شماره	آیات	سورت	صفحه
1	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا	اسراء / 70	1، 46، 107
2	وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ	نجم / 38	16
3	الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ....	نساء / 34	19
4 وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا	اسراء / 15	31
5	وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ	بقره / 49	41
6	وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...	مائده / 45	98
7	إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا	احزاب / 57	96
8	وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا	احزاب / 58	108
9	... وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ ...	بقره / 194	108
10	وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...	مائده / 45	74
11			

فهرست احاديث نبوی (صلى الله عليه وسلم)

شماره	حديث	صفحه
1	"كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهِ حَيًّا"	23
2	«اغزُوا بِاسْمِ اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ، اغزُوا وَلَا تَغْدِرُوا، وَلَا تَغُلُّوا، وَلَا تُمَثِّلُوا، وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا»	24
3	نهى عن النهبى والمثلة	24
4	عن أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : الخلق كلهم عيال الله فأحبهم إليه أنفعهم لعياله	104
5	ليس شئى أكرم على الله عزوجل من المؤمن	96
6	مَا مِنْ شَيْءٍ أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ - جَلَّ ذِكْرُهُ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ ابْنِ آدَمَ . قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَا الْمَلَائِكَةُ؟ قَالَ: «وَلَا الْمَلَائِكَةُ؛ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ مَجْبُورُونَ، بِمَنْزِلَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ»	95
7	إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا	99
8	إن وجدتم فلانا وفلانا - لرجلين من قريش - فأحرقوهما بالنار"، ثم قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - حين أردنا الخروج: "إني كنت أمرتكم أن تحرقوا فلانا وفلانا بالنار، وإن النار لا يعذب بها إلا الله تعالى، فإن وجدتموهما فاقتلوهما	101
9	لا ترعوا المسلم، فإن روعة المسلم ظلم عظيم	103
10	عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: «لَا يَحِلُّ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ التَّجْرِيدُ، وَلَا مَدٌّ، وَلَا غَلٌّ، وَلَا صَفْدٌ»	103

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1	راغب اصفهانی	12
2	ابن تیمیه	15
3	قرطبی	19
4	ابن اثیر	21
5	ماوردی	22
6	زیلعی	22
7	علاء الدین کاسانی	22
8	قرافی	22
9	ابن قدامه	23
10	طبری	41
11	امام ابویوسف	48
12	هیثمی	104
13	نسفی	107
14	نووی	100
15	ابن حجر عسقلانی	112

فهرست منابع وماخذ

• قرآن كريم.

منابع ومصادر به زبان عربى

1. ابن منظور - لسان العرب، المؤلف : محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصرى، الناشر : دار صادر - بيروت، الطبعة الأولى، عدد الأجزاء : 15.
2. ابن تيمیه، الاختيارات الفقهية ، المؤلف : تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني (المتوفى : 728هـ)، المحقق : علي بن محمد بن عباس البعلی الدمشقي، الناشر : دار المعرفة، بيروت، لبنان، الطبعة : 1397هـ/1978م.
3. ابن تيمیه - السياسة الشرعية، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: 728هـ)، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1418هـ.
4. ابن رشد - بداية المجتهد و نهاية المقتصد، المؤلف : أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي الشهير بابن رشد الحفيد (المتوفى : 595هـ)، الناشر : مطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مصر، الطبعة : الرابعة، 1395هـ/1975م.
5. ابن قدامة - المغني لابن قدامة، المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، الناشر: مكتبة القاهرة، عدد الأجزاء: 10، تاريخ النشر: 1388هـ - 1968م.
6. ابن اثير - النهاية في غريب الحديث والأثر، المؤلف: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: 606هـ)،

- الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، 1399هـ - 1979م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي.
7. ابن كثير - أبو الفدا اسماعيل بن كثير، قصص الأنبياء، تحقيق: مصطفى عبد الواحد، دار الرائد العربي، 1407 هـ - 1987م.
8. ابن حجر عسقلاني، فتح الباري شرح صحيح البخاري، المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379.
9. ابن عابدين، محمد بن أمين بن عمر بن عبد العزيز، حاشية ابن عابدين على الدرر المسماة رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، 1974م.
10. ابوزهره - عبد الرحمن ابوزهره، الجريمة والعقوبة في الفقه الاسلامي "العقوبة" دار الفكر العربي، القاهرة، 1998م.
11. ابوزهره - ابن تيمية حياته وعصره - آراؤه وفقهه. محمد بن أحمد أبو زهرة القاهرة: دار الفكر العربي.
12. ابوداود - سنن أبي داود، المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، المحقق: شعيب الأرنؤوط - محمد كامل قره بللي، ناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م.
13. إتفاقية الأمم المتحدة لمناهضة التعذيب وغيره من ضروب المعاملة أو العقوبة القاسية أو اللاإنسانية أو المهينة، ديسمبر 1984م.
14. أسامه على الفقير الرابعة، ضوابط تقدير العقوبة التعزيرية في الشريعة الإسلامية، المجلة الأردنية في الدراسات الإسلامية، المجلد الثاني، العدد الثالث، 1427هـ - 2006م.

15. ايتز، براين (2000)، تاريخ التعذيب، ترجمة مركز التعريب والبرمجة بالدار العربية للعلوم - بيروت.
16. بابرتي - العناية شرح الهداية، المؤلف: محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي البابرتي (المتوفى: 786هـ)، الناشر: دار الفكر.
17. بخارى - صحيح البخاري، المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي) الطبعة: الأولى، 1422هـ.
18. توفيق الشاوي، فقه الاجراءات الجنائية، دار الكتب العربي، القاهرة، ط 2، 1954م.
19. حقوق الإنسان (1993) مجموعة صكوك دولية، نيويورك - الأمم المتحدة، ص 413.
20. حنان عبد الرحمن رزق الله أبو مخ، أحكام التأديب بالعقوبة في الشريعة الإسلامية، رسالة ماجستير في الفقه والتشريع، كلية الدراسات العليا في جامعة النجاح الوطنية نابلس - فلسطين، 1424هـ - 2003م.
21. ذهبى - سير أعلام النبلاء، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي (المتوفى: 748هـ)، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م، عدد الأجزاء: 25 (23 ومجلدان فهارس).
22. دسوقي - حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، المؤلف: محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي المالكي (المتوفى: 1230هـ)، الناشر: دار الفكر.

23. رازي - تحفة الملوك (في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة النعمان)، المؤلف: زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي (المتوفى: 666هـ)، المحقق: د. عبد الله نذير أحمد، الناشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1417.
24. راغب - المفردات في غريب القرآن، المؤلف: أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (المتوفى: 502هـ)، المحقق: صفوان عدنان الداودي، الناشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت، الطبعة: الأولى - 1412 هـ.
25. رخا، طارق عزت (1999): تحريم التعذيب والممارسات المرتبطة به دراسة مقارنة في القانون العام والقانون الوطني والشريعة الإسلامية (القاهرة: دار النهضة العربية).
26. زركلي - الأعلام، المؤلف: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: 1396هـ)، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م)
27. زيلعي - تبين الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشلبي، المؤلف: عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الزيلعي الحنفي (المتوفى: 743 هـ)، الحاشية: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الشلبي (المتوفى: 1021 هـ)، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1313 هـ.
28. زحيلي - التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، المؤلف: د وربة بن مصطفى الزحيلي، الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة: الثانية، 1418 هـ.
29. زناتي، محمود سلام: مدخل لدراسة حقوق الإنسان، أسيوط: مطبوعات كلية الحقوق بجامعة أسيوط.

30. سامى صادق الملا، اعتراف المتهم، دار النهضة العربية، القاهرة، ط 3، 1969م.
31. سرخسي - المبسوط، المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، الناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: بدون طبعة، تاريخ النشر: 1414هـ - 1993م.
32. سرخسي - شرح السير الكبير، دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان 1417هـ - 1997م.
33. سرخسي - ابوبكر محمد بن احمد بن ابو سهل، اصول سرخسي، دار المعرفة - بيروت.
34. سخاوى، محمد، الضوء اللامع، قاهره، 1354ق.
35. سيد محمد، حسيني شيرازى، الفقه، ج47، ص197، موسوعة استدلالية في الفقه الاسلامى، بيروت، دارالعلوم، 1409ق، الطبعة الثانية.
36. سيد سابق، فقه السنه، دار الكتب العربى، بيروت .
37. سعيد محمد احمد باناجه، دراسة مقارنة حول الاعلان العالمي لحقوق الانسان، بيروت 1985.
38. شافعى - الأم، المؤلف: الشافعي أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبد مناف المطلبي القرشي المكي (المتوفى: 204هـ)، الناشر: دار المعرفة - بيروت، سنة النشر: 1410هـ/1990م، عدد الأجزاء: 8.
39. شحاته عبد المطلب حسن، حجية الدليل المادي في الإثبات في الفقه الإسلامي والقانون الوضعي، دار الجامعة الجديدة للنشر، الإسكندرية، 2005م.

40. الشيخ حسين، دراسات في تاريخ الحضارات القديمة اليونان والرومان، دار المعرفة الجامعية الإسكندرية، چاپ اول، 1992م.
41. صنعاني - أبوبكر عبد الرزاق بن همام، سبل السلام شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام، مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، (4 / 200). ابن مفلح شمس الدين المقدسى أبى عبد الله، الفروع، عالم الكتب - بيروت، (6 / 218).
42. طبرى - محمد بن جرير طبرى، تفسير طبرى، دار المعارف، مصر.
43. طوسى - محمد بن حسن (شيخ طوسى)؛ التبيان في تفسير القرآن، النشر الأول، مكتبة الإعلام الإسلامى.
44. طبرانى - الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ لِلطَّبْرَانِي، المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ)، تحقيق: فريق من الباحثين بإشراف وعناية د/ سعد بن عبد الله الحميد و د/ خالد بن عبد الرحمن الجريسي. (13 / 594).
45. عادل بن محمد التوجيرى، التعذيب والمعاملة المهينة بكرامة الإنسان في الشريعة الإسلامية والقانون الوضعى، جامعة نايف العربية للعلوم الأمنية، الرياض، 1427 هـ - 2006م.
46. عبد الحميد الشورابى، الاخلال بحق الدفاع، مطبعة الإشعاع الفنية، الاسكندرية.
47. عبد الرحيم، محمود، التحقيق الجنائي العملى والفنى والتطبيقى، القاهره - دار الفكر العربى، 1963م.
48. عبد المنعم وآخرون، تاريخ الحضارة المصرية، مكتبة النهضة العربية، مصر.
49. على بن محمد أمان الجامى، سلطة ولى الأمر في التجريم التعزيرى وضوابطها في الفقه الإسلامى، رسالة ماجستير، أكاديمية نايف العربية للعلوم الأمنية، 1420 هـ - 2000م.

50. علاء الدين عبد العزيز بن احمد، كشف الاسرار عن أصول البزدوى، دار الكتب العربى - بيروت، 1974م.
51. على رضا ديهيم، درآمدى برحقوق كيفرى بين المللى، چاپ اول، (تهران: نشر دفتر مطالعات سياسى وبين المللى، 1383)، ص 326.
52. عوده - التشريع الجنائى الإسلامى مقارناً بالقانون الوضعى، المؤلف: عبد القادر عوده، الناشر: دار الكاتب العربى، بيروت، عدد الأجزاء: 2.
53. فكيو، جوروجو دال، مسألة أساس عدالة العقاب والحل المكمل لها، ترجمه: ثروت انيس الأسيوطى، القاهره: جامعة القاهرة، كلية الحقوق، مجلة القانون والاقتصاد، العدد الثالث، سبتمبر 1960.
54. فهد محمد على، حقوق الانسان في العصر الحديث، دار النهضة العربية، القاهرة، ط 2 1997م.
55. قرافى - الفروق = أنوار البروق في أنواء الفروق، المؤلف: أبو العباس شهاب الدين أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن المالكي الشهير بالقرافى (المتوفى: 684هـ)، الناشر: عالم الكتب، (1 / 140).
56. قرطبي - الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصارى الخزرى شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ)، تحقيق: أحمد البردونى وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964م.

57. كاسانى - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، المؤلف: علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1986م.
58. خذارى عبد الحق، المسؤولية الجنائية عن جريمة التعذيب دراسة مقارنة بين الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي، بحث مقدم لنيل درجة دكتوراه العلوم في الشريعة والقانون، جامعة الحاج لخضر، 1433هـ - 2014م.
59. لنكرانى، محمد الفاضل؛ تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة (الحدود)، 1421ق.
60. مالك بن انس، الموطأ، تحقيق: محمد فواد عبد الباقي، مؤسسة المعارف للطباعة والنشر، بيروت، لبنان، ط 1، 1425هـ - 2004م.
61. مالكي محمد الأخضر، قرينة البراءة، رسالة دكتوراه، قسنطينة، 1996م.
62. ماوردى - ابو الحسن الماوردى، الحاوى الكبير، دار الفكر، بيروت.
63. محمد ايمن الجمال، اصول الفقه والقانون، مطبعه جبل، البيضاء، ليبيا، ط 1، 2006م.
64. محمد شريف أحمد، البصيرة الإسلامية، منشورات دار البشير، عمان، الأردن، ط 1، 2000.
65. محمد الغزالي، حقوق الانسان بيت تعاليم الاسلام واعلان الأمم المتحدة، دار الدعوة، الاسكندرة ط 6 2008م.

66. مسلم - صحيح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، عدد الأجزاء: 5.
67. ملا خسرو - درر الحكام شرح غرر الأحكام، المؤلف: محمد بن فرامرز بن علي الشهير بملا - أو منلا أو المولى - خسرو (المتوفى: 885هـ)، الناشر: دار إحياء الكتب العربية.
68. ممدوح درويش، ابراهيم السايح، مقدمة في تاريخ الحضارة الرومانية واليونانية، المكتب الجامعي الحديث، الاسكندرية، 1998 - 1999.
69. الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، عدد الأجزاء: 45 جزءاً، الطبعة: (من 1404 - 1427 هـ).
70. مؤسسة أعمال الموسوعة للنشر والتوزيع (1996): الموسوعة العربية العالمية، بيروت - دار الفكر.
71. نسفى - عبد الله بن احمد بن محمود نسفى، مدارك التنزيل وحقائق التأويل، دار الكلم الطيب، دمشق، ط 1، 1998م.
72. نووى - ابو زكريا يحيى بن شرف، شرح النووى على صحيح مسلم، دار السلام، القاهرة.
73. هبة عبد العزيز المدور، الحماية من التعذيب في إطار الاتفاقيات الدولية والإقليمية، منشورات الحلبي الحقوقية بيروت - لبنان، ط 1، 2009م.
74. هادى العلوى، من تاريخ التعذيب في الإسلام، دار الثقافة للنشر والتوزيع، دمشق ط 3، 2001م.

75. هاني سليمان الطعيمات، حقوق الانسان وحرياته الأساسية، دار الشروق، عمان، 2000م.

76. هيثمي - نور الدين الهيثمي، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، دار الكتب العلمية - بيروت، 1408 هـ.ق.

77. يوسف بن محمد بن عبد البر النمري، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، دار المعرفة بيروت.

کتاب های فارسی:

78. آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری. جلد اول، انتشارات: تهران، 1375.

79. آقای بهمن. فرهنگ حقوق، چاپ اول، انتشارات: گنج دانش، 1376.

80. آملی، عبدالله جواد. فلسفه حقوق بشر. چاپ دوم، نشر: اسرا، 1377.

81. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد اول، 1370.

82. اول، مشرق زمین گهواره تمدن، 1380.

83. پرادل، ژان. تاریخ اندیشه های جزایی. ترجمه: علی حسن نجفی، ابرآبادی، انتشارات: دانشگاه شهید بهشتی.

84. پیمانی، ضیاالدین. دارین قضایی در حقوق انقلاب فرانسه. انتشارات: گنج دانش، 1365.

85. خرم دل، دکتر مصطفی خرم دل، تفسیر نور، سایت نوار اسلام - IslamTape.Com، ربیع الثاني 1430 هـ - مارچ 2009م.

86. دورانت، ویل. تاریخ ویل دورانت. جلد ترجمه: احمد اسلام، انتشارات: علمی و فرهنگی مجد

87. دورانت، ویل. عصرایمان. جلد چهارم، انتشارات: تهران، 1388 .
88. دیوید، ابراهیمسن. روانشناسی جزایی. ترجمه: دکتر پرویز صانعی. انتشارات گنج دانش، 1371.
89. دیوید، وریسیلی. کتابخانهء تاریخی. ترجمه: فرانسوی، حیویارش. انتشارات: مجمع علمی و فرهنگی مجد، 1387.
90. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۷، ص ۱۰۱۲۲، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش، چاپ اول.
91. رسول زاده، اسماعیل. قضاوت های حضرت علی. انتشارات: دهقان، 1386.
92. سلسله کتاب مجاهد، رهبران غرب میگویند، ترجمه: عبدالاحد تارشی، (طبع و نشر: دارالجهاد 1367).
93. صادقی، حسین میرمحمد. جرایم علیه بشریت در منشور لندن. انتشارات دانشکده علوم قضایی، فصلنامه دیدگاه حقوقی 14- صادقی، حسین میرمحمد. فصلنامه دیدگاههای حقوقی. جرایم علیه حقوق بشر در منشور لندن.
94. صانعی، پرویز. حقوق جزای عمومی. جلد اول، انتشارات: گنج دانش، 1371.
95. طباطبایی، علامه. المیزان فی التفسیر القرآن. الجزء عشر، منشورات: موسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، 1411.
96. طبری، احسان. شکنجه و امید. انتشارات: تهران، 1326 .
97. عبادی، شیرین. حقوق کودک. چاپ چهارم، انتشارات: 1375.
98. علی آبادی، عبدالحسین. حقوق جنایی چاپ اول جلد دوم. انتشارات: فردوسی، 1388.
99. علی آبادی، عبدالحسین. حقوق جنایی. جلد دوم، انتشارات: فردوسی، 1368.

100. عوده، عبدالقادر. التشریح الجنایی الاسلامی. ترجمه: نعمت الله الفت، نشر میزان، 1377.
101. فرنیاء محمد، مجازات شلاق از نظر قضایی واجتماعی. مجلهء كانون وکلاء، 1327.
102. فوکو میشل، مراقبت و تنبیه. ترجمه: نیکوسرخوش، نشرنی، 1378.
103. کرمانی، ناظم دارسلام. تاریخ بیداری ایرانیان. انتشارات: تهران، 1346.
104. گادو، پروفیسور. مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا. انتشارات: ابن سینا ترجمه: ضیاءالدین نقابت، تهران.
105. لسانی، ابوالفضل. سیرون یا بزرگترین خطیب وزیر دست ترین وکیل مدافع. مجله كانون وکلاء مدافع ایران، 1331 حمل 29.
106. مدنی، سیدجلال. رد اثبات دعوی. انتشارات: پایداری، 1370.
107. مظلومان، ضیاءبیدالتی زیرحوری قانون. 1354.
108. منتظری، حسین علی. مبانی فقهی حکومت اسلامی. جلد سوم، چاپ اول نشر: تفکر، ترجمه محمودصلواتی، 1370.
109. موتمنی، منوچهر طباطبایی. آزاییای عمومی و حقوق بشر. انتشارات: دانشگاه تهران.
110. موسوی، سیدعباس. شکنجه و احد در رسالت جنایی ایران. سازمان ملل متحد و شورای اروپا، انتشارات: تهران، 1382.
111. مهرپور، حسین. حقوق بشر و در هم کاری اجرای آن. انتشارات: موسسه اطلاعات، 1378.
112. مهرپور، حسین. نظام بین المللی حقوق بشر. چاپ اول، انتشارات: اطلاعات، 1377.
113. میبدی، امام احمد. تفسیر ادبی و عرفان قرآن مجید. اثر خواجه عبدالله انصاری، نگارش، حبیب الله آموزگار، تهران: انتشارات اقبال.
114. ناتری، محمد ابراهیم شمس. بررسی تطبیقی مجازات اعدام. پژوهشکده حقوق، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، 1378.
115. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، (تهران: انتشارات طلوع، کابل افغانستان 1346)، ص 1167.
116. وزارت عدلیه " قانون اجراءات جزائی"، شماره: 110 مؤرخ: 1392/10/30.

117. وزارت عدليه. "قانون جزا". جريده رسمي. شماره 13. كابل: مطبعه دولتي، 1355.
118. وزارت عدليه. "قانون جزاي عسكري". جريده رسمي شماره 65 كابل: مطبعه دولتي،
1356 .
119. وزارت عدليه، "قانون اساسي" جريده رسمي شماره 103 كابل: مطبعه دولتي،
1382 .
120. وزارت عدليه، "قانون منع شكنتجه"، شماره: (246) مورخ: 1395/12/14 هـ.ش،
ماده: سوم.
121. يساري، كيترچاي كريانگساك. حقوق كيفري بين المللي.

Research summary

The treatise I have written entitled (Prohibition of Torture in National, International and Islamic Sharia Documents) is summarized as follows:

This treatise, which is divided into four chapters, an introduction and a conclusion, in the first chapter of which the lexical definition of torture, which is harassment, suffering and persecution, and in Arabic means torture.

Similarly, the synonymous words of torture (hadd, ta'zir, discipline, etc.) have been discussed and their differences have been stated.

The elements of the crime of torture (material element, spiritual element and religious or legal element) have also been discussed and the importance of the religious or legal element has been highlighted.

And in the second chapter of the types of torture (physical torture (direct and indirect) and mental torture (direct and indirect)) and the historical course of torture (torture in antiquity, the Middle Ages, the Reformation, torture in modern times, and the history of torture in history and Islamic civilization) has been discussed.

In the third chapter, the purposes of torture (punishment of the accused, obtaining a confession, obtaining information and testimony, psychological and social factors, personal hostility, lack of evidence, financial gain, lack of knowledge of the rights of defendants and suspects, lack of awareness of suspects and defendants Of their rights, lack of follow-up of torture cases, lack of a monitoring body, legal loopholes for torture, and lack of

professional staff in the investigative bodies), tools of torture (kicks, guns, sticks, cables, electricity, chains and continuous hammocks). Insomnia and deprivation of water and food, hot skewers, insults), institutions where torture occurs (police, house surveillance, prison and prosecutor's office) and the effects (physical, psychological and social) of torture.

And in the fourth chapter, the prohibition of torture in Islamic law (reasons for the prohibition of torture from the Holy Quran, the Prophetic tradition and Islamic jurisprudence), national laws (Afghan constitution, criminal law, military law, penal code, and law prohibiting torture) And international law (Universal Declaration of Human Rights, Islamic Declaration of Human Rights, Convention on the Rights of the Child, Convention against Torture ۱۹۸۴) have been discussed and recently mentioned the most important results of this study and some suggestions to the responsible institutions This dissertation is over.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Private Universities Presidency

Investigating the prohibition of torture in national, international and Islamic law

(A master's thesis)

Student: Trina

Supervisor: Dr. Muhammad Unes (Ebrahemi)

Year: 2021



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Private Universities Presidency

Investigating the prohibition of torture in national, international and Islamic law

A Master's Thesis

Student: Tarina

Supervisor: Dr. Muhammad Unes (Ebrahemi)

Year: 2021